

## جزوه ی کار فرهنگی ، چرایی و چگونگی فعالیت فرهنگی در بستر انقلاب اسلامی

معنای کار فرهنگی در انقلاب اسلامی ، مبانی، بایسته های جمعی و فردی کار فرهنگی ، بیانات بزرگان ، علما و شهدا ویژه ها : سیر الی الله (عرفان حقیقی) و کار فرهنگی انقلاب اسلامی ، کم کاری ما در انقلاب ، کم کاری ما در گوش کردن به بیانات رهبری و تاخیر در ظهور ، خاطرات و بیانات با موضوع نماز شب ، نماز اول وقت ، نظم ، امیدواری ، نشاط و تفریح ، تغذیه ، ورزش و خواب در زندگی حضرت امام خمینی ، امام خامنه ای ، آیت الله مکارم شیرازی ، شهید مطهری ، آیت الله جوادی آملی و شهدای بزرگ ، مصادیقی عملی در کار فرهنگی ، رابطه ی درس و کار فرهنگی در نگاه رهبر انقلاب ، برخورد با عوامل منتهی به فروپاشی گروه ، تداوم ارتباط با ما [khatfarhangi.mihanblog.com](http://khatfarhangi.mihanblog.com)



مقام معظم رهبری : اساس وجود امام رضا علیه السلام کار فرهنگی و تبلیغی بوده است .

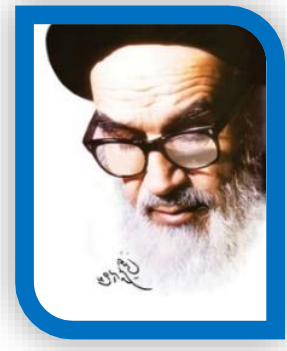


بسم الله الرحمن الرحيم

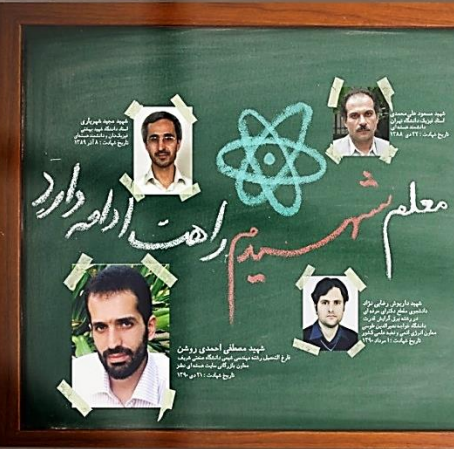
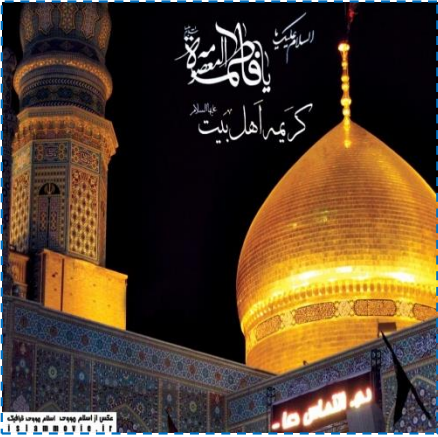
چرایی و چگونگی

«فعالیت فرهنگی»

در بستر انقلاب اسلامی



حرم احمد بن موسی ( شاهچراغ ) علیه السلام - شیراز، حرم امام رضا علیه السلام - مشهد، حرم حضرت معصومه علیها السلام - قم

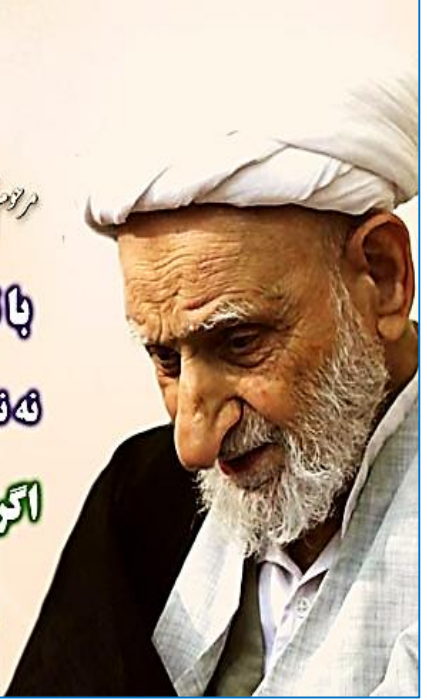


مردم آیت الله محمد تقی جنتی رحمة الله علیه

با تمام وجود نگاه کردیم

نه نعمتایش را از ما گرفت و نه گناهانمان را فاش کرد

اگر بندگی اش را میکردیم چه میکرد؟



توجه : برای رفتن به هر بخش بر روی کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده کلیک کنید.

[فهرست تفصیلی آخر جزوه](#) ..... ۱۲۶

[نقشه ی فرهنگی زندگی](#) ..... ۴

[مقدمه](#) ..... ۶

[فصل اول :](#) انقلاب اسلامی، تجلی توحید در ظلمات غرب..... ۱۰

[فصل دوم:](#) مبانی فعالیت فرهنگی ..... ۲۳

[فصل سوم:](#) بایسته های جمعی فعالیت فرهنگی ..... ۳۹

[فصل چهارم:](#) بایسته های فردی فعالین فرهنگی جبهه انقلاب اسلامی.... ۵۱

[فصل پنجم:](#) آفاتی که فعالیت فرهنگی را تهدید می کند ..... ۷۹

[فصل ششم:](#) برخی از اصول عملی کار جمعی و کار فرهنگی..... ۹۶

[فصل هفتم:](#) تشریح یک فعالیت فرهنگی طراز انقلاب اسلامی: زیارت شهدا در کاروان های راهیان نور

فصل هفتم ..... ۱۰۹

[khatfarhangi.mihanblog.com](http://khatfarhangi.mihanblog.com) بخش جزوه ی کار فرهنگی

پیوست الف : خاطراتی از فرماندهی شهدا ،

پیوست ب : ویژگی یاران امام زمان علیه السلام ،

پیوست پ : معرفی منابع تهیه کتاب های پیشنهادی مطرح شده در این جزوه ، جزواتی بیشتر ، پایگاهی

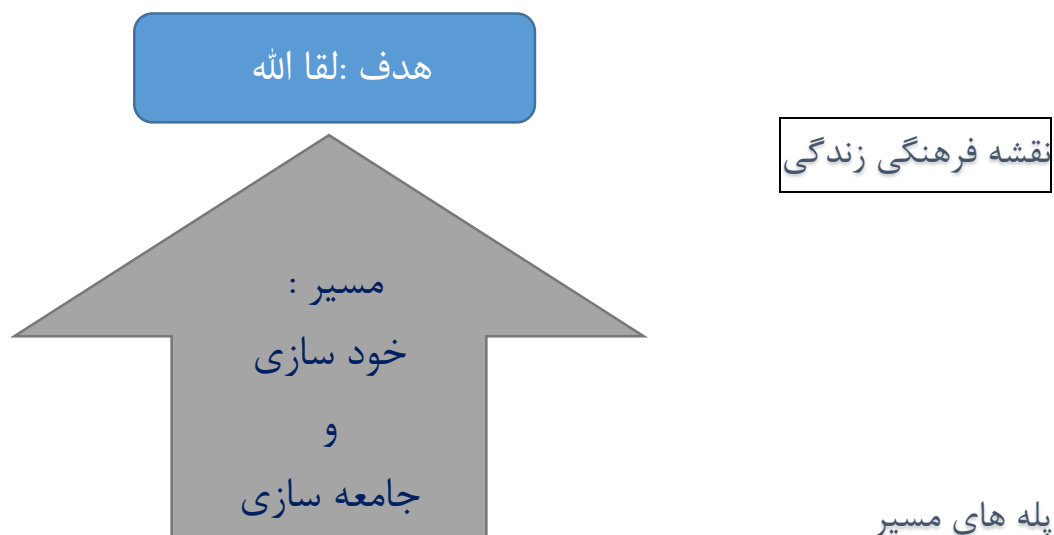
برای تداوم راه با ما ،

پیوست ت : تولید و نشر فرهنگی و زنده بودن یک مجموعه ، Khamenei.ir ،

پیوست ث : برنامه ای برای سن های مختلف از مخاطبین ،

پیوست ج : ای کاش اشتباه هر نسل نسبت به نسل قبل ( کاش ما در زمان جنگ بودیم.. )

پیوست ح : راه حل های مصداقی برای کشف ایده ی جدید فرهنگی



پله های مسیر

۱- شاخص های اصلی

۲- مصداق هایی برای اجرای مسیر که با شاخص های اصلی تنظیم میشود .

(مثلا نماز شب یک شاخص اصلی و تزئینات یک مصداق برای اجرا و اگر می بینیم اگر ما تا ساعت ۱ نیمه شب تزئینات کنیم نماز شب ما قضا می شود پس چون نماز شب شاخص است ساعت تزئینات رو مناسب می کنیم.)

شاخص های اصلی (پله های مسیر )

« الف : بخش عبادی :

\*نظم (مطالعه زندگی بزرگانی چون امام و رهبری و...)

\* چرا خود سازی و اصلاح اصول عقاید

\* استاد داشتن در مسیر سیر الی الله ( مانند حضرت امام خمینی ، آیت الله بهجت و...)

\*سینه زنی و عزاداری امام حسین علیه السلام \* ورزش

\* مطالعه \* نهج البلاغه

- \* احکام شرعی
- \* محاسبه ی اعمال
- \* بحث توجه در نماز
- \* روزمرگی چیست ؟
- \* تجوید قرآن
- \* نماز شب و نماز مستحبی
- \* ویژگی یاران امام زمان علیه السلام
- \* امید دادن به خود و شروع دوباره پی از هر شکست (توبه )
- « ب: بخش انقلاب و انقلاب فرهنگی و فرهنگ :
- \* پیگیری سخنان رهبری
- \* گوش دادن روزانه اخبار صدا و سیما
- \* تولید و نشر ایده های فرهنگی
- \*سایت های مناسب
- سیاسی
- \* تحلیل کلان انقلاب اسلامی
- \* معرفی کتاب و دادن فایل به بچه ها
- \* تشویق دیگران به کار برای انقلاب
- \* نحوه ی کار در دانشگاه و مسجد
- \* مبلغ خوب : داشتن برنامه برای بچه های خاص و برنامه ای برای بچه های عام
- و .....

سلام ، هدف زندگی و تشکیلات در انقلاب اسلامی ، باید هدف انقلاب باشد . حال هدف انقلاب ، همان هدف اسلام و نهایتا هدف خلقت یعنی لقا الله می باشد و زندگی و تشکیلات ما باید به گونه ای باشد که این هدف را محقق کند.

، متأسفانه آنچه از تجربیات در طول کارهای فرهنگی و زندگی ما دیده میشود این است که ما هدف اصلی کار فرهنگی و زندگی خود را فراموش کرده ایم . یا بیش از حد در خودسازی فرو رفته ایم که امر به معروف ، کمک به دیگران ، زکات علم ، کار برای انقلاب و به فکر مسلمانان بودن را فراموش کرده ایم (پیامبر اکرم : هر کس شب بخوابد و به فکر مسلمین نباشد لیس بمسلم) بیانات رهبری با بسیج مستضعفین آذر ماه ۱۳۹۳

اصلا کجا غرور شیطان معلوم شد وقتی که کار از یک نفر به دو نفر رسید ، از کجا می فهمی اخلاص داری تازه یکجایی که بسیار تلاش کرده ای و موفقیت ها رو بنام دیگری زده اند.

یا بیش از حد وارد کار برای دیگران و جامعه سازی شده ایم و نماز اول وقت ، نماز شب ، توجه در نماز ، رسیدگی به امور خانه و پدر و مادر را فراموش کردیم . در کار فرهنگی یک ذره هم توسل نمی کنیم و از خدا شکایت میکنیم که چرا نتیجه نمیگیریم ؛ حالا یکی نیست به ما بگه یکی از شاخص اسلام " فاذا عزمت فتوکل علی الله است " (سوره ی آل عمران آیه ی ۱۵۹) زود عصبانی میشیم ، نظم در کارها رو به کلی طلاق دادیم ؛ خودمون دین رو رعایت نمی کنیم و به دیگران میگویم دین رو رعایت کنید ، ورزش نمیکنیم و به دیگران میگویم راحت طلب نباشید ، ورزش نکردن راحت طلبی نیست ؟ حالا هدف اصلی چیه؟

هدف کار فرهنگی آیا جز هدف از خلقت و هدف اسلام است ؟ حال هدف از اسلام آیا جز ظهور اسمای الهی در انسان و ظهور ظرفیت انسانی میباشد ؟ ( و عِلْمَ الْاَدَمَ اَسْمَاءَ کُلِّهَا سوره ی مبارکه بقره آیه ی ۳۱ )

آیا رسیدن به هدف کار فرهنگی در اسلام جز جمع بین فردگرایی و اجتماع گرایی در کنار هم بود ، این اصل ظهور اسلام است که در شخصیت حضرت امام خمینی به عنوان الگو و استاد ما تحقق یافت (امام اول عارف شد ، بعد انقلابی ) ،

شخصیت امام این را به ما تکلیف میکند که ما به این هدف و راه رسیدن به این هدف با جدیت علم و عمل پیدا کنیم؟

- فقط خودسازی ظهور تئوری لیبرالیستی غرب و فقط جامعه سازی و برای جامعه فدا شدن ، ظهور کمونیستی دارد و اسلام غیر از این است (مفهوم انقلابی بودن جلسه سوم استاد پناهیان ، امام اول عارف شد و بعد انقلابی ، یک انقلابی عارف صد در صد به فکر خودش ، همینطور که صد در صد به فکر خودش صد در صد به فکر جامعه است . )

مهمترین جلوه ی خودسازی امام داشتن استاد سیر و سلوک (، آیت الله شاه آبادی) و مهمترین جلوه ی جامعه سازی او انقلاب اسلامی ، مسیر اصلی را به ما نشان میدهد. (همانطور که کلاس درس استاد دارد ، کلاس ورزش استاد دارد ، سیر و سلوک هم استاد دارد ، خودرو نمی توان مهذب شد. ( جزوه ی جهاد اکبر امام خمینی )

امام داشت مسیر خودسازی خود را طی میکرد و در این راه آمریکا نماد استکبار بیرون و عامل دست نشانده ی او ، شاه را مانع خودسازی دید لذا ایستاد مقابل این استکبار ها و تا آخر عمر هم ایستاد . خودسازی امام عیناً جامعه سازی او بود و جامعه سازی او عیناً خودسازی. (رجوع بیشتر کتاب بنیان مرصوص ، آیت الله جوادی آملی )

عارف شد ایشان و بعد انقلابی ، نسبت زمانی خاصی دارد ، عزلت خاصی دارد ، ترک جامعه یا عدم ترک خاصی دارد که باید موشکافانه مورد بررسی قرار گیرد که البته در اینجا این مفصل ذکر نشده است.

امام خمینی (قدس سره):



هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است. چنانچه خود انسان تربیت نشود نمی تواند دیگران را تربیت کند. و شما دیدید که در این طول سلطنتها... چون کارها دست اشخاصی بود که تربیت اسلامی نداشتند و خودشان درست نشده بودند، برای خاطر همین نقیصه بزرگ، کشور ما را کشاندند

به آنجایی که ملاحظه می‌کنید و ملت ما را هم کشاندند به آنجایی که سال‌ها باید طول بکشد تا اینکه انشاءالله، اصلاح بشود.<sup>۱</sup>))

جان و قلب نیروی فرهنگی مثل طرفی است که قرار است از آب زلال انقلاب و اسلام سرشار شود و این آب را به کام تشنگان برساند. ظرفی که آلوده به کینه و رذایل و ظلمت باشد، این آب زلال را هم آلوده می‌کند و معجونی زهراگین به مخاطب می‌دهد که ممکن است به قیمت مردن روح مخاطب بی‌نوا تمام شود. یک مجاهد فرهنگی به خاطر جامعه هم که شده خیلی از خودش مراقبت می‌کند و محاسبه می‌نماید که نکند ناخالصی در وجودش باشد که کارش را تحت تاثیر قرار دهد. اگر وجود او معطر به عطر حقیقت توحیدی انقلاب شود ناخودآگاه در همه حرکات و سکناتش این عطر را پخش می‌کند. حتی خوردن و خوابیدن و کارهای معمول او هم روی اطرافش اثر فرهنگی دارد و کار فرهنگی او پیوسته در حال انجام است. در جهت مقابل اگر وجود او آغشته به غبار غفلت و معصیت و کینه و نفاق باشد، اطرافیانش را هم از ظلمتش بی‌بهره نمی‌گذارد. هستی به هم پیوسته است و ارتباط ملکوتی خاصی بین همه افراد و اجسام و اعمال و نیات هست و دائما این اثرگذاری ادامه دارد. به فرموده علامه طباطبایی (قدس سره): (یک برگ درخت که روی زمین می‌افتد بر کل عالم اثر می‌گذارد چه برسد به یک گناه!). واقعا "یک گناه عالم را به هم می‌ریزد."

مقام معظم رهبری از سالها پیش یک روایت را قاب کرده اند و در اتاق قرار داده اند تا همیشه جلو چشمشان باشد. نوشته این قاب که به خط مرحوم آیت الله نجومی نوشته شده، این حدیث گهربار امام علی (ع) است که: ((مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مَعْلَمٌ نَفْسِهِ وَ مَوْدِبٌ أَحَقُّ بِالْجَلَالِ مِنَ مَعْلَمِ النَّاسِ وَمَوْدِبِهِمْ . کسی که خود را پیشوای مردم قرار داده، باید پیش از آموزش دیگران، خود را آموزش دهد و پیش از آن که دیگران را با زبان، ادب بیاموزد، با کردارش ادب آموزد و البته آموزش دهنده و ادب‌آموز خود بیش از آموزگار و ادب‌آموز مردم، شایسته تجلیل است.<sup>۲</sup>)). انتخاب، نصب در اتاق شخصی و مانوس بودن همیشگی مقام معظم رهبری با این حدیث شریف حاکی از عمق تهذیب، خودسازی، و پرداختن به خود در سیره امام عزیز امت است.



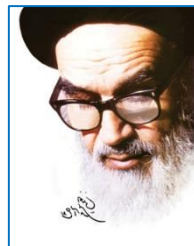
<sup>۱</sup> صحیفه امام ج ۱۵: ۴۹۱

<sup>۲</sup> غرر الحکم، ج ۷۰۱۶ و نهج البلاغه حکمت ۷۳ و به معنای دیگر در حکمت ۸۹ نهج البلاغه، سخنرانی در جمع طلاب و روحانیون کرمانشاه ۱۳۹۰/۸/۱۲



پایان این بحث را مزین می کنیم به بیان حضرت امام در باب ضرورت تهذیب برای یاران انقلاب:

((شما اگر بخواهید انقلاب اسلامی، انقلاب فرهنگی در ایران پیاده کنید باید این انقلاب اول از باطن خودتان باشد.))



بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۴/۰۳/۱۳۷۲



یک جمله درباره امام بزرگوارمان است. می‌خواهم به شما برادران و خواهران، استنباط خودم را از عظمت و مکانت این بزرگوار بگویم. اعتقاد من این است که عظمتی که این مرد الهی و معنوی، حتی بعد از در گذشت خود، در دلها و چشمها پیدا کرد و مرقد او محل زیارت مشتاقان در تمام دوره سال شده و دلها متوجه به او و مجذوب اوست، به خاطر این است که او یک انسان مخلص و پرهیزکار بود. آن بزرگوار، در همه کارها، برای خدا و در راه خدا و به نام خدا، حرکت و عمل میکرد. ما راه خدا را باید برای خدا و به کمک الهی بپیماییم و طی کنیم. امروز ملت عزیز ما، احتیاج به این دارد که هر فردی، در درون و در دل خود، راهی به سوی خدا و معنویت باز کند. باید روزبه‌روز بر معنویت خودمان اضافه کنیم. جلوه‌های دنیا و فریبندگیهای زندگی مادی، نباید ما را مجذوب خود کند.

تلاش مادی، یک وظیفه است. فعالیت در مسیر سازندگی، یک وظیفه است. اما مجذوب شدن و دلبسته شدن و ترجیح دادن لذتهای دنیا و لذتهای مادی بر راه خدا، یک امر ضد ارزش و خلاف وظیفه است. بخصوص به جوانان عزیز عرض میکنم که پیروزی این انقلاب، به خاطر صفا و اخلاص گروههایی از شما مردم بود. بقای این انقلاب هم به خاطر صفا و صداقت و ایمان شما ملت بود. پیروزی در جنگ تحمیلی و ناکام کردن دشمن، به خاطر توکل به خدا و تقوا و پرهیزکاری بود. امروز هم در میدانهای دشوار، آنچه ما را قطعاً موفق میکند، توکل و توجه به خدا، حفظ تقوا و بیاعتنایی به زخارف و جذابیتهای زندگی مادی است. این نکته به معنای آن نیست که به فکر نیازهای مادی خود نباشیم. هر کس حق دارد - بلکه وظیفه دارد - به دنبال نیازهای مادی خود باشد؛ معاش خود را تأمین و حتی لذا ید مشروع خود را هم تأمین کند. اما همه اینها غیر از این است که کسی دل به دنیا بسپارد، راه خدا را فراموش کند و همه فعالیت و فکر و حرکت و سکون او را توجه به امور مادی تشکیل دهد.

## {۱} سیر الهی تشکیلات :

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۴/۰۳/۱۳۷۲

همه برادران و خواهران عزیز را به حفظ تقوای الهی دعوت و توصیه میکنم. بخصوص در این نماز جمعه که به یاد و در کنار مرقد کسی نماز را اقامه میکنیم که شاید بشود گفت بزرگترین خصوصیات او، تقوا و پرهیزکاری بود. امروز به مناسبت این که مراسم چهارمین سالگرد ارتحال امام بزرگوار را در این جمع عظیم مردم سراسر کشور، بخصوص مردم عزیز تهران و همچنین مسافرانی که از شهرهای مختلف کشور، بعضی پای پیاده و بعضی سواره آمده‌اند، و نیز جمع علاقه‌مندی از میهمانان خارجی برگزار میکنیم، خطبه اول را به مطلبی درباره امام بزرگوارمان اختصاص میدهم. اگر چه، سخن درباره امام عزیز و بزرگوار، بسیار گفته شده و بسیارها هم ناگفته مانده است.



## فصل اول

### انقلاب اسلامی، تجلی توحید در ظلمات غرب

#### اشاره..... ۱۲

- ۱-۲- جرعه ای از نور (بیانات توحیدی امام خمینی و امام خامنه ای)..... ۱۳
- ۱-۲-۱- توحید عملی در کلام امام خمینی(قدس سره): ..... ۱۴
- ۱-۲-۲- توحید عملی در کلام امام خامنه ای(مدظله العالی): ..... ۱۶
- ۱-۳- بارقه نور ( شکل گرفتن شخصیت امام خمینی ) ..... ۱۷
- ۱-۴- ظهور نور(امام به این نتیجه می‌رسد که سیر بی انتهای سلوکش را باید با پدید آوردن انقلاب اسلامی ادامه دهد). ..... ۱۹
- ۱-۵- امتداد آفتاب ( ادامه ی مسیر توحیدی امام در جنگ تحمیلی و رهبری امام خامنه ای )  
..... ۲۰
- ۱-۶- وظیفه ما در قبال انقلاب ..... ۲۱

#### فهرست

انقلاب اسلامی نعمتی الهی است که دارای ابعاد بسیاری می باشد و از جهات مختلف قابل بررسی است. ولی مع الاسف از منظر توحید که اصل و ریشه تمام حرکات انقلابی حضرت امام است چندان به انقلاب پرداخته نشده است. نباید فراموش کرد که بنیانگذار انقلاب اسلامی یک عالم ربانی بوده است که جز خدا نمی دید و جز به امر خدا و برای خدا کاری نمی کرد. حال چگونه ممکن است انقلاب چنین شخصیتی جدا از سلوک توحیدی او بوده باشد؟! به فرموده حضرت امام: ((انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است<sup>۱</sup>)). از جهت توحیدی نمی توان انقلاب اسلامی را با دیگر انقلاب های تاریخ معاصر مقایسه کرد چرا که به قول حضرت امام: ((انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب ها جدا است: هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است<sup>۲</sup>)).

این نوشتار کوتاه، گذری است بر بنیان توحیدی انقلاب اسلامی و وظیفه ما در قبال آن. درک نکردن حقیقت و جایگاه انقلاب موجب می شود که انقلاب در اذهان عمومی به یک حادثه‌ی اجتماعی - سیاسی (از نوع سیاست معمول دنیای غرب و نه سیاست مقدس الهی) تبدیل شود و دیگر هیچ. اگر جایگاه قدسی و ملکوتی انقلاب اسلامی درک شود، از این افق بلند می توان همه زوایا و جنبه های انقلاب اسلامی را تحلیل کرد و با چشم الهی به اجزای تاریخی، سیاسی، اقتصادی و... انقلاب نگریست. البته هدف و مبنای توحیدی انقلاب منافاتی با سیاست اسلامی ندارد، به قول حضرت امام، ((والله همه‌ی اسلام، سیاست است)). این سیاست یعنی حضور حق در تمام مناسبات انسان در یک اجتماع. چنین سیاستی عین دیانت و عین حقیقت است. شهدا و یاران خاص امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» با هدایت الهی و قلبی در انقلاب وارد شدند، انقلاب اسلامی را شناختند و با سیاست الهی آن همراهی کردند. در مقابل سیاسیونی که در عین وجهه‌ی اسلامی گرایشات غربی داشتند، می خواستند با تحلیل های سیاسی به انقلاب نزدیک شوند و با این تحلیل ها نه انقلاب را شناختند و نه می توانند بشناسند. هر کس به سوی توحیدی که انقلاب اسلامی می نمایاند راهی نباشد، دانسته یا نادانسته دچار شرک دوران خود شده است. زیرا در حال حاضر هیچ مامن دیگری برای

<sup>۱</sup> صحیفه امام، ج ۵، ص ۸۱

<sup>۲</sup> وصیت نامه امام خمینی

زندگی توحیدی بشر معاصر نمانده است. باید زمینه‌ی ظهور توحید را در این عصر شناخت تا به سرعت به طرف زندگی الهی حرکت کرد. امام و شهدای انقلاب اسلامی حیات طیبه را در عالی‌ترین شکل خود به بشر گرفتار ظلمات دوران نمایانند.

این نوشتار مدعی نفی سایر جنبه‌های انقلاب و اسلام نیست بلکه سعی در تبیین ریشه و اساس توحیدی همه جنبه‌های مختلف انقلاب دارد و این نکته را تاکید کند که همه جنبه‌های مختلف فردی، سیاسی، قضایی، علمی، اقتصادی و... برای رسیدن به قله توحید حقیقی که هدف نهایی انقلاب اسلامی است، ضرورت دارد. لیکن مبنای اولیه و هدف نهایی اسلام و انقلاب توحید است و همه اجزای انقلاب باید با دید توحیدی معنا و تحلیل شود. چون همه جوانب مختلف انقلاب در خدمت این هدف متعالی است. به فرموده حضرت امام: ((و: لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ «احزاب-۲۱»)). پیغمبر بزرگ اسلام همه چیزش را فدای اسلام کرد تا پرچم توحید را به اهتزاز در آورد؛ و ما به حکم پیروی از آن بزرگوار باید همه چیزمان را فدا کنیم تا پرچم توحید برقرار بماند<sup>(۱)</sup>)).

#### ۱-۲- جرعه‌ای از نور (بیانات توحیدی امام خمینی و امام خامنه‌ای)

در این قسمت اشاره‌ای به بعضی از بیانات توحیدی امام خمینی و امام خامنه‌ای خواهد شد تا آغاز این بحث به کلام ایشان متبرک گردد و اهمیت مطلب از بیان ایشان مشخص گردد. شایان ذکر است که در کلام بزرگان مخصوصاً امام خمینی واژه توحید به چند معنا به کار رفته است: اولاً به معنای توحید اجتماع و وحدت جامعه و مسلمانان، ثانیاً به معنای توحید عقلی و فلسفی یا علم توحید که از موضوعات اصلی درس فلسفه است، ثالثاً به معنای توحید عملی و حقیقی که ظهور حقیقت الله در همه جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی و... است. توحیدی که اساس انقلاب و بلکه اساس خلقت است، معنای سوم می‌باشد و سایر معانی توحید تنها می‌توانند مقدمه این معنا باشند. در کلام امام باید دقت کرد که هر جا واژه توحید را به کار می‌برند منظور کدام قسم از توحید است؟ در این نوشتار به معنای سوم یا همان توحید عملی و حقیقی پرداخته شده است. توحید عملی با جان و قلب و عمل درک می‌شود نه با ذهن و مطالعه! این توحید روح مهذب لازم دارد و رفع حجب، نه جمع کتب! اما اشاره‌ای کوتاه به توحید عملی در کلام ولایت:

## ۱-۲-۱- توحید عملی در کلام امام خمینی (قدس سره):

((جز خط مستقیم توحید هر چه هست منکرات است، اینها باید از بین برود.<sup>۱</sup>))



آن مقصدی که مقصد اسلام است و مورد امر خدای تبارک و تعالی است و همه انبیا برای آن مقصد آمده‌اند از آن مقصد غفلت بشود. باید گفتارها، انسان را برساند به معنویات و برساند به توحید کلمه و کلمه توحید.<sup>۲</sup>

((انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است که محتوای این اصل در همه شئون جامعه سایه می‌افکند. در اسلام، تنها معبود انسان و بلکه کل جهان، خداست که همه انسانها باید برای او یعنی برای رضای او عمل کنند. هیچ چیز و هیچ کس را نپرستند. در جامعه‌ای که شخص پرستی‌ها و شخصیت پرستی‌ها، نفع پرستی‌ها و لذت پرستی‌ها و هر نوع پرستش محکوم می‌شود و فقط انسانها دعوت می‌شوند به پرستش خدا، در آن صورت همه روابط بین انسانها، چه اقتصادی و یا غیر اقتصادی در داخل چنین جامعه‌ای و در رابطه این جامعه با خارج تغییر می‌کند و ضوابط عوض می‌شود، همه امتیازات لغو می‌شود.<sup>۳</sup>))

((آنچه که انبیا برای او مبعوث شده بودند و تمام کارهای دیگر، مقدمه اوست، بسط توحید و شناخت مردم از عالم است که چطور است؛ ارائه عالم به آن طوری که هست، نه به آن طوری که ما ادراک می‌کنیم. و دنبال این بودند که همه تهذیب‌ها، تعلیم‌ها و همه کوشش‌ها در این باشد که مردم را از این ظلمتکده‌هایی که همه عالم ظلمت است، نجات بدهند و به نور برسانند. غیر حق تعالی نور نیست، همه ظلمت‌اند و اگر چنانچه، ما از این حجابهای ظلمانی بیرون برویم و همین طور اگر موفق بشویم از حجابهای نورانی هم بیرون برویم و همه حجابها را خرق کنیم، آن وقت حق را به همه صفات و اسمائش مشاهده می‌کنیم و غیر او کسی نیست، سراب است. البته به آن معنای کاملش، نادری از اولیای خدا به تبع انبیا موفق شدند و دیگران مراتب پایین تر را، تا برسد به ما که هیچ<sup>۴</sup>))

<sup>۱</sup> صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۲

<sup>۲</sup> صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۱۵۳

<sup>۳</sup> صحیفه امام، ج ۵، ص: ۸۱

<sup>۴</sup> صحیفه امام، ج ۱۹، ص: ۲۸۵

((انبیا که جنگ می کردند با مخالفین توحید مقصدشان این نبود که جنگ بکنند و طرف را از بین ببرند، مقصد اصلی این بود که توحید را در عالم منتشر کنند. <sup>۱</sup>))

((اسلام برای برگرداندن تمام محسوسات و تمام عالم به مرتبه توحید است. <sup>۲</sup>))

((زیربنا توحید است، زیربنا عقاید حقّه الهی است؛ نه زیربنا شکم باشد. اینهایی که اقتصاد را زیربنا می دانند، اینها منحط کردند انسان را از حدّ انسانیت به حد یک حیوانی، مثل سایر حیوانات؛ این هم مثل سایر حیوانات. <sup>۳</sup>))

((اسلام بزرگ، دین توحید و شکننده شرک و کفر و بت پرستیها و خودپرستیهاست. <sup>۴</sup>))

((شما نصرت کنید از دین خدا و کشور توحید تا خداوند قادر نصرت دهد شما را. <sup>۵</sup>))

((فطرت انسان فطرت الله الّتی فطر النّاس علیها. این فطرت توحید است. فطرت کمال مطلق است. تا آنجا نرسید، هی می خواهید. دنبال یک گمشده ای شما هستید. عوضی می گیرید آن گمشده را. <sup>۶</sup>))

((فطرت توحید از خداوند است ... هر کس هر کمال و جمالی دارد از خود نیست بلکه جلوه کمال و جمال اوست. و ما رمیت إذ رمیت و لکن الله رمی، در هر چیز و هر فعل و هر گفتار و کردار صادق است و هر کس این حقیقت را دریابد و ذوق کند، به کسی جز او دل نبندد و از کسی جز او حاجت نخواهد. <sup>۷</sup>))

((آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن بپاخواستید و دنبال می کنید و برای آن جان و مال نثار کرده و می کنید، والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد؛ و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن و ایده توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهنای وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است؛ و آن در مکتب محمدی - صلی الله علیه و آله وسلم - به تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شده؛ و کوشش تمام

<sup>۱</sup> صحیفه امام، ج ۸، ص: ۴۱

<sup>۲</sup> صحیفه امام، ج ۸، ص: ۴۳۵

<sup>۳</sup> صحیفه امام، ج ۹، ص: ۴۵۱

<sup>۴</sup> صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۱۵۹

<sup>۵</sup> صحیفه امام، ج ۱۳، ص: ۱۸۹

<sup>۶</sup> صحیفه امام، ج ۱۴، ص: ۲۱۰

<sup>۷</sup> صحیفه امام، ج ۱۶، ص: ۲۰۹

انبیای عظام - علیهم سلام الله - و اولیای معظم - سلام الله علیهم - برای تحقق آن بوده و راهیابی به کمال مطلق و جلال و جمال بی‌نهایت جز با آن میسر نگردد. آن است که خاکیان را بر ملکوتیان و برتر از آنان شرافت داده، و آنچه برای خاکیان از سیر در آن حاصل می‌شود برای هیچ موجودی در سراسر خلقت در سر و عَن حاصل نشود.))

((تا بانگ لااله الاالله و محمدرسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم.))<sup>۱</sup>

((شما را این وحدت کلمه در زیر سایه توحید و در زیر پرچم اسلام به این فتحها و پیروزیها می‌رساند.))<sup>۲</sup>

### ۱-۲-۲- توحید عملی در کلام امام خامنه‌ای (مدظله العالی):

((آنچه مسلم است، همه پیغمبران و اولیا برای این آمدند که پرچم توحید را در عالم به اهتزاز درآورند و روح توحید را در زندگی انسانها زنده کنند.))<sup>۳</sup>

((نظام اسلامی بر اساس توحید است. پایه‌ی اصلی، توحید است.))<sup>۴</sup>



((توحید یعنی حاکمیت ارزشهای الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزشهای انسانی و اصیل. بنابراین توحید ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی بود.))<sup>۵</sup>

((هر چه ما به سمت توحید و عبودیت لله پیش برویم، شرّ طواغیت و اندادالله از سر ما بیشتر کم خواهد شد. ملت مسلمان ایران به همان اندازه‌ای که در خطّ توحید پیش رفته است، امروز از زبان‌درازی و دست‌درازی امریکا و غیرامریکا از مستکبران عالم، راحت است؛ از بکن‌نکن آنها آزاد است. این، خاصیت توحید و خاصیت عبودیت لله است. بنده خدا که شدید، بندگی خدا با بندگی دیگران و نوکری دیگران نمی‌سازد.))<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> صحیفه حضرت امام خمینی (ره)، ج ۴، ص ۱۶۸

<sup>۲</sup> صحیفه امام، ج ۱۵، ص: ۴۰۴

<sup>۳</sup> ۰۳/۰۹/۱۳۷۸

<sup>۴</sup> ۰۶/۱۲/۱۳۸۸

<sup>۵</sup> ۲۲/۰۷/۱۳۸۲

<sup>۶</sup> ۲۱/۰۴/۱۳۷۷



((بعثت نبی اکرم در درجه اول، دعوت به توحید بود. توحید صرفاً یک نظریه فلسفی و فکری نیست؛ بلکه یک روش زندگی برای انسانهاست؛ خدا را در زندگی خود حاکم کردن و دست قدرتهای گوناگون را از زندگی بشر کوتاه نمودن. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که پیام اصلی پیغمبر ما و همه پیغمبران است، به معنای این است که در زندگی و در مسیر انسان و در انتخاب روشهای زندگی، قدرتهای طاغوتی و شیطان ها نباید دخالت کنند و زندگی انسانها را دستخوش هوس ها و تمایلات خود قرار دهند. اگر توحید با همان معنای واقعی که اسلام آن را تفسیر کرد و همه پیغمبران، حامل آن پیام بودند، در زندگی جامعه مسلمان و بشری تحقق پیدا کند، بشر به سعادت حقیقی و رستگاری دنیوی و اخروی خواهد رسید و دنیای بشر هم آباد خواهد شد؛ دنیایی در خدمت تکامل و تعالی حقیقی انسان<sup>۱</sup>)).

((اندیشه‌ی توحید و عبودیت در مقابل خدا، درس پیغمبران است<sup>۲</sup>)).

((هدف نهائی، تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پائین تر از آن، انسان سازی است؛ هدف پائین تر از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است با همه‌ی مشخصات و آثار، که استقرار عدالت در آن باشد، توحید باشد، معنویت باشد. اینها اهداف هستند. این اهداف عوض شدنی نیستند؛ یعنی ما نمیتوانیم بیائیم مایه بگذاریم تا از هدف کم کنیم<sup>۳</sup>)).

((انقلاب اسلامی به وجود آمد تا به ملت ایران، حیات طیبه بدهد. حیات طیبه، یعنی آن چیزی که قرآن میفرماید: «فلنحیینه حیاةً طیبهً»<sup>۴</sup>)).

((اساس انقلاب اسلامی بر انسان سازی استوار است، نسل نو، این فرصت را دارد که در سایه حکومت اسلامی درون و باطن خود را اسلامی کند و همت ما باید بر تهذیب نفس، ساختن باطن و تحول به سوی اخلاق الهی متمرکز باشد و مقصود از بعثت همه‌ی انبیاء نیز همین امر مهم بوده است. ملت ما باید در درون خود نور معنویت، صبر و یقین و عبادت و ذکر خداوند را برافروزد تا به عنوان الگوی ملت‌های دیگر برای خود و آنان سعادت به ارمغان آورد.))

۱ ۰۲/۰۷/۱۳۸۲

۲ ۱۱/۰۶/۱۳۸۴

۳ ۱۳/۰۴/۱۳۹۰

۴ ۲۲ دی ۱۳۹۴

## ۱-۳- بارقه نور ( شکل گرفتن شخصیت امام خمینی )

در روایت از امام سجاد علیه السلام هست که: ((خدای عزوجل دانست که در آخر الزمان مردمی متمم آیند. از این رو سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و آیات سوره حدید را که آخرش «وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» است نازل فرمود<sup>۱</sup>)). یعنی در آخر الزمان کسانی خواهند آمد که به حقیقت و باطن توحیدی ترین آیات قرآن می رسند و متجلی توحید حقیقی خواهند شد. سوره توحید و شش آیه اول سوره حدید، توحیدی ترین آیات قرآن است که مضامین بلند آن مورد توجه و تدبر حضرت امام، صدرالمتألهین، علامه طباطبایی و دیگر علمای الهی واقع شده است. حدیث بالا اشاره دارد که محتوای توحیدی این آیات، آن قدر بلند است که هر کسی قادر به درک عمق آن نخواهد شد، بلکه خواصی از شیعیان آخر الزمان می توانند عالم به حقیقت این آیات الهی باشند. بزرگان اهل توحید در جهت اتصال به باطن این آیات گام های بزرگی برداشتند ولی همچنان توحید در عرصه زندگی مردم و حتی شیعیان مخلص مهجور بود تا این که بارقه ای از نور توحید در شهر خمین درخشید و نور الهی او عرصه عالم را دگرگون کرد.

سید روح الله موسوی خمینی، در دوران طلبگی به طور ویژه در محضر آیت الله شاه آبادی مراتب معنوی را طی نموده است و در کتب عرفانی خویش بارها از ایشان به عنوان "شیخ ما، عارف کامل، شاه آبادی روحی فداه" یاد می کند. اکثر آثار عرفانی حضرت امام مثل آداب الصلوه، مصباح الهدایه و... در همین دوره نوشته شده است. تعلیم و تالیف در حوزه عرفان اسلامی، باعث می شود که عده ای از جاهلان مقدس نما حضرت امام را تکفیر کنند و برخی از علمای بزرگ به شدت علیه او موضع بگیرند. وارث معنوی علامه طباطبایی، حضرت استاد سعادت پرور، تعبیر عجیبی راجع به حضرت امام دارد که حاکی از عظمت توحیدی امام است: "عارف بالله و محبوب خدا و اولیاء خدا، احیاگر دین و ایمان و برپادارنده ولایت و حکومت اسلامی، و نجات دهنده کشور از چنگال پادشاهان، آیت اعظم پروردگار و حجت خدا بر اهل زمین در این زمان، حضرت امام سید روح الله موسوی خمینی-رضوان الله تعالی علیه". امام خمینی از علمای ربانی و حجج الهی بود از همان علمای بالله است که امیرمؤمنان علیه السلام در وصفشان فرمود: ((أَهْ آه شَوْقًا إِلَىٰ رُؤْيَتِهِمْ<sup>۲</sup>))

بله امام طلایه دار علما و اولیایی بود که آیات الهیه را از کهنگی مصون داشتند. آنانکه تعدادشان بسیار اندک،

<sup>۱</sup> توحید صدوق، ص ۲۸۳، باب ۴۰، باب أدنی ما یجزئ من معرفه التوحید

<sup>۲</sup> نهج البلاغه- ج ۲، حکمت شماره ی ۱۴۷

و قدر و منزلتشان بسیار بزرگ است. آنانکه خداوند، حُجَج و بیناتش را بوسیله آنها حفظ فرماید. و نورش را با آنها اتمام ببخشد.

۱-۴- ظهور نور (امام به این نتیجه می‌رسد که سیر بی انتهای سلوکش را باید با پدید آوردن انقلاب اسلامی ادامه دهد).

حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» به عنوان یک فقیه و عارفِ واصل، به این نتیجه می‌رسد که سیر بی انتهای سلوکش را باید با پدید آوردن انقلاب اسلامی ادامه دهد. حضرت امام فرموده بودند که حضرت آیت الله شاه آبادی، خط آینده و انقلاب را برایم ترسیم کردند. آیت الله جوادی املی در کتاب بنیان مرصوص از انقلاب به عنوان سفر چهارم عرفانی حضرت امام (سیر فی الخلق) یاد می‌کند. در واقع انقلاب مرحله ای از سلوک امام بوده و سلوک او عین زندگی و انقلابش. امام در بدو پیروزی انقلاب در تفسیر سوره حمد، عمیق ترین مطالب توحیدی را مطرح می‌کند تا خط اصلی انقلاب را ترسیم کند. این تفسیر با اعتراض برخی از بزرگان حوزه و تهدید به موضع گیری علیه امام خمینی، بعد از شش جلسه پخش از سیما متوقف می‌شود!! یکی از فضلا می‌فرمودند: وقتی حضرت امام این صحبت‌ها را طرح کردند خیلی جا خوردم رفتم خدمت آقای طباطبایی «رحمة الله علیه» گفتم حاج آقا نظر شما چیست در مورد تفسیری که حضرت امام شروع کردند؟ علامه به آن آقا فرموده بودند غیر از حاج آقا روح الله احدی چنین جرأتی را نداشت که این موضوعات را مطرح کند. حقیقت این است که حضرت امام به اینجا رسیده که جهان بشری بخصوص شیعه، آمادگی فهم چنین معارفی را در کنار انقلابی به این بزرگی، پیدا کرده. بنا است از طریق حضرت امام چشم جهانیان باز شوده و جز حق در عالم نبینند و در دل چنین نگاهی آمریکا را به هیچ بگیرند و نور حق در همه عالم ظهور کند.

اگر او و انقلابش نبود به فرموده خود ایشان، ((تحجر حوزه های علمیه از کلیسای قرون وسطی بدتر می شد)) و امروز اصلا اجازه طرح مسایل معرفتی و اساسی انسان را نمی‌دادند. در واقع حضرت امام به عنوان علمدار سلوک ناب شیعی در دوران معاصر، دریچه ای را روی جهانیان گشودند تا با پرواز در ذیل افق آن، در آسمان معنویت اوج بگیرند. ایشان توحید ناب را از انزوا خارج کرد و فضا برای تجلی نور توحید در فضای عالم فراهم شد. البته درک این توحید به تهذیب جان ها از نفسانیت و تهذیب جامعه از غرب زدگی نیاز دارد. لذا در وصیت نامه الهی- سیاسی خویش تاکید کرده اند که : (( از بالاترین و والاترین حوزه‌هایی که لازم

است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد، علوم معنوی اسلامی [است]، از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله - رزقنا الله و ایاکم - که جهاد اکبر می باشد.))

#### ۱-۵- امتداد آفتاب ( ادامه ی مسیر توحیدی امام در جنگ تحمیلی و رهبری امام خامنه ای )

مراتب توحیدی حضرت امام در انقلاب و جنگ تحمیلی بیشتر ظهور می کند. آنجا که هزاران جوان را ذیل نور وجود خویش یک شبه به اوج ملکوت می رساند. " مقامات و مراتب عالی معنوی شهدا را باید اهل الله توضیح بدهند و گرنه سخن گفتن راجع به ایشان کار هرکسی نیست " و " همان گونه که حضرت امام فرمودند "شهدا حقیقتاً راه صدساله را یک شبه طی کردند". این شهدا مصادیق حقیقی این حدیث می شوند که: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: یا ((علی! عجیب ترین مردم از جهت ایمان، و عظیم ترین ایشان از جهت یقین گروهی هستند که در آخر الزمان زیست می کنند، زیرا ایشان به دیدار پیامبر نرسیده اند، و حجّت از ایشان غائب است، ولی ایشان به نوشته ای (کتاب های روایات معصومین) ایمان آورده اند. <sup>(۱)</sup>) علمای بالله همگی برحسب شرایط خود از امام پشتیبانی می کنند آیات عظام، بهالدینی، حسن زاده و... در جبهه ها حاضر می شوند، علامه طباطبایی علاوه بر مقابله با تفکر مارکسیسم و لیبرالیسم و... برای هموار کردن مسیر انقلاب، بازوان اصلی حضرت امام نظیر شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید مفتاح، شهید قدوسی، شهید باهنر، آیت الله مصباح، آیت الله جوادی آملی و... را تربیت می کند و... ملت ایران با رهبری امام مدارج توحیدی را طی می کند تا جایی که امام خمینی درباره ایشان چنین می فرماید: "من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله - و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی - صلوات الله و سلامه علیهما - می باشند <sup>(۲)</sup>."))

امام خامنه ای هم به عنوان جانشین خلف ایشان، همین سیره توحیدی را دنبال نموده و خود نیز در دوران طلبگی از محضر بزرگان سلوک و عرفان اسلامی بهره های معنوی بسیار برده است. برخی بیانات و پیام تجلیل ایشان از آیت الله قاضی و نیز پیام های تسلیت در رحلت آیت الله العظمی بهجت، آیت الله سعادت پرور و علامه طهرانی و... حاوی نکات برجسته ای از مشی معنوی مقام معظم رهبری است. به عنوان مثال

<sup>۱</sup> من لا یحضره الفقیه ، شیخ صدوق (۳۸۱ هـ) ، ج ۴ ، ص ۳۶۶

<sup>۲</sup> وصیتنامه امام خمینی

حضرت استاد، آیت الله سعادت پرورا که از موثرترین اساتید سلوکی و ولایی معاصر و از مبارزین انقلاب وشاگردان و یاران حضرت امام بود، رفاقت نزدیکی با مقام معظم رهبری داشته است. مقام معظم رهبری در پیام خود و از ایشان به عنوان "عالم عارف"، "نمونه صفا و اخلاص" و مهمتر از همه "ترویج دهنده معارف الهی و توحیدی" و "از خوبان روزگار" و... یاد کرده اند. امروزه سلوک توحیدی صحیح، تنها از راه انقلاب اسلامی ممکن است چرا که علمدار این انقلاب، ولی فقیه و نائب امام زمان ارواحنا فداه است و بدیهی است که هر سلوک صحیح تنها از مسیر رضایت امام زمان ممکن است و رضایت حضرت در پیروی و یاری نائب بر حقش است.

"هیچ شکی نیست که این انقلاب اسلامی پرتوی است از حکومت امام زمان علیه السلام است" و ان شا الله زمینه ساز حکومت جهانی آن حضرت خواهد شد. "اگر انقلاب نبود چیزی از این معارف و معنویت به دست ما نمی رسید. اصلا با وجود اوضاع اسفبار زمان طاغوت معلوم نبود که الان ما کجا بودیم." مطالعه تاریخ لازم است، "خوب است از ستم ها و مفسدات زمان طاغوت یاد شود تا شاکر نعمت انقلاب باشیم." در آن دوران ظلمت و نکبت و فساد، انقلاب ما ظهور نور بود چرا که اوضاع را دگرگون کرد. بسیاری از مفسدات اجتماعی به حداقل رسید و راه معرفت خدا برای توده مردم بازتر از همیشه شد. چرا چنین نباشد در حالی که "مرتبه معنوی حضرت امام از همه علمای شیعه در طول تاریخ بالاتر است" و این عارف بی نظیر بنیانگذار انقلابی بی مانند شده است. در حقیقت "امام حسین علیه السلام با این انقلاب به واسطه امام خمینی بر ما تجلی کرد." و آفتاب عاشورا از وجود حضرت امام بر مردم طلوع کرد. و امروز ولی فقیه وارث و آئینه دار همان آفتاب است چون "حضرت آقا(امام خامنه ای)، نائب و دست راست امام زمان علیه السلام است." این ودیعه الهی، زمانی به امر حضرت امام از آیت الله بهجت استفاده سلوکی می برد تا این که "زمانی رسید که آیت الله العظمی بهجت راجع به حضرت آقا(امام خامنه ای) فرمودند: ماشاالله! ماشاالله! از این به بعد باید ما(به جهت استفاده معنوی) خدمت ایشان برسیم!"

#### ۱-۶- وظیفه ما در قبال انقلاب

"ما فرزندان امام خمینی هستیم و عرفانی که می فهمیم و عمل می کنیم همان عرفان امام خمینی است." اگر چنین است، پس برای ادامه راه او "همه باید بیشترین خدمت را به انقلاب بکنیم و نهایتا همه باید فدای اسلام و انقلاب بشویم. اصلا تهذیب نفس یعنی راه فداشدن." این فداکاری، زمینه سازی و هدف گذاری لازم

دارد. "رقای دانشجو باید از نظر مدارج و مدارک تحصیلی و نیز از نظر معنوی خود را برای خدمت کردن به انقلاب در حد یک رییس جمهور آماده کنند و در بالاترین مرتبه ممکن فدای انقلاب شوند. همچنین طلبه ها هدف بلندمدت داشته باشند که مجتهد شوند و در حد یک نماینده مجلس خبرگان به انقلاب خدمت کنند."

همچنین کارهای فرهنگی جمعی برای دفاع از انقلاب و ولایت فقیه ضرورت دارد. اینها نه تنها منافاتی با سلوک و معنویت ندارد بلکه جز اصلی آن و عین سلوک است. "ما باید با انجام همین وظایف اجتماعی و سیاسی به توحید برسیم" چرا که "سیر وسلوک {حقیقی} چیزی نیست جز جهت دادن و معنادادن به همه فعالیت های سیاسی، اجتماعی و تحصیلی و..." خودسازی علمی و معنوی یعنی آماده شدن برای بالاترین خدمت به انقلاب و ادامه راه شهدا. در نتیجه "کوتاهی در انجام وظایف درسی و اجتماعی و... خیانت به خون شهداست". باید بترسیم از این که کوتاهی در خودسازی و داشتن ناخالصی ها و بی بصیرتی ها ما را به ورطه سقوط و جدایی از انقلاب بکشاند چرا که "کسانی که به انقلاب خیانت کردند و از انقلاب جدا شدند اهل تهذیب نفس (جدی و باقاعده) نبودند." البته انجام فعالیت های جمعی سیاسی با برنامه و ولایت مدارنه در این مسیر لازم است مخصوصا "حضور در جمع هایی نظیر بسیج دانشجویی مطلوب و لازم است"

## فصل دوم

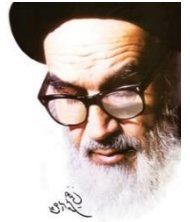
### مبانی فعالیت فرهنگی

- ۱-۲- ضرورت کار فرهنگی برای گسترش انقلاب اسلامی ..... ۲۴
- ۱-۱-۱- ضرورت جهادی کار فرهنگی ..... ۲۵
- ۲-۱-۲- ضرورت سلوکی کار فرهنگی ..... ۲۶
- ۳-۱-۲- ضرورت هدایت رسانی در کار فرهنگی ..... ۲۷
- ۲-۲- معنای کار فرهنگی ..... ۲۸
- ۱-۲-۲- هدف: ..... ۲۹
- ۲-۲-۲- مخاطب: ..... ۳۰
- ۳-۲- معنای کار فرهنگی ..... ۳۳
- ۴-۲- جایگاه ذهن و استدلال ..... ۳۴
- ۵-۲- قالب کار فرهنگی ..... ۳۵
- ۶-۲- نسبت فعالیت فرهنگی با غرب و آمریکا ..... ۳۶

### فهرست

## ۱-۲- ضرورت کار فرهنگی برای گسترش انقلاب اسلامی

امام خمینی: ((ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است. و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم.))<sup>(۱)</sup>



امام خامنه‌ای: ((ملت ایران بار سنگینی بردوش دارد و باید آن را به منزل برساند. باید دنیایی بسازد که هم برای خودش شیرین باشد و هم برای جوامع دیگر. شما می‌توانید چنین کاری بکنید؛ اما شرطش این است که هر یک از ما، درصدد تهذیب نفس خودمان باشیم.))<sup>(۲)</sup>



ضرورت کار فرهنگی باید تبیین گردد تا اراده‌ی جوانان انقلابی بر انجام فعالیت فرهنگی تعلق بگیرد. کار فرهنگی باید در مسیر ظهور نور الهی انقلاب در عرصه جامعه صورت بگیرد. در واقع کار فرهنگی اصیل یعنی ادامه رسالت انبیا و انقلاب، یعنی تلاش در جهت عبور دادن جامعه از نفسانیت و ایجاد جامعه توحیدی. چرا که توحید هدف اصلی خلقت و هدف بعثت رسولان الهی است. تلاش توحیدی در فعالیت فرهنگی همراه است با سیر جامعه و خود فعالین فرهنگی به سمت توحید، همچنین مقارن است با مبارزه با حجاب‌های ظهور نور حضرت حق و موانع توحید در عالم. امروز بزرگترین حجاب‌های ظهور نور حضرت حق در جامعه، فرهنگ نفسانی غرب است که دشمن و مانع درجه اول فرهنگ توحیدی انقلاب است.

کار فرهنگی ضرورت دارد چون:

- ۱) جهاد با دشمنان خدا و اهل بیت است و غفلت از جهاد یعنی کمک به دشمنان خدا
- ۲) عین سلوک و سیر الی الله است و غفلت از این سلوک یعنی سقوط
- ۳) هدایت تشنگان توحید است به سمت قافله راهی قرب خدا و غفلت از هدایت دیگران یعنی استکبار و

انحصار

<sup>۱</sup> صحیفه امام خمینی-جلد ۱۲ - صفحه ۱۴۸

<sup>۲</sup> روز عید فطر در اجتماع مردم مشهد و زائران امام رضا(ع) ۱۳۷۱/۰۱/۱۵



البته همه این ضرورت ها یک ریشه دارد و آن انجام وظیفه بندگی در مقابل خداست. یعنی جهاد، سلوک و هدایت دیگران اولاً از هم جدا نیستند و عین هم اند ثانیاً همه اینها در قالب انجام وظیفه الهی خلاصه می گردند پس در واقع اساس کار فرهنگی همان انجام وظیفه بندگی شخصی و جمعی در مقابل خداست.

## ۲-۱-۱- ضرورت جهادی کار فرهنگی ( جهاد اکبر و جهاد اصغر توامان اند )

اساس کار فرهنگی جهاد است و اساس جهاد، مبارزه با هر ظلم و ظلمت. چون ظلم یعنی مانع و حجابی ظلمانی در راه خدا. در حقیقت کار فرهنگی یعنی برداشتن موانع و دشمنان راه خدا در همه عالم. کار فرهنگی تا نابودی همه ظلمت های عالم ادامه دارد. شیعه واقعی تا نابودی کامل همه موانع راه حق، از پای نمی نشیند. کار فرهنگی برای گسترش انقلاب در حقیقت مجاهده فی الله است برای شکستن بت های عالم درون و بیرون. آمریکا شیطان بزرگ بیرون است و نفس دشمن بزرگ درون. هر کس به هر اندازه به این دو تعلق داشته باشد به همان اندازه با انقلاب زاویه دارد. غرب زدگی و نفس پرستی دو ظلمت بزرگ معاصرند و دو قفس اسارت انسان در بند ظلمات دوران معاصر. انقلاب آمده تا منادی توحید باشد و ناجی انسان از این قید و بندها و هادی او به سمت حضرت دوست.

کار فرهنگی برای انقلاب یعنی جهاد با این دو دشمن که در پوشش های مختلف ظهور می کنند. امروز غرب و نفس، تجلیات بزرگ شیطان اند و دشمنان اصلی اهل بیت. البته ریشه ظلمات غرب هم به نفس پرستی و اومانیسم برمی گردد که اساس مدرنیته و پست مدرنیسم است. در حقیقت دشمن اصلی انقلاب اسلامی، همان نفسانیت است که گاهی در قامت غرب ظهور می کند و گاهی در پیکره غرب زدگان داخلی و زمانی در وسوسه ها و خطورات درونی شخص.

بشر امروز تا زمانی که از این حجاب غرب زدگی و نفسانیت عبور نکند نمی تواند به نور توحیدی جامعه مهدوی برسد. کار فرهنگی یعنی نابود کردن موانع وصال محبوب، یعنی دریدن حجابهای ضخیم غرب و نفس، یعنی جنگیدن در راه خدا و اهل بیت. این جنگ نرم به مراتب از جنگ سخت و معمول پیچیده تر و مهم تر است. در عرصه جنگ نرم و کار فرهنگی ندای "هل من ناصر ینصرنی" امام زمان علیه السلام و نائب برحقش (ولی فقیه)، بلند است.

«امروز غفلت و سستی در این عرصه یعنی تنها گذاشتن امام زمان علیه السلام

**امروز غفلت و سستی در این عرصه یعنی تنها گذاشتن امام زمان علیه السلام و کمک به سیاهه لشکر ظلمات.** نبرد بین ولایت خداست و ولایت شیطان. نبردی که فقط دوطرف دارد اولاً جبهه حق که شامل مجاهدان است و ثانیاً جبهه باطل که شامل غرب پرستان است و نیز مسلمان نمایان ساکت و سست که ابزار دست غرب می شوند. در این نبرد عظیم اگر انسان طرفدار غرب باشد یا بی تفاوت باشد عملاً تحت ولایت شیطان واقع شده است. اهل توحید در انتخاب جبهه بدون لحظه ای تردید، حامی انقلاب هستند و اهل شرک و کفر، در سپاه مقابل قرار می گیرند.

اگر کسی بخواهد خودسازی کند و به مراتب توحیدی برسد، حتماً باید فعال در جبهه حق باشد و گرنه در جبهه باطل است و راهی قعر ظلمات نفسانیت. فرهنگ استکباری آمریکایی و صهیونیستی، ظلمات شیطانی دوران معاصر و دشمن جبهه حق و اهل بیت است که باید نابود گردد. این جهاد مقدس بیرونی جدا از جهاد درونی با استکبار نفس نیست بلکه ادامه و یاور جهاد اکبر است. وقتی که از منظر غیرت توحیدی به کار فرهنگی نظر می شود این کار فرهنگی عین جهاد با نفس و سلوک الی الله است. فعال فرهنگی با این نیت، ابراهیم است در بتکده. ابراهیمی که هم بت های بیرون را می شکنند و هم بت های درون را.

**۱-۱-۲. ضرورت سلوکی کار فرهنگی (سلوک بدون کار فرهنگی و کار فرهنگی بدون سلوک بی معناست)**

در سلوک توحیدی، رهرو راه خدا به دنبال محو کردن هرچیزی غیر از نور خداست و محبتش به او اجازه نمی دهد تا در عالم درون و بیرون، به غیر از محبوب را ببیند و تحمل کند. امام خمینی به عنوان یک عالم ربانی آمده تا از امت و انسانیت دستگیری کند، چرا که به دنبال ظهور نور توحید در همه عوالم است. او نمی تواند بنشیند و فریاد "انا ربکم الاعلی" را از حلقوم مستکبرین عالم در مقابله با ندای لا اله الا الله بشنود. او نمی تواند به عالم بیرون کاری نداشته باشد چرا که می داند: "کل شی هالک الا وجهه"، پس در پی عبور از پوچی های شیطانی عالم است، برای ظهور حقیقت وجه الله در همه عالم و برای همه مردمان. جهاد او جهاد دنیایی و حتی جهاد برای ثواب و حوری نیست بلکه جهاد است برای ظهور نور حق. امام صراحتاً فرمودند که: (( جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست. ))<sup>۱</sup> تا حقیقت توحیدی لا اله الا الله و محمد رسول

الله در عالم فراگیر نشود مبارزه امام و فرزندان معنوی او برای زدودن حجاب های ظهور نور خدا ادامه دارد. اساسا رسالت اهل بیت هم در همین راستا بوده چنانچه در دعای ناحیه مقدسه ماه رجب درباره اهل بیت وارد شده که "فبهم ملات سماءک و ارضک حتی ظهر ان لاله الا انت" (در نتیجه به ایشان آسمان و زمین خویش را پُر نمودی تا اینکه آشکار گشت که معبودی جز تو نیست.) اهل بیت ظهور دهنده نور الهی هستند در همه عوالم و امام خمینی هم شاگرد خلف اهل بیت است در همین جهت.

با این نوع نگاه کار فرهنگی هیچ منافاتی با تهذیب نفس ندارد بلکه فعالیت فرهنگی و هدایت جامعه یعنی خودسازی، یعنی طی کردن راه خدا، یعنی سیروسلوک در وادی معرفت و محبت خدا. پس ای شیعیان و ای مشتاقین قرب خدا، قافله انقلاب اسلامی را دریابید که راهی ملکوت است و دیر یا زود به مقصد قرب خدا می رسد، این ما هستیم که محتاج همراهی با این قافله عشقیم تا به مقصد جوار محبوب برسیم. و بدون این همراهی، وصول الی الله ممکن نشود. خدا با این انقلاب بر عالم تجلی کرده، یاران انقلاب غرق انوار او هستند و دشمنان انقلاب محجوب از روی او. امام خمینی و امام خامنه ای انسان های کاملی هستند که به مرتبت خلیفه الهی و جوار جانان رسیده اند و امروز علمدار سیر الی الله شده اند. قافله انسانیت قرار است ذیل نور وجودی ایشان راهی ملکوت گردد. فعالیت فرهنگی یعنی الحاق خود و جامعه به نور توحیدی وجود ایشان و سیر همه به سمت خدا.

## ۲-۱-۲. ضرورت هدایت رسانی در کار فرهنگی ( سلوک همراه با ارشاد و هدایت دیگران )

"اگر کسی بتواند کار خوبی که مورد رضای محبوب است انجام دهد و از این امر خودداری کند، نوعی استکبار نفس دارد. چون امر نفس خود را به امر خدا ترجیح داده است. چنین شخصی در مرتبه خودش فرعون است و ندای "انا ربکم الاعلی" سر می دهد." با این تعریف کسی که بتواند بقیه را به نور الهی انقلاب اسلامی متصل کند و از این وظیفه فرار کند، مستکبر است و غرق نفسانیت و تفرعن. اگر بخواهد از نفسانیت خویش عبور کند باید این تکلیف را انجام دهد. مبارزه با ظلمات همراه با هدایت جامعه است به سمت لقالله. به فرموده حضرت امام: ((از امتیازات مکتب توحید با تمام مکتب‌هایی که در عالم هست این است که در مکتب‌های توحید، مردم را تربیت می‌کنند و آنها را از ظلمات خارج می‌کنند و هدایت به جانب نور

می‌کنند<sup>۱</sup>)) در نگاه حضرت ایشان بن‌بست‌های موجود در مکاتب سیاسی غرب نتیجه عدم اعتقاد واقعی به توحید است. امام در نامه‌ای به گورباچف این موضوع را تأکید می‌کند<sup>۲</sup>. الحاق هرکسی به قافله انقلاب یعنی اتصال او به نور توحید به اندازه ظرف وجودی اش. و عمیق کردن اعتقادات و باورهای انقلابیون یعنی افزایش سعه وجودی ایشان برای اتصال بیشتر به آفتاب انقلاب. صدور انقلاب اسلامی به همه عالم یعنی گسترش نور توحید در اقصی نقاط گیتی.

۲-۲ - معنای کار فرهنگی (یعنی بیدار کردن فطرت توحیدی شخص و جامعه در راستای اتصال آن به نور الهی انقلاب)

امام خمینی: ((بعثت رسول خدا برای این است که راه رفع ظلم را به مردم بفهماند... بعثت برای این است که اخلاق مردم را، نفوس مردم را، ارواح مردم را و اجسام مردم را، تمام اینها را از ظلمت‌ها نجات بدهد<sup>۳</sup>)).

امام خامنه‌ای: ((کار فرهنگی، آن چیزی نیست که لباس فرهنگی دارد. لباس فرهنگی، یعنی کاغذ و قلم و امثال اینها. این، فرهنگ می‌شود؛ اما کار فرهنگی نیست. کار فرهنگی، یعنی روح فرهنگی در آن باشد، یک حرکت فرهنگی باشد، رشد بدهد و فعل و انفعال را در ذهن و مغز و جان و عواطف انسان به وجود آورد. اگر شما مدرسه درست کردید، ولی این مدرسه در روح کودکی که هدف و آماج کار تبلیغی شماست، اثر مثبت نگذاشت، این کار چیست؟ می‌توانید ادعا کنید که کار فرهنگی است؟ نه، این، ضد کار فرهنگی است<sup>۴</sup>)).

ما هدایت‌گری فرهنگی را از هدایت‌گری سیاسی بنیانی‌تر میدانیم؛ هدایت‌گری سیاسی خیلی لازم است و از آن نباید صرف نظر کرد، اما هدایت‌گری فرهنگی و فرهنگ مردم، اخلاق مردم [مهم‌تر است]<sup>۵</sup>

معنای اصیل و عمیق فعالیت فرهنگی یعنی بیدار کردن فطرت توحیدی شخص و جامعه در راستای اتصال آن به نور الهی انقلاب. البته این عمیق‌ترین معنای کار فرهنگی است. همه انواع مختلف کار فرهنگی صحیح، مقدمه است برای این هدف متعالی. ترویج عدالت و سبک زندگی و علوم اسلامی و... برای رسیدن به این

<sup>۱</sup> صحیفه امام ج ۹: ۲۸۸

<sup>۲</sup> صحیفه امام ج ۲۱: ۲۲۱

<sup>۳</sup> صحیفه امام ج ۱۷: ۴۳۵-۴۳۴

<sup>۴</sup> معظم انقلاب؛ دیدار مسئولان بنیاد شهید ۶۹/۱۰/۲۳؛ حدیث ولایت ج ۶ ص ۱۷۳

<sup>۵</sup> ۱۴/۱۰/۱۳۹۴

هدف نهایی لازم است. اینها وسیله و توشه راه توحید هستند ولی هدف نهایی فعالیت فرهنگی نیستند. کار فرهنگی در هر مرتبه و شکلی که باشد، باید در راستای تحقق توحید در جان اجتماع و بلکه همه عالم باشد و گرنه هم جهت با انقلاب اسلامی نیست. فعالیت فرهنگی در حقیقت ادامه نهضت توحیدی انبیا است و رسالت انبیا کمک به مردم است برای خروج از ظلمات نفس و اتصال به انوار الهی. در دوران معاصر این محتوای بسیار عمیق فعالیت فرهنگی با انقلاب اسلامی گره می خورد، چرا که انقلاب اسلامی شاهره اصلی این اتصال به حقیقت است. روشن است که این معنای ژرف فعالیت فرهنگی، همان گونه که رهبر معظم انقلاب فرموده اند با لباس و پوشش فرهنگی متفاوت است. فعالیت فرهنگی نباید در حد ظاهر و پوشش فرهنگی بماند، چون باعث کلیشه ای شدن و کم اثر شدن فعالیت می گردد. اصل فعالیت فرهنگی همان محتوای آن است. محتوا و معنای کار فرهنگی با توجه به هدف و مخاطب مشخص خواهد شد لذا اول باید هدف و مخاطب تبیین شود:

#### ۲-۱-۲- هدف:

شهید بهشتی: "تشکل باید سازنده ما، آسان کننده خود سازی برای ما و کمکی به سیرالی الله برای شرکت کنندگان در این تشکل باشد."

هدف کار فرهنگی یعنی جهاد با دشمنان خدا، سلوک جامعه و شخص و نیز هدایت دیگران. اولاً جهاد است با شیطان و ظلمات شیطانی. ثانیاً راه سلوک است برای همه. ثالثاً هدایت همه است به سمت انوار الهی. به یک معنا می توان گفت که همه این اهداف در کلمه "رشد" جمع می شوند. چنانچه در قرآن هم نتیجه اجابت خدا و ایمان به او همین رشد ذکر شده (لعلهم یرشدون-سوره البقره آیه ۱۸). رشد الهی خودبخود شامل همه جنبه های زندگی می گردد. یعنی رشد علمی، رشد سیاسی- اجتماعی و... پس به طور خلاصه می توان گفت که هدف کار فرهنگی ایجاد رشد است فعال فرهنگی سعی می کند وسیله ای باشد برای ایجاد رشد الهی در مخاطب و خودش. هدف رشد حقیقی است و نه رشد مصنوعی. مخاطب باید حقیقتاً رشد کند نه این که یک سری الفاظ و اصطلاحات را بیاموزد. خدا را دریابد نه فقط اثبات وجود خدا را. اهل بیت را در قلبش پیدا کند و نه فقط در کتابهای تاریخی. انقلاب اسلامی باید طاغوت را از صحنه قلب مخاطب محو کند تا از درون با حرکت انقلابی امام خمینی هماهنگ شود. اثبات عقلی ولایت فقیه خوب و در جای خود لازم است ولی همراهی قلبی با ولی فقیه هدف است و اتصال به نور او مطلوب است. بعضی ها کتاب در اثبات

ولایت فقیه نوشتند و روبروی ولی فقیه ایستادند. اساسا ولایت با دل گرده می خورد نه فقط با ذهن. به فرموده امام خامنه ای: ((معنای ولایت، معنای اعتقاد به راه قرآن و اسلام، معنای دل دادن و سرسپردن به حکومت الهی، این است که باید دلها در ظلّ این حکومت، با هم نزدیک باشد<sup>(۱)</sup>). رشد حقیقی نه تنها برای همه جامعه بلکه در درجه اول برای خود اعضای تشکل لازم است.

## ۱-۲-۲. مخاطب: ( عمق فطرت و جان انسان ها )

انبیا به عنوان الگوی کار فرهنگی عمق فطرت و جان انسان ها را هدف می گرفتند. کار انبیا و کار فرهنگی هدایت قلوب است نه مجادله و مباحثه بیهوده. حتما تا به حال با صحنه های جدل و مباحثه ای مواجه شده اید که جز خستگی طرفین و لجاجت بیشتر نتیجه ای نداشته و بعضا این جدال به جولانگاه گناه مبدل می گردد. (مشابه بیانات رهبری در رمضان ۹۴ دیدار با دانشجویان ) آیا کار فرهنگی فقط یعنی همین بحث های ذهنی و زبانی؟ آیا کار فرهنگی یعنی همین تلاش های بی نتیجه و بعضا مخرب؟ آیا کار فرهنگی یعنی مجادله برای ایجاد شکاف بیشتر؟

کدام قسمت وجود انسان ها قرار است مخاطب فعالیت فرهنگی باشد؟ قوه شنوایی یا ذهن یا فطرت ؟

در حرکت امام خمینی، امام فقط فکر مردم را مخاطب قرار داد یا فطرت ایشان را؟

شهدا دوره آموزشی و استدلالی دیدند یا با اشراق قلبی پیرو امام شدند؟

ما باید ذهن انسان ها را مخاطب بدانیم یا فطرت ایشان را؟ (رجوع بیشتر به کتاب داستان راستان شهید

مطهری و کتاب تبلیغ از طریق فطرت محسن عباسی ولدی )

به نظر می رسد که مخاطب اصلی کار فرهنگی، فطرت انسان هاست. فطرت یعنی همان سرشت مشترک و باطنی همه انسان ها. حین رسالت فرهنگی اصیل، سایر قوای انسان در حاشیه فطرت قرار می گیرند. شواهد بسیاری بر این ادعا وجود دارد از جمله:

(۱) اگر در سیره اهل بیت دقت کنیم می بینیم که رسالت اصلی ایشان بیدار کردن فطرت انسانی بوده است و نه مناظره و مجادله. اگر استدلالی هم به کار رفته به عنوان مقدمه ای بوده برای بیداری فطرت ها. در

خیلی از موارد اهل بیت با محبت یا با انذار و بشارت سعی در بیدار کردن فطرت داشتند نه این که مناظره فلسفی کنند. البته استدلال و برهان هم در جای خود لازم است مخصوصا در مقابل دانشمندان و علمای مخالف و نیز برای محکم کردن چارچوب عقاید، استدلال لازم است. ولی استدلال و برهان هم کار را تمام نمی کند بلکه باید به بیداری فطرت منجر شود. علاوه بر اهل بیت در روش قرآن هم تبلیغ فطری موج می زند: گاهی اوقات خطاب های فطری در قرآن وجود دارد که عمق وجود انسان را نشانه می رود و سعی در تنبه انسان می کند چنان که می فرماید: «الیس الله بکاف عبده؟!». قرآن نمونه هایی از حضور خدا در عمق جان و فطرت انسان ها را نمایش می دهد: «هنگامی که سوار کشتی می شوند، با اخلاص خدا را می خوانند. هنگامی که آنان را به خشکی نجات می رسانیم، ناگهان شرک می ورزند.» (عنکبوت/۶۵): «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيَهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ».

«هنگامی که مردم گرفتار و درمانده می شوند، به سوی خدا روی آورده، او را می خوانند...» (روم/۳۳): «وَ إِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ».) یا این که: «هر گاه انسان گرفتار بدحالی و درماندگی شود، با توجه، خدا را می خواند...» (زمر/۸): «وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ».

((انسان وقتی خود را در پهنای بی کران دریا و دور از یاران دنیایی می یابد و آن گاه که خود را درمانده و یاران دنیایی را ناتوان در حل مشکل خود می یابد، به سوی کعبه دلها متوجه می شود. سپس به سوی او گرایش پیدا می کند، و هیچ گاه، از دلائل و شواهد آن حقیقت سراغ نمی گیرد، بلکه با حضور و شهود آن هستی مطلق را می یابد<sup>۱</sup>)) «وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ»؛ (لقمان/۲۵). «اگر از آنان بپرسی که چه کسی آسمان و زمین را خلق کرد؟ می گویند: خدا.» امام باقر علیه السلام این اقرار و اعتراف مشرکان و منکران رسالت را از معرفتهای فطری آنان معرفی می کند<sup>۲</sup>).

(۲) فطرت انسان بالقوه به مایل به سمت انوار الهی و حقیقت است ولی حجاب های ناشی از غفلت و

معصیت باعث به خواب رفتن این چشمه جوشان الهی وجود انسان می گردد. به فرموده حضرت امام: (( فطرت همه بر نورانیت است، فطرت شما فطرت نورانی است، فطرت توحید است. به دست خود ما آن فطرت به جهالت ها، به ظلمات کشیده می شود<sup>۳</sup>)). اگر فطرت بیدار گردد خودبخود مایل است به سمت الله، اسلام و

<sup>۱</sup> بدایة المعارف، محسن خرازی، ج ۱، صص ۲۶ - ۲۷؛ المیزان، ج ۱۲، ص ۲۷۴، ذیل: نحل/۵۴.

<sup>۲</sup> الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۱۰؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۷۸

<sup>۳</sup> صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۳۵۹

انقلاب. کافی است که آفتاب توحیدی فطرت طلوع کند تا همه ظلمتهای نفسانیت را در نور توحید مضمحل کند. در واقع بیدار کردن فطرت راه میانبر اصلاح و خروج از نفس اماره است.

۳ ((فطرت انسانی در همه افراد بشر یکسان است. زبان مشترک، زبان فطرت است که هم همگانی، تغییرناپذیر و همواره ثابت و پایدار است.))<sup>۱</sup> چنان که در قرآن به این امر تصریح شده است «فاقم وجهک للدين حنیفا فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم و لکن اکثر الناس لا یعلمون». (روم: ۳۰) «پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست، این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی دانند»

۴ دین الهی نیز بر اساس همان قوانین و دستورات فطری انسانها بنا شده است.<sup>۲</sup> یک دیندار واقعی کسی است که حجابها را از فطرتش می زداید تا حقیقت دین را در وجود و اعمال خویش ظهور دهد. فعالیت فرهنگی هم اگر می خواهد مخاطب را دین دار کند، چاره ای ندارد جز آنکه فطرت او که حقیقت دین را در خود دارد، بیدار کند.

۵ الگوی بارز هدایت فطری در دوران معاصر، شهدای ما در جبهه های جنگ تحمیلی بودند که اکثرا با فطرت بیدار خود و با چشم بصیرت جان، امام امت را شناختند و همه هستی خویش را در راه او و اسلام فدا کردند. چندان فرصت و مجالی برای آموزش عقاید و اثبات استدلالی انقلاب و ولایت و جنگ و.. نبود ولی قلب های بیدار، همیشه سریع تر از ذهن های تاریک عمل می کنند.

فطرت الهی بشر بالقوه امانت دار اسما الهی و مقام خلیفه الهی است کافی است کمی غبار غفلت از روی این گنج کنار رود تا چنان بدرخشد که چشم شیاطین جن و انس، نورش را تاب نیاورند. کسی که کار فرهنگی می کند باید بداند که با چنین گنجینه عظیمی طرف است و همه سعی خود را برای آزاد شدن این گنج از دست قیدوبندها انجام دهد. گاهی با محبت گاهی با ملایمت گاهی با تغافل گاهی با تعامل گاهی با انذار و هشدار. بالاخره سعی کند فطرت طرف مقابلش را دریابد و بیدار کند که صد البته باید خودش نیز فطرت بیداری داشته باشد چرا که سخن که از دل برآید... لاجرم بر دل نشیند

<sup>۱</sup> تعاون و تبادل فرهنگی در قرآن و حدیث، حق پناه، ص ۱۸۸

<sup>۲</sup> المیزان، ج ۱۶، ص ۱۹۸



در طرف مقابل باید نگران بود که ممکن است اگر وجه فطری دین برای جان مخاطب تبیین نگردد، از دین و انقلاب جدا و منزجر بشود. در بهترین حالت یک کار فرهنگی در حد ذهن و نه قلب، مخاطب را فقط دین دان می کند و نه دیندار! ((گاهی در فعالیت های فرهنگی، موضوع مورد بحث، موضوعی است واقعی، ولی نوع نگاه به آن موضوع عوض می شود، به طوری که روح اتصال به معنویات تا حدّ عقل حسی تقلیل می یابد و حقیقت را منجمد می کند و انسان ها را از سیر در قلمرو معنوی محروم می گرداند و این همان پوچ شدن امور فرهنگی است و موجب می شود تا فعالیت های فرهنگی به حداکثر وخامت خود برسد، زیرا ظاهر آن ها حفظ شده ولی روح آن ها مرده است. چنین رسوخی در جایی رخ می دهد که روح حضوری و فطری دین آنچنان ضعیف گردد که نتواند جلو آنچنان انحرافی بایستد. ما همواره چون تشنه ای بی تاب در پشت دیوارهای «مفاهیم» هرگز از نور حقایق سیراب نشده ایم. اگر انسان، تشنه رفت و تشنه برگشت، معلوم است که کلافه می شود، از پشت شیشه آب نمی شود آب نوشید. انبیاء و اولیاء ما را تشویق به نوشیدن کردند و با «دانستن» صرف، نوشیدن محقق نمی گردد و کلافگی این نسل به جهت آن است که با هزار امید به دنبال علم و نور آمد ولی با محدود شدن در علم حصولی، تشنه آمد و باید تشنه برگردد. قلب امامان شیعه با «وجود قرآن» در تماس است نه با مفاهیم آیات، و لذا خداوند فرمود: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ، فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ، لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛ آن قرآن کریم که در کتاب پنهان و دور از دسترس عقل های معمولی است، آنچنان است که مطهرون یعنی همان اهل بیت می توانند با آن تماس بگیرند و آن را با قلب خود لمس کنند. نه آن که بدانند، بلکه بیابند. و در آن صورت معلوم می شود چرا ما فعلاً در ظلمات آخرالزمان به سر می بریم<sup>(۱)</sup>)).

۲-۳- معنای کار فرهنگی (معنای کار فرهنگی بیدار کردن فطرت است برای اتصال حقیقی به اسلام و انقلاب اسلامی)

هدف کار فرهنگی رشد است و مخاطبش فطرت. پس معنای کار فرهنگی بیدار کردن فطرت است برای اتصال حقیقی به اسلام و انقلاب اسلامی (فاقم وجهک للدين حنيفا فطرت الله التي فطر الناس عليها). کار فرهنگی باید فطرت را بیدار کند نه اینکه ذهن مخاطب را انبار استدلال و اطلاعات کند. کلام قرآن و اهل بیت نور است، اسلام ناب نور است، ولایت فقیه و انقلاب اسلامی هم تشعشع همان نور است. کافی است غبار غفلت را از فطرت ها زدود تا جان های تشنه این نور را دریابند. ما باید حجاب های ناشی از غرض و غفلت و

<sup>۱</sup> آنگاه که فعالیت های فرهنگی پوچ می شود-اصغر طاهرزاده

کینه را بزداییم تا آینه صاف دل ها متجلی این نور گردد. به فرموده امام خامنه ای: " طبیعت اسلام ناب، طبیعتی پُر جاذبه است و دل‌هایی را که آلوده‌ی غرض‌ورزی و کینه‌توزی نباشد، به خود جلب می‌کند و این همان است که انقلاب ما و امام ما، دوباره در جهان مطرح کردند و بر دلها و چشمهای نیازمند و جستجوگر عرضه داشتند." (۲۶/۰۸/۱۳۹۳)

وقتی مخاطب قلبا با انقلاب هماهنگ شد، اسیر مغالطه‌ها و مجادله‌های غرب و غرب زدگان نمی‌شود. البته هر جا که لازم بداند بر اساس جهت‌گیری فطری اش به ابزار اطلاعات و استدلال هم مجهز می‌گردد تا از آرمان‌های فطری اش پاسبانی کند. باز هم تاکید می‌گردد که کار فرهنگی در جهت بیدار کردن فطرت به معنای نفی استدلال و اطلاعات نیست بلکه به معنای محور قراردادن فطرت است برای آراسته شدن به همه ابزار لازم. در واقع نیروی محرکه فطرت است و ذهن و اطلاعات ابزار لازم اند برای انجام وظیفه. نهایتا این که کار فرهنگی یعنی بیدار کردن فطرت‌ها برای ایجاد علم حضوری از حقیقت‌پرنور اسلام ناب و انقلاب اسلامی.

## ۲-۴- جایگاه ذهن و استدلال

ممکن است این سائبه به وجود آید که پس جایگاه تعقل و ذهن چیست؟ آیا مبنا قرار دادن فطرت به معنای بی‌توجهی به تعقل و ذهن است؟ دین مبین برای همه جوانب مختلف وجود انسانی برنامه دارد و هیچ کدام را رها نمی‌کند. ظاهر انسان را با نور عبادات ظاهری منور می‌کند. ذهن او را با دعوت به تعقل و استدلال و فطرت او را با خطاب‌های توحیدی بیدار می‌کند. فطرت انسانی عمیق‌ترین جنبه وجودی انسان است که بر همه جنبه‌های دیگر تسلط دارد. فعالیت فرهنگی صحیح ذهن و استدلال را تعطیل نمی‌کند ولی آن را جهت می‌دهد تا معرفت و باور را از حد ذهن به قلب و جان برساند. اگر معارف در حد ذهن باقی بمانند خود حجاب اکبر می‌شوند و مانع تعالی شخص می‌گردند. معارف ذهنی شریف است اگر به قلب برسد و گرنه انسان را به جایی نمی‌رساند. امروزه شاهد هستیم که بعضی بیماری‌ها حافظه و ذهن شخص را پاک می‌کنند و اشخاص عالم و دانشمندی که به این گونه بیماری‌ها مبتلا می‌شوند همه علوم خود را از دست می‌دهند. معارف ذهنی که با این بیماری‌ها از بین می‌روند آیا با سکرات موت و فشار قبر از بین نمی‌روند؟! علم حقیقی را باید در جان انسان جست نه فقط در ذهن. علمی که طبق حدیث عنوان بصری نور است و حاصل عنایت الهی به بندگانش.

مجددا عرض می شود که اشرف بودن توجه قلبی نسبت به توجه ذهنی به معنای نفی استدلال و استفاده از ذهن نیست. بلکه به این معناست که باید معارف ذهنی را به قلب مخاطب رسانده و با جان او گره زد و گرنه دوامی نخواهد داشت. این بحث را مزین می کنیم به کلامی از رساله لب اللباب علامه طهرانی که تقریر دروس علامه طباطبایی (ره) است:

((ائمّه طاهرین که پاسداران وحی و نبوتند امر به تعقل و تفکر و ترتیب قیاس و برهان و مقدمات استدلالیه نموده‌اند، لیکن اکتفا نمودن به توحید فلسفی و برهانی در مکتب استدلال بدون انقیاد دل و وجدان ضمیر و شهود باطن، امری است نارسا. گرسنه گذاردن دل و باطن را از غذاهای روحانیّه معنویّه عالم غیب و انوار الهیّه ملکوتیّه جمالیّه و جلالیّه و قناعت کردن به سیر در کتابها و کتابخانه‌ها و مکتب‌ها و درس خواندن‌ها و درس دادن‌ها گرچه به اعلی درجه از اوج خود برسد، سیر کردن عضوی است از اعضاء و گرسنه گذاردن عضوی بالاتر و والاتر.

دین قویم که بر صراط مستقیم است هر دو جنبه را رعایت می کند و قوا و استعدادهای نهفته انسان را از هر دو جهت تکمیل می نماید. از سوئی ترغیب به تعقل و تفکر می کند، و از سوی دیگر امر به اخلاص و تطهیر دل از زنگار کدورت‌های شهوانی و آرامش دل و اطمینان و سکینه خاطر، و پس از یازده سوگند عظیم و جلیل: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا می سراید.

این آیات قرآنیّه که با جان انسان گفتگو دارد و با باطن انسان تکلم می کند تا چشمه‌های جوشان معارف الهیّه از منابع دل آنها جاری و بر زبان آنها ساری شده و بالأخره سیل خروشان اندیشه‌ها و الهامات و واردات رحمانیّه از کانون وجودشان به حرکت درآید.))

## ۲-۵- قالب کار فرهنگی (قالب جنگ نرم انقلابی معمولا متکثر و نامحدود است).

قالب جنگ نرم انقلابی معمولا متکثر و نامحدود است. پوسته کارهای فرهنگی مختلف با وجود تشابهات بسیار در محتوا و داشتن چارچوب مشترک، بسیار متنوع است و لزوما همسان و متشابه نیست. این تنوع در قالب، از مزایای کار فرهنگی انقلابی است که باعث جذابیت آن برای مخاطب و سخت شدن مقابله با آن برای دشمن می شود. قالب کار فرهنگی می تواند در چارچوب اصول کار فرهنگی برحسب نیاز متفاوت باشد.

## بیدار کردن فطرت، روح کار فرهنگی را تشکیل می دهد ولی قالب و شکل آن می تواند مختلف

باشد.

قالب کار فرهنگی بر اساس شرایط و نیاز جامعه و محیط می تواند محدوده بسیار وسیعی داشته باشد. قالب کار فرهنگی منحصر در یک برنامه تالاری یا یک تشکل خاص یا یک رفتار خاص نیست. هر چند که همه اینها هم در جای خود مطلوب است. به شرط حفظ چارچوب، کار فرهنگی می تواند در قالب یک رفاقت، یک سفر یک صحبت یک رفتار، یک تدریس و... مطرح شود. از قضا کارهای فرهنگی غیرمستقیم همیشه اثرگذاری بیشتری دارند "کونو دعاه الناس بغير السننکم" (با غیر زبان هایتان مردم را دعوت کنید. کافی، کلینی، ج ۲، ص ۷۸). لازم به حضور رسمی در یک گروه و تشکل نیست هر چند آن هم در جای خود لازم است. به قول شهید بهشتی(ره): در این انقلاب آنقدر کار هست که می توان انجام داد بی آنکه هیچ پست، سمت، حکم و ابلاغی در کار باشد. البته امروزه در فضای دانشجویی با حضور تشکل های سازنده ای نظیر بسیج دانشجویی و سایر تشکل ها، زمینه مناسبی برای کار فرهنگی فراهم شده است که استفاده از این زمینه می تواند به رشد و بالندگی فعالیت فرهنگی کمک کند.

### ۲-۶- نسبت فعالیت فرهنگی با غرب و آمریکا (دشمن کیست؟)

امام خامنه ای:

((دو قطبی سرمایه داری و کمونیزم که جنگ بر سر قدرت و ثروت بود، پایان یافت و امروز دو قطبی میان مستضعفین جهان به رهبری جنبش مسلمین با مستکبران به رهبری آمریکا و ناتو و صهیونیسم است. دو اردوگاه اصلی تشکیل شده است و اردوگاه سومی وجود ندارد<sup>۱</sup>)).

((دشمن کیست؟ دشمن، سرمایه داری آمریکا و استکبار جهانی است که امروز در رأس آن، آمریکا و صهیونیست هاینند<sup>۲</sup>)).

غرب در پی میراندن ارزش های فطری و الهی است و در مقابل انقلاب اسلامی به دنبال بیدار کردن فطرت هاست. غرب به دنبال کثرات نفسانی است و انقلاب به دنبال توحید الهی. این تعارض جدی یک دوقطبی اساسی در دنیا به وجود آورده است. دوقطبی دشمنی دنیا امروز بین غرب است و انقلاب اسلامی. که دنیا را به هم ریخته و همه کشورهای دنیا به نحوی با آن مواجه شده اند. اما به راستی این دوقطبی از کجا نشات گرفته است؟ اساس دشمنی غرب با ایران به تضاد مبنای تمدن غرب با مبنای انقلاب اسلامی مربوط است. انقلاب آمده تا راه فطری توحید را به بشریت متذکر شود و طبیعی است که فرهنگ مدرنیته به جهت زمینی بودنش، با آن درگیر می شود. این درگیری بسیار شدید است چون یک طرف تماماً به توحید دعوت می کند و طرف دیگر تماماً پشت به خدا کرده پس این دشمنی شدیدترین دشمنی خواهد بود. دشمنی بین انقلاب اسلامی و اسلام به عنوان کامل ترین دین آسمانی در یک طرف و فرهنگ مدرنیته به عنوان مادی ترین فکر و فرهنگ در طول تاریخ در طرف دیگر. ملتی که از طریق توحید جان خود را سیراب نکند، هرگز دنیا او را قانع نمی کند و لذا روحیهی تجاوز به سایر ملل تمام شخصیت تاریخی آن را تشکیل می دهد. حال اگر انقلاب آمد و خواست در مقابل حرص سیری ناپذیر فرهنگ غربی بایستد، به شدت به مقابله با آن اقدام می کند.

فعالیت فرهنگی با مبنای توحیدی نمی تواند نسبت به بزرگترین شیطان و مانع راه توحید بی تفاوت باشد، بلکه جهت گیری اش در جهت شعار ((مرگ بر آمریکا)) خواهد بود. یعنی این مبارزه شدید را تا نابودی مانع بزرگ راه خدا ادامه می دهد. متأسفانه گاهی در جامعه شنیده می شود که بعضی از روشنفکرین دشمنی با آمریکا را صرفاً یک مساله سیاسی یا اختلاف بر مسائل هسته ای و حقوق بشر و... می دانند در نتیجه درصدد رفع این تضاد بر می آیند. حال آن که این دشمنی بسیار بنیادین و اساسی تر از یک اختلاف سیاسی و دیپلماتیک است. این دشمنی سر خداست، یک طرف به جهان بی خدا دعوت می کند و یک طرف به الهی شدن جهان. یک طرف به نفسانیت فرا می خواند و طرف دیگر به معنویت و انسانیت. این جنگ ادامه دارد تا وقتی که یا غرب دست از نفسانیت و ماده پرستی بردارد یا این که انقلاب اسلامی دست از ارزش های الهی اش بکشد. امام خمینی (س) در این باره می فرمایند: «به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت ها و ارزش های معنوی و الهی مان نمی شناسند»<sup>۱</sup>. از طرفی خمیر مایه ی تمدن غرب، دشمنی با دین است و

ریشه انقلاب اسلامی در ارزش های دینی. لذا هیچ یک از موضع خویش کوتاه نمی آید و این نبرد تا نابودی یکی از طرفین ادامه دارد. تا جایی که یا انقلاب اسلامی نابود شود و یا غرب و آمریکا.

وعده قرآن این است که ((الان حزب الله هم الغالبون)) و صد البته که غلبه نهایی با حزب الله

است لیکن اگر ما کوتاهی کنیم و دشمن را شناسیم و از فرهنگ او پیروی کنیم، ممکن است این

غلبه، قرن ها به تاخیر افتد و جامعه اسلامی به شدت زمین بخورد. (یا ایها الذین آمنوا ان تطیعوا

الذین کفروا یردوکم علی أعقابکم فتنقلبوا خاسرین: ای کسانی که ایمان آورده اید اگر از کافران

اطاعت کنید شما را به گذشته تان برمی گردانند در حالی که ضرر خواهید کرد. (آل عمران-۱۴۹)

## فصل سوم

### بایسته های جمعی فعالیت فرهنگی

(تهذیب تشکیلاتی)

( ضرورت جمع بودن ، عنایت به جمع ، بایسته های جمع )

- |                                      |  |
|--------------------------------------|--|
| ۴۰ ..... ۱-۳-۱ ارزش جمع              | ۴۱ ..... ۲-۳-۲ محوریت الهی جمع               |
| ۴۲ ..... ۳-۳-۳ همدلی                 | ۴۳ ..... ۱-۳-۳-۱ میزان همدلی                 |
| ۴۳ ..... ۲-۳-۳-۲ فواید همدلی         | ۴۴ ..... ۳-۳-۳-۳ راهکار اساسی ایجاد همدلی .. |
| ۴۵ ..... ۴-۳-۳-۴ خطر همدلی اشتباه .. | ۴۵ ..... ۴-۳-۴-۴ نظم جمعی                    |
| ۴۶ ..... ۵-۳-۳-۵ توأسی به حق         | ۴۷ ..... ۶-۳-۳-۶ توأسی به صبر                |
| ۴۸ ..... ۷-۳-۳-۷ تشخیص اولویت ها     |  |

سفارشات دهگانه شهید بهشتی به انجمن های اسلامی ... ۴۸

- |                             |  |
|-----------------------------|--|
| ۱- ایمان                    | ۲- برنامه های عملی ای ...                              |
| ۳- ارتباطات را قوی کنید؛    | ۴- جذب عناصر جدید؛                                     |
| ۵- انضباط؛                  | ۶- شناسایی و کشف استعدادها؛                            |
| ۷- معلوماتان را ببرید بالا. | ۸- شیوه های صحیح برخورد با دشمن و مخالف را یاد بگیرید؛ |
| ۹- انتقاد از خویشان؛        | ۱۰- امید کامل به آینده؛                                |



فهرست

امام خامنه ای: ((چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه‌ی ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البرّ و التّقوی»، یا: «و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً». یعنی حتی اعتصام به حبل‌الله هم باید دسته‌جمعی باشد؛ و لا تفرّقوا))

### ۳-۱- ارزش جمع

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): (( ید الله علی الجماعه ، فإذا اشتد الشاذ منهم اختطفه الشیطان كما یختطف الذئب الشاء الشاذة من الغنم. پیامبر اعظم فرمود: دست خدا بر سر جماعت است ، هرگاه فردی از جماعت جدا شود ، شیطان او را می رباید ، همچنان که گرگ گوسفند جدا مانده از رمه را می رباید<sup>۱</sup>)).

"یدالله علی الجماعه" یعنی این که دست ولایت الهی بر جمع احاطه دارد و در مقابل کسی که اهل تفرقه و انزوا باشد تحت ولایت شیطان خواهد بود. ثمره ولایت الله هم طبق آیه الکرسی، خروج از ظلمات و حرکت به سمت نور الهی است. پس کسی که مقصد توحید دارد و متوجه انوار الهی است باید با جمع حرکت کند و جمع را دریابد تا به این وسیله به مقصد وصل برسد. پس اتصال قلبی به جمع مومنین یعنی اتصال به انوار الهیه. این مضمون در بعضی روایات هست از جمله در روایت از امام محمد باقر علیه السلام است که: ((هرکس از برادری در راه خدا که به برادری اش وفادار و جویای خشنودی خداوند است استفاده کند در حقیقت از پرتوی از نور الهی و سپری از کیفر خداوند بهره مند شده چون مومن خدا نیست ولی از خدا جدا هم نیست<sup>۲</sup>)). جمع همدل مومن یعنی دریای انوار الهی و ارتباط قلبی با چنین جمعی یعنی سلوک در نور حضرت حق. در زمان معاصر که جامعه شیعی بر محور ولایت اهل بیت به برکت انقلاب اسلامی شکل گرفته، راه این سلوک توحیدی باز شده است.

<sup>۱</sup> کنزالاعمال رقم ۱۰۲۸

<sup>۲</sup> بحارالانوار ج ۷۵، پاسداران حریم عشق جلد ۱



انقلاب اسلامی یعنی یک سلوک جمعی به رهبری ولی فقیه به سمت خدا. "سلوک جمعی خیلی سرعت بالاتری نسبت به سلوک فردی دارد." مقایسه سلوک فردی با سلوک جمعی مثل نسبت نماز فرادی است با نماز جماعت. در روایتی وارد شده است که ((اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز {فردی} دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعت ثواب ششصد نماز دارد و هر چه بیشتر شوند ثواب نمازشان بیشتر می شود تا به ده نفر برسند و عده آنان که از ده گذشت، اگر تمام آسمانها کاغذ، و دریاها مرکب، و درختها قلم، و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.))<sup>۱</sup> حال این روایت را تعمیم دهید به همه امور دین. زیرا نماز ستون و نماد دین است. پس می توان با استفاده از الگوی نماز جماعت، قواعد بنیادی کار جمعی اسلامی را استخراج کرد. انقلاب اسلامی سیر الی الله را از شکل فرادی به شکل جماعت تغییر داد. امام جماعت این سیر هم ولی فقیه است به عنوان نائب امام زمان و ماموریت دارد تا جامعه را به جایگاه حقیقی اش برساند. (انا لله و انا الیه راجعون)

### ۳-۲- محوریت الهی جمع

«قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنِي وَفُرْدِي...» [ای پیامبر! بگو: شما را تنها به یک چیز اندرز می دهم و آن اینکه: دو نفر دو نفر و یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید...» (سوره سباء، آیه ۴۶)

کار جمعی دو رکن اساسی دارد: اولاً "لِلَّهِ" بودن و ثانیاً "مَثْنِي" (جمع بودن). مزیت اساسی کار جمعی شیعی بر فرهنگ های دیگر کار جمعی، محوریت آن است. نیت و محوریت و مبنای کار جمعی در فرهنگ شیعه، خداست. اگر جمع ارزش دارد به خاطر امر خداست. اگر کار جمعی برکت دارد به خاطر عنایت خداست، اگر کار جمعی آثار مفید دارد به خاطر ولایت خداست. در واقع اصالت اصیل با خداست و در مقابل او هیچ چیز دیگر اصالت ندارد، نه جمع نه فرد. بلکه امر و ولایت خداست که اصالت دارد. هر چه نیت الهی در کار جمعی کمرنگ شود، در مقابل نفسانیت فردی و تشکیلاتی پررنگ می شود و جمع از ولایت الله دورتر می گردد. اگر کار جمعی "برای مولا" نباشد، اساساً تفاوت چندانی با کار جمعی کومونیستی یا لیبرالی ندارد. حزب توده و کومونیست ها در کار جمعی و تقسیم کار و مدیریت و.. بسیار متبحر بودند، ولی مشکل ایشان در محوریت غیر الهی جمع بود.

<sup>۱</sup> این حدیث در رساله توضیح المسائل اکثر مراجع هست.

علاوه بر نیت الهی که مبنا و نیروی محرکه همه اعضای جمع است، رهبر جمع هم که به نوعی، محور انسانی جمع است، باید الهی باشد. یعنی متدین ترین، مهذب ترین و عادل ترین شخص، باید مدیر جمع شود. همان گونه که در نماز جماعت، باید اعلم و اتقی امام جماعت شود. به میزانی که مدیر جمع از نفسانیت خارج باشد می تواند جمع را به سمت اهداف الهی اش هدایت کند. به همین میزان کلام و رفتار او برای بقیه الزام آور است و اعضا باید با او هماهنگ شوند، همان گونه که در نماز جماعت اصل بر تبعیت ماموم از امام جماعت است. مدیر جمع هم باید در معرض نصیحت حق دیگران باشد و انتقادات را بشنود. لیکن مسوولیت جمع حداقل خطا و حداکثر توجه به خدا را می طلبد تا محوریت الهی جمع حفظ گردد. دریک مرتبه بالاتر یک جمع فرهنگی باید زیر نظر یک عالم دینی و فقیه ربانی باشد تا با نظارت او، جمع از آفات بدعت و انحراف محفوظ بماند. همچنین در عالی ترین سطح، همه جمع های فرهنگی باید مطیع ولی فقیه باشند و خود را با ایشان هماهنگ کنند. به این ترتیب نهایت هماهنگی را با نائب امام زمان علیه السلام داشته و بهترین اثر را جهت اصلاح جامعه خواهند داشت.

### ۳-۳- همدلی

اگر در صف های جماعت جا باشد، مکروه است انسان تنها بایستد و اگر فاصله بین مامومین از حدی بیشتر شود اتصال به جماعت برقرار نمی شود. در کار جمعی هم باید قلوب به هم نزدیک باشد و اگر فاصله قلوب زیاد شود روح کار جمعی به هم می ریزد و چه بسا ظاهر کار هم درست انجام نمی شود. همدلی شیعیان بر محور اهل بیت از اساسی ترین نیازهای جامعه است که در روایات اهل بیت به شدت بر آن تاکید شده است. تا جایی که امام زمان علیه السلام در نامه ای به شیخ مفید همدلی شیعیان را شرط لازم برای ظهور معرفی کرده اند. در ناحیه ی مقدسه وارد است که: ((وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَقَقَّهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا))؛ اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را به اطاعت از خود موفق گرداند - بر وفای به پیمانی که بدان موظف هستند، همدل می شدند، قطعاً توفیق ملاقات با ما برای آنان به عقب نمی افتاد<sup>۱</sup>)). دریک کار جمعی با محوریت محبت اهل بیت سعی اعضا این است که با تعمیق

<sup>۱</sup> احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸؛ ج ۵۳، ص ۱۷۶؛ خرائج، ج ۲، ص ۹۰۲

همدلی در جهت زمینه سازی جامعه مهدوی گام بردارند و با یکدست کردن جمع به ظهور امام زمان علیه السلام کمک کنند.

### ۳-۳-۱- میزان همدلی

میزان همدلی باید آنقدر زیاد شود که اعضای جمع انگار یک روح هستند در چندین کالبد! از درد همدیگر دردمند شده و هریک یار و کمک کار دیگری باشد طبق حدیث امام صادق علیه السلام، آن جا که فرمود: ((المؤمن اخ المؤمن کالجسد الواحد، ان اشتکی شیئا منه وجد الم ذلک فی سائر جسده. مؤمن برادر مؤمن است، مانند یک پیکره واحد هستند که هرگاه عضوی از آن دردمند شود، اعضای دیگر هم احساس درد کند<sup>۱</sup>)). این چنین همدلی است که نیروی محرکه و اساس کار جمعی را تشکیل می دهد.

### ۳-۳-۲- فواید همدلی

۱) حداکثر بازده! جمع همدل با کمترین اصطکاک کارها را جلو برده و حداکثر بازدهی را ایجاد می کند. اگر کسی به هر دلیلی نتواند وظایف محوله خودش را انجام دهد بقیه اعضا کمک می کنند تا بار مسوولیت او بر زمین نماند و وظیفه مذکور به درستی انجام شود.

۲) محبوب خدا شدن! میان اعضای جمع همدل توصیه دوستانه به حق و توصیه به صبر و استقامت موج می زند و مثل سدی محکم می گردند که اجازه نفوذ به شیطان و شیطان صفتان نمی دهند. این سد محکم، محبت خدا را برای اجزایش به ارمغان دارد. خداوند متعال در یک جای قرآن از کسانی یاد میکند که ((يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ سوره مبارکه المائدة آیه ۵۴)) - هم آنها خدا را دوست میدارند، هم خدا آنها را دوست میدارد - و در جای دیگری از قرآن اینها را یا جمعی از اینها را معرفی میکند و میفرماید: ((إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرصُوعٌ؛ خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او پیکار می کنند گویی بنایی آهنیند! سوره مبارکه الصف آیه ۴)). پس همدلی جمع، محبت خدا و عنایت و ولایت خاصه او را در پی دارد.

۳) جذب حداکثری: جمع همدل برای بقیه جامعه هم جاذبه دارد چون مردم تشنه همدلی و محبت هستند. کافی است این همدلی را در جایی ببینند، آن وقت با کمترین اشاره جذب می شوند پس یکی از

<sup>۱</sup> محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۶

بهترین شیوه های جذب، همدلی اعضاست. جمع همدل مثل "آب کر" می شود که همه آلودگی های اعضای جدید را پاک می کند و خودش هم پاک می ماند. اگر شخصی با مشکلات عملی یا اعتقادی وارد چنین جمعی شود، ناخودآگاه در جاذبه این جمع حل شده و جهت گیری ها و اعمالش متفاوت می گردد بدون آن که لزوماً با او مباحثه خاصی انجام شده باشد. تجارب بسیاری وجود دارد از جذب های این چینی با استفاده از همدلی بر محور محبت اهل بیت. مخصوصاً در هیات ها و اردوهای زیارتی تعداد زیادی از جوانان با همین راهکار جذب جبهه اسلام و انقلاب گشته اند.

### ۳-۳-۳- راهکار اساسی ایجاد همدلی

اول باید دید که مانع اصلی همدلی چیست تا با رفع آن، همدلی را ایجاد کرد. مانع اساسی در همدلی و هماهنگی اعضای جمع، نفسانیت هریک از اعضاست. هر چه میزان نفسانیت کمتر، همدلی بیشتر. عبور از نفسانیت هم لوازمی دارد مهمترین لوازم آن تهذیب شخصی و جمعی است که باید در جمع موج بزند. مرحله اول عبور از نفسانیت، نیت با جمع بودن است، "برای خدا". مثل نماز جماعت که اولین مرحله اش نیت جماعت است و گرنه به صرف همراهی ظاهری با جمع، نماز جماعت منعقد نمی شود. اعضای جمع هم باید اول نیت کنند که بر محوریت اهل بیت کار جمعی کنند تا روح کار جمعی حاصل شود. در مرحله بعدی با فداکاری در راه جمع و ترجیح سلاقی جمع بر سلاقی خود(برای حفظ جمع الهی)، این نفسانیت کمرنگ تر می شود. هرچه این گذشت ها و ایثارها بیشتر شود، نفسانیت کمتر شده و اعضای جمع همدل تر می گردند. به قول علامه طباطبایی(ره): "هرجا گذشت هست نفع سالک هم هست". در سلوک جمعی هم هرچه اعضای جمع فداکارتر باشند رشد و تعالی جمع بیشتر می گردد. در اوج این تعالی با عبور از نفسانیت (مقام قتل نفس فی سبیل الله) و غرق شدن در انوار الهی همه اعضا به اشعه های آفتاب پرنور ولایت الله می رسند و از مرتبه همدلی به مقام یکدلی می رسند تا همه جانی نداشته باشند جز جانان و محو در اراده الهی شوند. برای عبور از نفسانیت و تهذیب جمع ارتباط با علمای ربانی بسیار موثر است. چرا که به فرموده حضرت امام، علم اخلاق هم مثل سایر علوم به استاد نیاز دارد، بلکه چون علم پیچیده تر و لطیف تری است، نیاز بیش تری به استاد دارد. امام خامنه ای(مدظله) در دیدار اعضای بسیج دانشجویی لزوم توجه به معنویت و حضور اساتید

اخلاق را در این مجموعه ها یادآور شدند. (درسهایی اخلاقی را در بین خودتان رائج کنید. از اساتید اخلاق و موعظه‌گرها استفاده کنید<sup>۱</sup>).

### ۳-۳-۴- خطر همدلی اشتباه

گاهی همدلی بر محور محبت اهل بیت با وابستگی های عاطفی و احساسی اشتباه گرفته می شود. ارزش و آثار همدلی به خاطر محوریت اهل بیت است. اصالت با محبت به اهل بیت است و محبت به محبین اهل بیت به خاطر انتساب آنها به اهل بیت است و نه محبت استقلال. اگر محوریت اهل بیت در همدلی ها کم رنگ شود، خطر منحرف شدن همدلی به سمت یک رفاقت احساساتی، مستقل، بی ثمر و پرخطر به وجود خواهد آمد. باید اعضای جمع مراقب باشند که گنج محبت اهل بیت با رفاقت های بدلی عوض نشود. بدین منظور بایستی هریک از اعضا از تهذیب و توسل قوی برخوردار بوده و نیز ترویج محبت اهل بیت در میان اعضای جمع به شیوه های مختلف انجام گردد. این نوع وابستگی های عاطفی باید سریعاً چاره اندیشی و درمان شود و گرنه ذهن و روح اشخاص را مشوش می کند. افرادی که به یکدیگر بیش از حد وابسته می شوند بهتر است مدتی روابط متقابل دوستانه و کاری و... را به حداقل برسانند تا این مساله از ذهن و خیال ایشان پاک شود.

### ۳-۴- نظم جمعی

مستحب است صف‌های جماعت منظم باشد، و بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند فاصله نباشد، و شانه آنان ردیف یکدیگر باشد. با استفاده از این الگوی نماز جماعت، در کار جمعی هم باید همه امورات منظم و با برنامه صورت بگیرد. نباید به بهانه همدلی و رفاقت، هرگونه نظم و برنامه را منکر شد. اگر نظم مجموعه به هم بریزد، بازدهی پایین آمده و فرسودگی و خستگی مجموعه زیاد می گردد. بدتر از همه این که خیلی از کارها زمین مانده و احتمال اصطکاک و کدورت بین اعضا زیاد می شود از این جهت، بی نظمی، همدلی را هم خدشه دار می کند و آفت اساسی کار جمعی است. برنامه بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت جمع باید مشخص بوده و وظیفه هریک از نیروها هم معین باشد. البته در حین کار بین نیروها کنش و واکنش هایی خارج از برنامه پیش می آید که در جای خود بلا اشکال است. ولی باید هر نفر هم به صورت اجمالی وظیفه

بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت خویش را بداند و خویشتن را برای انجام تکالیف آماده کند. این نظم باید الهی و منعطف باشد و نه خشن و خشک.

### ۳-۵- توأسی به حق

(( إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ )) (همانا انسان در خسارت است. مگر آنان که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده و یکدیگر را به حق و استقامت سفارش می کنند).

سفارش به حق و صبر جزء اعمال صالح است ولی در سوره عصر به خاطر اهمیت جداگانه بیان شده اند. همان گونه که صبر و استقامت نیز حق است ولی به خاطر اهمیت صبر جداگانه آمده است. «تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر» (تفسیر نور). توأسی از باب تفاعل است و معنای طرفینی دارد یعنی همه اعضای جمع باید یکدیگر را توصیه کنند و توصیه یک طرفه نباشد. توصیه به حق دایره بسیار وسیعی دارد و تقریباً تمام موارد امر به معروف و نهی از منکر را شامل می شود. آنچه که در جمع بسیار مهم است توصیه به دومطلب حق است: اولاً توصیه به نیت و محوریت الهی جمع، یعنی هر جا این محوریت الهی ضعیف شد باید اعضا یکدیگر را متذکر به حق شوند. ثانیاً توصیه به حفظ جمع، یعنی هر جا شکاف یا اختلافی هست، باید یکدیگر را توصیه به ترمیم جمع در مقابل نفوذ شیاطین کرد.

البته شکل این توصیه هم بسیار مهم است که با نرمی و قول لین باشد. چنانکه خدا در قرآن حضرت موسی را به قول لین برای هدایت فرعون توصیه می کند (فقولا له قولا لینا). اگر توصیه حق با خشونت و بدخلقی همراه شود، ممکن است نتیجه معکوس به بار آورد و باعث تفرقه و ایجاد شکاف در جمع شود. البته این شکل توصیه برای جمع مومنین است و گرنه در مقابل تعدی و تجاوز دشمنان، واکنش شدید و غلیظ لازم است (اشدا علی الکفار). متأسفانه بعضاً دیده می شود که برخورد غلیظ و شدیدی که شایسته کفار و منافقین است نثار محبین اهل بیت و جوانان انقلابی می شود، آن هم به بهانه نهی از منکر. حال آنکه ایجاد کدورت و شکستن دلها و تضعیف همدلی جمع، یک منکر بسیار مخرب است.

امام رضا علیه السلام در این باب می فرمایند: ((ای عبدالعظیم به دوستان ما امر کن { خود را به طعن زدن بر یکدیگر و تولید اختلاف مشغول نکنند ، زیرا من سوگند یاد کرده و بر خود لازم نموده ام که هر کس چنین کند و یکی از دوستان مرا خصمناک سازد از خدا بخواهم او را در دنیا به سخت ترین عذابها معذب گرداند و در آخرت از زیانکاران باشد<sup>۱</sup>)).

### ۳-۶- توامی به صبر

امام خامنه ای: ((راه را باید درست و مستمر رفت. و الا اگر چهار صباح خوب و درست رفتیم، ولی بعد رها کردیم، فایده‌ای ندارد.<sup>۲</sup>))

آرمان ها و ارزش های توحیدی یک جمع الهی نیاز به عمری مجاهده دارند و بدون صبر نمی توان به آنها دست یافت. اساس کار جمعی بر صبر استوار است. البته این سختی سرانجام شیرینی دارد چون خدا در قرآن به صابران مژده های بسیار داده است. از جمله: ((و ان لو استقاموا علی الطریقه لاسقیناهم ماء غدقا. و اینکه اگر در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می کنیم. جن-۱۶)) اقامه‌ی حق به استقامت نیاز دارد. ولی طبع عجول انسان مایل به کار دفعی است اینجاست که باید نیروها یکدیگر را توصیه به صبر کنند تا استقامت و استمرار تاریخی جمع حفظ گردد. اعضای جمع باید مثل مصالح یک سد، با نهایت استحکام به همدیگر متصل بوده و فشارها و سختی ها را خنثی کنند. سختی های کار جمعی از چند جهت جمع را تحت فشار می گذارد:

(۱) تالیف قلوب و تجمیع نیروها زمان بر است و موانع و مشکلات بسیار دارد. میان اعضای جمع معمولاً نظرهای مختلف و گاه متضادی دیده می شود که اگر با صبر و تحمل با آنها مواجه نشویم جمع دچار شکاف می گردد. نفس اماره ایثار در مقابل بقیه و هماهنگی با جمع را بر نمی تابد و همواره درصدد قیام علیه جمع الهی و همدلی آن است.

(۲) شیطان هم برای جمع های الهی برنامه ریزی می کند تا با رخنه در آنها اساس جمع را به هم بریزد (ان الشیطان ینزغ بینهم-انبیا-۵۳)

<sup>۱</sup> بحارالانوار جلد ۷۴ صفحه ۲۳۰ ، ترجمه سفینه البحار و مدینه الحکم و الانار (محدث گرانقدر حاج شیخ عباس قمی رحمت الله علیه ) جلد ۵ صفحه ۳۵۳

۳) ابتلائات ربوبی هم برای تربیت جمع لازم است و خدا برای رشد جمع، گاهی الطافی را در قالب بلا نازل می کند.

### ۳-۷- تشخیص اولویت ها

"همه ما باید در بالاترین سطح ممکن برای اسلام و انقلاب فدا شویم."

اصل جمع الهی بر فدا شدن است در مسیر خدا. ولی این فدا شدن باید در عالی ترین سطح ممکن صورت بگیرد تا از همه سرمایه های الهی جمع و فرد استفاده شود. کسی که می تواند در حد یک فرمانده به جامعه خدمت کند، اگر از سر تواضع کاذب یا به هر دلیل دیگری یک سرباز عادی شود به جامعه و شهدا خیانت کرده است. در مورد اولویت جمعی هم باید اولویت ها را سنجید و بهترین موضوع را برای کار فرهنگی انتخاب کرد.

### سفارشات دهگانه شهید بهشتی به انجمن های اسلامی



۱- ایمان هرچه قوی تر به آرمان تان و به کارتان؛ نگذارید این ایمان در شماها خدای ناکرده پژمرده و ضعیف شود. این ایمان باید روز به روز تقویت گردد.

۲- برنامه های عملی ای که در آن، تفوق و برتری کارکرد ساختار اسلامی و نیروهای مؤمن به چشم بخورد؛ باید به گونه ای باشد که این خواهر مسلمان و برادر مسلمان ما که از یک هم سن

و همکلاسی و هم رتبه ی غیرمسلمانش در مقام عمل دینی صالح تر است، در مقام عمل اجتماعی نیز سودمندتر باشد. اگر عمل شما به حال مردم سودمند واقع شود، ماندنی خواهید بود. این بیان قرآن است. «فاما الزبد فیذهب جفاءً و اما ما ینفع الناس فی الارض» [کف می رود و آنچه برای انسان ها سودمند است می ماند. رعد/ آیه ۱۷] سودمندی بیشتر ما باعث پیروزی ماست. به همین جهت در خودسازی فردی و جمعی انجمن های تان باید طوری برنامه ریزی کنید که در صحنه خدمت به مردم بدرخشید؛ نه برای تعریف مردم بلکه برای خدا.



۳- ارتباطات را قوی کنید؛ وقتی یک عده در اقلیت هستند، باید بکوشند تا به کمک ارتباطات گسترده، یک جمع بزرگتر شوند. وقتی که همه یکجا جمع هستید، احساس دلگرمی و قدرت بیشتر می‌کنید.

۴- جذب عناصر جدید؛ گاهی دافعه خیلی قوی است اما جاذبه چندان قوی نیست. مسلمان، هم دافعه دارد و هم جاذبه. شما باید جاذبه‌تان زیاد باشد. باید کلامتان و رفتارتان چنان باشد که اطرافیان‌تان را یکی یکی جذب کنید. اصلاً باید برنامه داشته باشید برای جذب آنها. مبدا فکر کنید که اینهایی که با ما مخالف هستند دیگر کارشان خراب است و درست‌شدنی نیستند. خیر، انسان تغییر می‌کند. خیلی‌ها آدم‌های خوبی هستند، می‌لغزند و بد می‌شوند. خیلی‌ها آدم‌های بدی هستند و در اثر ارشاد و معاشرت خوب می‌شوند. تعالیم اسلام یادتان نرود. اسلام می‌گوید تا آخرین لحظات حیات، در توبه باز است.

۵- انضباط؛ هر کار دسته‌جمعی‌ای که انجام می‌دهید باید همراه باشد با انضباط تشکیلاتی. بچه مسلمان‌ها به انضباط مقدار کمی بها می‌دهند. باید یک مقدار به انضباط بیشتر بها بدهیم. اما نظم فرعون‌ی نه؛ زیرا نظم گاهی فرعون‌ی و طاغوتی است. نظم ما باید الهی، سازنده و نورانی باشد.

۶- شناسایی و کشف استعدادها؛ کشف عناصر مدیر و به درد بخور که بتوانند پستهای کلیدی و مؤثر را با لیاقت اداره کنند. این خیلی مهم است. گاهی ما یک فرد متدین و خوبی را می‌گذاریم رأس کاری ولی چون توانایی‌اش ضعیف است، اثر بدی می‌گذارد. شما باید مدیرهای مومن و متعهد ۱۰ سال آینده را هم کشف کنید و هم بسازید.

۷- معلوماتتان را ببرید بالا. مطالعاتتان باید اسلامی باشد، فنی هم باید باشد. هر کدام از شما وظیفه‌ی شرعی‌تان است که در هفته یک مقدار روی رشته خاص خودتان مطالعه‌ی فنی کنید، طوری که کاردانی و کارایی فنی شما رو به افزایش پیگیر و مستمر باشد.

۸- شیوه‌های صحیح برخورد با دشمن و مخالف را یاد بگیرید؛ گاهی برادرها و خواهرها با جریانهای مخالف می‌خواهند برخورد کوبنده داشته باشند اما طرز برخورد آنها طوری است که در جامعه محکوم می‌شوند. شیوه‌های برخورد باید صحیح باشد. باید درباره این شیوه‌های برخورد بنشینید و تبادل نظر کنید.

۹- انتقاد از خویشتن؛ من نمی دانم آیا هیچ وقت دور هم جمع می شوید بگویید این یک هفته نقایص و عیب کارم این بود. این کار را می کنید یا خیر؟ (پاسخ حاضران: خیر!) خوب، شروع کنید! هیچ اشکالی ندارد.

«المؤمن مرآت المؤمن» یعنی چه؟ برادر و خواهر مسلمان باید آینه‌ی یکدیگر باشند. آینه یکی از کارهایش این است که عیب‌های آدم را می گوید. بنابراین هر هفته‌ای، دو هفته‌ای، یک ساعت دور هم بنشینیم با روی باز و گشاده‌رویی هر کسی اول عیب‌های خودش را بگوید بعد آنهایی که جا می ماند دیگران بگویند، بعد هم عیب جمعمان را بگوییم.

۱۰- امید کامل به آینده؛ هیچ مسلمانی حق یأس و ناامیدی ندارد. مسلمان سراپا امید است. آدمهایی که ایمان به خدا ندارند آنهایی هستند که از گشایش آفرینی خدا در تنگناها مأیوس می شوند. انسانهای مؤمن همیشه باید امیدوار باشند. آنقدر قرآن و اسلام به ما تعلیم می دهد که نه با یک غوره سردی تان بشود و نه با یک مویز گرمی تان. یکروز بالا و یکروز پایین، یکروز جلو و یکروز عقب. تا شما یکدفعه ضایعه اگر برایتان پیش آمد زود دچار تاسف نشوید و اگر هم خدا یک نعمت به شما داد و یک پیروزی، زود از شادی خودتان را نبازید. در هر دو حالت باید صبور باشید. امیدوارم که با چنین امیدی و با چنان ایمانی و چنین عمل صالحی، موفق باشید که پایه‌های اداره قاطع نظام اسلامی را بر فراز اسلام محکمتر کنید.

## فصل چهارم

### بایسته های فردی

#### فعالین فرهنگی جبهه انقلاب اسلامی

- \* نیت جهانی و همت بلند در کار داشتن..... ۵۲
- \* انس با عزدارای و سینه زنی امام حسین علیه السلام ، صحبت و عشق به امام زمان علیه السلام ، یاد و زیارات امامان و امامزادگان علیهم السلام و توسّل به ایشان برای هدایت خود و دیگران ..... ۵۳
- \* انس با قرآن ، نهج البلاغه ، صحیفه ی سجادیه ، رساله های عملیه ..... ۵۴
- \* نماز اول وقت ..... ۵۵ - \* نماز شب ..... ۵۵
- \* احترام به پدر و مادر مسیری که چه برکاتی عظیمی در توفیقات بزرگان داشته است.... ۵۷
- ۴-۱- امیدواری..... ۵۹      ۴-۲- اطلاع از مواضع و بیانات ولی فقیه..... ۶۴
- ۴-۳- نظم ..... ۶۴      چگونگی برنامه ریزی و نظم ..... ۶۵
- ۴-۴- نشاط جسمی..... ۶۸
- (۱) ورزش و تفریح..... ۶۹
- ورزش در تربیت اخلاقی از چند جهت مهم است:
- (۲) خواب با برنامه و به اندازه ..... ۷۱      (۳) تغذیه مناسب ..... ۷۳
- ۴-۵- طی کردن مدارج تحصیلی ..... ۷۴      ۴-۶- تهذیب ..... ۷۵
- ۴-۷- سیر مطالعاتی ..... ۷۷

- ضرورت نماز اول وقت ، پرهیز از گناه و قرآن هر روز در بیانات رهبری

ایشان در پاسخ به سؤال همیشگی جوانان درباره‌ی راه‌های تعالی روحی، افزودند: از بزرگان شنیدم که مهمترین کار برای اعتلای معنوی، تقوا و پرهیز از گناه است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، انجام فرائض دینی به‌ویژه «نماز اول وقت، با حضور قلب و حتی‌المقدور با جماعت» را مکمل پرهیز از گناه برشمردند و خاطرنشان کردند: این مجموعه‌ی گران‌بها را با تلاوت هرروزه حداقل چند آیه از قرآن، زینت دهید.



دیدار با دانشجویان ۲۰/۰۴/۱۳۹۴

### - \* نیت جهانی و همت بلند در کار داشتن

چگونه می‌توان در یک مسجد کار جهانی کرد: ای دوستان اساساً بدانید روایتی هست بنا به این مضمون که دو نفر مومن داریم که در همه جا و هر زمان با هم هستند و هر کاری را با هم می‌کنند در لحظه‌ای که هر دو با هم به آن جهان می‌روند

یکی از آنها دیگری را می‌بیند که اگر چه هر دو هر جا و هر زمان با هم بودند و هر کاری را هم با هم می‌کردند ولی درجات او با دوستش چقدر و چقدر متفاوت است ؛

آن مومن وقتی علت این تفاوت را در می‌یابد می‌بیند که در عین باهم بودن او و دوستش در همه جا و همه کار دوست او نیت خود را بالاتر قرار داده بود.

۲،۲) نیت جهانی :

شاید اگر چه من در نمازخانه‌ای کوچک کار کنم ولی نیت خود را بر این قرار می‌دهم خدایا من دارم برای سربازان گمنام حکومت جهانی امام زمان علیه السلام کار میکنم ؛

چون حکومت امام زمان علیه السلام جهانی است پس این کار هرچند کوچک من ثواب جهانی دارد . پس نیت خود را همواره بالاتر قرار دهیم .

در مورد غسل داریم می شود نیت چند غسل کرد و تنها یک غسل گرفت، نیت غسل واجب مورد نظر را کرده و نیت غسل جمعه (اگر جمعه غسل نکردید می شود قبل یا بعد آن غسل گرفت ) ، غسل زیارت کربلا ، غسل زیارت مشهد ، غسل شهادت و ... کرد.

همّت بلند در کارها داشتن :

در داستانی یکی از اساتید اخلاق پیرامون قرار دادن همّت بلند در کارها و سطح بالا نگاه کردن می فرایند:

روزی خدا به حضرت موسی علیه السلام فرمود: به سرزمین مصر برو و پیکر حضرت یوسف علیه السلام را بیاور. حضرت موسی علیه السلام به مصر رفتند و از هر کسی پرسیدند ، کسی آنرا بلد نبود ؛ یکی گفت پیرزنی کور و ناتوانی را می شناسم که سن زیادی دارد شاید او بلد باشد، با حضرت پیش آن پیرزن رفتند. حضرت موسی علیه السلام از پیرزن پرسید آیا شما نشانی قبر حضرت یوسف علیه السلام را داری ؟ پیرزن گفت : بله . حضرت گفت : پس ما را راهنمایی کن . پیرزن گفت : شرط دارد، حضرت گفت : هر چه می خواهی بگو. اول اینکه خدا من را هم مقام تو در بهشت قرار دهد ، و دوم اینکه من را یک جوان ۱۷ ساله کند. ( حضرت موسی به پیرزن گفت : نمی خواهی بگی چرا شرط ناممکن می گذاری ). از طرف خدا وحی آمد : ای موسی شرطش را بپذیر من از همّت این بنده ام خوشم آمد. و حضرت موسی علیه السلام شرطش را پذیرفت.

- لذا دوستان تا می توانید همّت و در خواست های خود را بالا قرار دهید و از خدا بخواهید . در روایات داریم که حتی نمک سفره تان را هم از خدا بخواهید.

**-\*\* \* انس با عذراری و سینه زنی امام حسین علیه السلام ، صحبت و عشق به امام زمان علیه السلام ، یاد و زیارات امامان و امامزادگان علیهم السلام و توسّل به ایشان برای هدایت خود و دیگران**

آیت الله بهجت : بکاء بر مصایب اهل بیت علیهم السلام و به خصوص سید الشهداء شاید از آن قبیل مستحباتی باشد که مستحبی افضل از آن نیست . بکا من خشیت الله ( گریه ی از ترس خداوند ) هم همین جور است؛ شاید افضل از آن نباشد. ( کتاب جرعه وصال ، با تایید دفتر حضرت آیت الله بهجت )

آیت الله بهجت : چقدر حضرت امام زمان عجل الله فرجه مهربان است به کسانی که اسمش راه می برند و صدایش می زنند و از او استغاثه می کنند ؛ از پدر و مادر هم به آنها مهربان تر است. ( کتاب جرعه وصال ، با تایید دفتر حضرت آیت الله بهجت )

آیت الله بهجت : افسوس که همه برای برآورده شدن حاجت شخصی خود به مسجد جمکران میروند و نمی دانند که خود آن حضرت چه التماس دعایی از آنها دارد که برای تعجیل فرج او دعا کنند! ( کتاب جرعه وصال ، با تایید دفتر حضرت آیت الله بهجت )

آیت الله بهجت : پا جای پای معصومین بگذارید نه پا جای پای دیگران ، ملازم علما باشید و همیشه روشن باشید ؛ و با مطالب مفید ، حیات بخش و آموزنده سر و کار داشته باشید .

آیت الله بهجت : انسان اگر یکی از مشاهد مشرفه را طواف کند همه مشاهد در همه جا زیارت کرده است و برای او مفید است .

آیت الله بهجت : اگر کسی بخواهد تشنگی و عطش دیدار معصومین علیهم السلام را در وجود خود تخفیف دهد ، زیارت مشاهد مشرفه ، به منزله ی ملاقات آنها و دیدار حضرت غائب است . آنها در هر جا حاضر و ناظرند. ( کتاب جرعه وصال ، با تایید دفتر حضرت آیت الله بهجت )

- واقعا از خودمان بپرسیم چند وقت است یاد ظاهری از پیامبر اکرم ، امام علی علیه السلام و دیگر معصومین نیستیم .

### \* انس با قرآن ، نهج البلاغه ، صحیفه ی سجادیه ، رساله های عملیه

امام صادق علیه السلام : هر جوانی که با قرآن انس بگیرد قرآن با گوشت و پوست و استخوانش در آمیخته می شود.

آیت الله بهجت : یک دست شما قرآن و دست دیگر عترت باشد . عترت معرافش در مثل " نهج البلاغه " است . اعمالش در صحیفه ی سجادیه است ؛ اعمال تکلیفیه اش در همین " رساله های عملیه است . "

- دوستان همه می دانیم نهج البلاغه برادر قرآن است ، چند وقت هست که نهج البلاغه را باز نکرده ایم و چیزی از آن خوانده باشیم !!

## نماز اول وقت :



آیت الله سید ابوالحسن مهدوی ، عضو مجلس خبرگان اصفهان:

بنده در جلسات متعدد خدمت ایشان بودم ، ایشان تا وقت نماز می شد مباحث را قطع می کردند و نماز می خواندند.

مقام معظم رهبری : خیلی جرات می خواهد آدم « حی علی خیر العمل » را بشنود و به سوی نماز نرود. ( حی علی خیرالعمل ، بهترین کار در این موقع نماز نه چیزهای دیگر ).

\* ( شهید مهدی باکری ) ، به مان گفت: " من تند تر می رم ، شما پشت سرم بیاین."

تعجب کردم بودیم. سابقه نداشت بیش تر از صد کیلومتر سرعت بگیرد. غروب نشده، رسیدیم گیلان غرب. جلوی مسجدی ایستاد.



ما هم پشت سرش.

نماز که خواندیم ، سریع آمدیم بیرون. داشتیم تندتند پوتین هامان را می بستیم که زود راه بیفتیم. گفت: " کجا با این عجله ؟ بهمان گفت : می خواستیم به نماز جماعت برسیم که رسیدیم."

## نماز شب ضرورتی برای فعال فرهنگی حوزه ی دین:

در آیات اولیه سوره ی مزمل داریم که : ( طبق نقلی در این آیات نماز شب بر پیامبر واجب می شود .)

يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ (۱) قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۲) نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳) أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴) إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۵) إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا (۶)

امام حسن عسکری علیه السلام : **إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرَكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ** .  
وصول به خداوند عزوجل سفری است که جز با عبادت در شب حاصل نگردد.

**مسند الامام العسکری، ص ۲۹۰**

تفسیر المیزان علامه طباطبایی « اینکه می فرماید : انا سنلقى عليك قولاً ثقیلاً منظور از قول ثقیل ، همین قرآن عظیم است، به دلیل اینکه این آیات را که در اول بعثت نازل شده برای هر کس بخوانی همین به ذهنش می رسد، مفسرین هم قول ثقیل را به قرآن تفسیر کرده اند.

این آیه در مقام تعلیل حکمی است که جمله قم اللیل ... بر آن دلالت دارد، در نتیجه به مقتضای سیاق - با در نظر گرفتن اینکه خطاب به خصوص رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است - این معنا را می رساند که اگر گفتیم شب زنده داری کن، و در شب با خواندن نماز متوجه درگاه ما شو، برای این بود که خود را برای کرامت قرب و شرف حضور، و افتخار همکلامی با ما آماده سازی، تا ما قول ثقیلی را بر تو القاء کنیم.

بنابر این، نماز شب راهی است که آن جناب را به چنین موقعی کریم منتهی می سازد . در جای دیگر هم خدای سبحان نماز شب را راه به سوی خدا خوانده، می فرماید : **ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلاً**.  
خدای سبحان در آیه زیر وعده بیشتری داده، فرموده : **و من اللیل فتهجد به نافله لك عسى ان يبعثك ربك مقاماً محموداً** ، که در تفسیر همین آیه معنای مقام محمود را بیان کردیم.

و وقتی یکی از جهات سنگینی قرآن سنگینی معارف آن، و نیز پذیرفتن شرایع و احکام آن است قهراً بر امت هم ثقیل خواهد بود، همانطور که بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سنگین بود، پس معنای آیه این است که : ما به زودی به تو وحی می کنیم قولی را که هم بر خودت سنگین است و هم بر امتت، اما سنگینی آن بر خود تو از جهت صعوبت تحقق حقائق آن، و از جهت مصائبی است که در طریق ابلاغ آن خواهی دید، و سلب راحت و فراغتی است که از تو خواهد شد، و از جهت مجاهدت نفس و انقطاع به سوی خدا، و زحماتی است که لازمه گرفتن وحی است. و اما سنگینی آن بر امتت از این جهت است که آنها هم در پاره ای از جهات یاد شده با تو شریکند، از آن جمله تحقق دادن به حقائق قرآن در نفس، و نیز پیروی او امر و نواهی خدا و رعایت حدود آن است، که هر طایفه از طوایف امت به قدر وسع و طاقتش باید این رنجهای را تحمل کند.





► امام هر شب در حالی بودند که نماز شب می خواندند و حتی در هواپیما که از پاریس به سوی تهران به پرواز درآمد پس از سه ساعت پرواز امام از جای برخاستند و برای خواندن نماز شب به قسمت بالا رفتند. (سرگذشت های ویژه ج ۳ ص ۲۹ و ص ۸۵)

- \* حضرت امام مدت پنجاه سال نماز شب خود را ترک نکردند، در بیماری، در

صحت، در زندان، در خلاصی، در تبعید، حتی بر روی تخت بیمارستان قلب هم نماز شب می خواندند. و همچنین شبی که از پاریس به سوی تهران می آمدند، تمام افراد در هواپیما خوابیده بودند، و امام تنها در طبقه بالای هواپیما نماز شب می خواندند، زیرا این برنامه همیشگی ایشان بود و امام حاضر نبود تحت هیچ شرایطی حتی در سخت ترین مواقع برنامه ریزی خود را به هم بزنند. ( حجه الاسلام انصاری کرمانی، سر گذشت های ویژه از زندگی امام خمینی، ج ۲، ص ۵۱ )

► سردار مصطفی متولیان ، مسئولیت حفاظت از رهبری : (سال ۷۰ تا ۷۵)



► نماز شب در منزل آقا به عنوان یک مساله ی عادی بود . آقا و خانواده شان حالت تبلیغی داشتند و براحتی می فرمودند بروید نماز شب بخوانید . یک نمونه ی جالب این است که گاهی تابستان ها پیش می آمد که حدود دو ساعت و نیم پیش از اذان صبح ، آقا تشریف می بردند کوه. در راه به من و یکی از دوستان می فرمودند ، همین طور که راه می روید می توانید نماز شب بخوانید و در حال راه رفتن شروع کنید نماز شب بخوانید. نه تنها آقا حتی فرزندان ایشان هم مقید بودند که نماز شب بخوانند. بنابراین کسی که مدت کوتاهی با ایشان زندگی میکرد. اولین ویژگی که کسب می کرد این بود که نماز شب را برا یخودش حل شده می دانست و معمولا آقا یک و ساعت نیم پیش از اذان صبح بیدار می شدند و عبادت را شروع می کردند تا نماز صبح.

### ► \* نماز شب و نماز مستحبی

دوستان به نظر من همه ی ما در مورد خواندن نماز شب و اهمیت آن واقف هستیم ، ولی مشکل نخواندن آن در چیست ؟

- بیشتر به نظر می رسد که مشکل ما در علم نیست در همت و رغبت است ، لذا باید توضیحاتی داد در مورد

همت گذاشتن داد :

۱. بهترین وقت برای آغاز نماز شب ، به نوعی ماه مبارک رمضان است ، زیرا اگر دقت کن چون برای سحری خوردن بیدار بشید ، کافی است یه ده دقیقه ، بیست دقیقه زودتر دست از غذا بکشید و نماز شب را تمرین کنید.

۲. بهترین وقت برای خواندن نماز شب ، سحر قبل از نماز صبح است .

۳. حتی گفتند : مستحب است اگر قبل از نماز صبح بیدار نمی شوید قبل از خواب ، نماز شب بخوانید.

احادیثی از امام محمد باقر و امام صادق علیهما السلام

۴. حتی گفته اند : اگر نمی توانید ۱۱ رکعت بخوانید ، ۹ تا بخوانید ، اگر نمیتوانید ۷ تا ، اگر نمیتوانید ۵ تا ، اگر نمیتوانید ۳ تا ، اگر نمیتوانید ۱ تا.

اگر ایستاده نمی توانید ، نشسته بخوانید ، اگر نشسته نمی توانید خوابیده بخوانید ، خلاصه اینقدر خواندن آن مهم است که هر چی بوده تلاش شده تا بخوانید.

۵. حتی در سفر که در اتوبوس هستید نماز شبتان را ترک نکنید ، چون می دانید که نماز مستحبی را می توان بدون اینکه رو به قبله باشید می توانید بخوانید . البته اضطرار است ها . حتی اگر آب گیر نیاردید بخوانید بعدا قضا کنید.

۶. خاطرات شهدای بزرگ ، را بخوانید . دوستان بالاخره راهی که شهدا رفته اند ، اوج فدا شدن برای جامعه بوده است بالاخره زندگی آنها و حضرت امام خمینی باید الگو ما باشد



داستان شهید صیاد شیرازی و شهید شهریاری :

خانم شهید شهریاری نقل می کند :

یک شب نیمه شب از خواب بلند شدم دیدم نیستش .  
بعد که دنبالش گشتم ، دیدم دارد نماز شب می خواند.

\* می گفت که هرچه دارم از نماز دارم . (خاطره ای از شهید صیاد شیرازی

(



همیشه می گفت: همیشه تاکید داشت نماز رو اول وقت بخونیم . وقت  
هایی که خانه بود نماز مغرب و عشا را به جماعت می خواندیم به امامت  
خودش.



\* نماز شبش را می خواند تا صبح بیدار بود . برای نماز صبح همه را  
بیدار می کرد. هر جا که بود سعی می کرد نماز صبح را به جماعت  
بخواند. بچه ها را جمع می کرد . بعد از نماز ورزششان میداد و بعد می  
رفت سراغ کارها تازه اول کارش بود.

از معصوم پرسیدند : آقا ما که در نماز واجب اصلا حواسمان نیست نماز ما مورد قبول است ؟  
معصوم گفت: برای اینکه نمازتان قبول شود ، یک نماز مستحبی بخوانید.(بر اساس حدیثی از امام سجاد علیه  
السلام )

### احترام به پدر و مادر مسیری که چه برکاتی عظیمی در توفیقات بزرگان داشته است :

داستانی از حضرت آیت الله خامنه ای

احسان به پدر و عنایت خدا



پدر مقام معظم رهبری یکی از ائمه جماعت مشهد بودند. ایشان به دلیل یک عارضه  
چشمی در معرض نابینایی قرار می گیرند و برای معالجه و درمان لازم بود به تهران منتقل  
شوند، در ضمن ایشان به یک پرستار نیاز داشتند، از طرفی این پدر و فرزندان علاقه  
وافری نسبت به همدیگر ابراز می کردند؛ همانند انس و علاقه ما بین حضرت یعقوب و یوسف. در این شرایط

مقام معظم رهبری مردد بودند که بمانند و درسشان را در قم ادامه بدهند یا اینکه از پیشرفت علمی خود صرف نظر کنند و پرستاری پدر را بر عهده گیرند. این شبهه برای ایشان پیش می آید که شاید خدمت به پدر واجب تر باشد. با یکی از دوستانشان (که اهل معرفت بود) مشورت می کنند. او می گوید: عقیده من این است که شما برای خدمت به پدر به مشهد بروید، خدا قم را به مشهد می آورد، یعنی آنچه خدا می خواهد در قم به شما بدهد در مشهد به شما می دهد. این حرف به دل ایشان می نشیند، از تحصیل در قم و آن شرایط ممتازی که در قم پیش آمده بود صرف نظر می کنند و با پدر به مشهد برمی گردند. ( نقل از آیت الله مصباح یزدی )

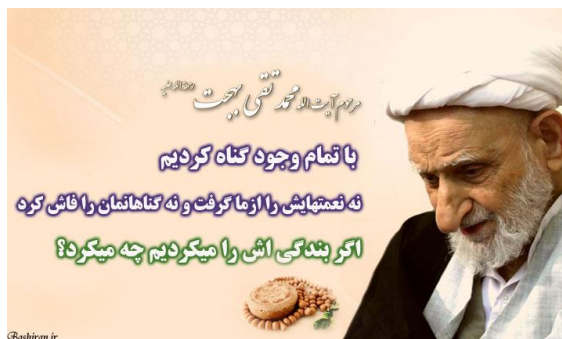
### نیکی به والدین، رمز موفقیت آیت الله العظمی مرعشی نجفی



آیت الله مرعشی نجفی، احترام خاصی برای والدین قائل بودند؛ خودشان می فرمودند «وقتی مادرم مرا می فرستاد تا پدرم را برای خوردن غذا صدا کنم، بعضی وقتها می دیدم پدر به خاطر خستگی، در حال مطالعه خوابش برده است. دلم نمی آمد ایشان را بیدار کنم، همان طور که پایش دراز بود، صورت خودم را به کف پای پدرم می مالیدم تا ایشان بیدار می شد. در این حال که بیدار می شد، برایم دعا می کرد و عاقبت بخیری می خواست، من خیلی از توفیقاتم را از دعای پدر و مادر دارم.

آیت الله بهجت:

شبی بسیار خسته بودم، در نیمه شب مادرم از خواب بیدار شد و لیوان آبی از من خواست. من با اینکه خسته بودم رفتم آب آوردم، وقتی برگشتم دیدم مادرم خوابش برده، بیدار ماندم و منتظر ماندم تا ایشان بیدار شدند، خودم لیوان آب را به او دادم. مادرم برای



من دعا کردند. من آن را بسیار تاثیر گذار می دانم.

حدیث قدسی حضرت حق: ((کیست که در اجابت خواسته‌هایش امیدوار من باشد و من امید او را قطع کنم.))<sup>۱</sup>

امام خامنه‌ای: ((خداوند متعال دل‌های ما را با اتکال به خود روشن کرده است؛ دل‌های ما را پر از امید کرده است. ما یک لحظه از کمک الهی مأیوس نشدیم، و امیدوارم تا آخر هم یک لحظه از این کمک مأیوس نشویم. همانطور که فرمود «لا تیاأسوا من روح‌الله»؛ خدای متعال این ملت را، یک ملت با اراده، با شوق و امیدوار قرار داده است.<sup>۲</sup>)

((آنچه که مایه پیشرفت است، رسوخ ایمان و امید و اطمینان است. دشمن می‌خواهد این را متزلزل کند. مراقب باشید.<sup>۳</sup>)

امید باعث حرکت و طراوت است لذا یکی از سلاح‌های اصلی شیطان ایجاد وسوسه‌های ناامید کننده است. این وسوسه‌های ناامید کننده گاهی به شکل ناامیدی از انقلاب و شرایط جامعه است و گاهی به شکل ناامیدی از کارایی خود شخص است. انسان باید به خطورات ناامید کننده شیطان بی اعتنا بوده و با توکل و اعتماد به خدا در راه او حرکت کند. البته ذهن انسان به خوراک ذهنی نیاز دارد و گرنه بی اعتنا نمی ماند و به این خطورات شیطانی توجه می کند. برای بی اعتنایی به خطورات شیطانی، داشتن نظم و هدف و برنامه ضروری است. "هر وقتی که خالی بماند توسط شیطان {با خطورات} پر می شود". کسی که امید و توکل دارد سخت کوش می گردد و توقف ناپذیر. ممکن است زمین بخورد. بالاخره راه رفتن، زمین خوردن هم دارد ولی زمین نمی ماند و منازل توفیق را طی می کند.

■ فاذا فرغت فانصب : (تعبیر آن، وقتی این کار را تمام کردی ، کمی استراحت کن، تفریح کن، به سوی خدا روی آور و تشکر و توکل ( و الی ربک فارغب )، به دیگری مشغول شو.

■ اگر زیاد استراحت کنی ، یکپهو خوشی بهت مزه می‌کنه و دیگه سختی دوباره شروع کنی ها، مواظب باش !.

<sup>۱</sup> سرالاسراج، ۱، ص ۶۳

<sup>۲</sup> ۲۶/۰۴/۱۳۸۷

<sup>۳</sup> ۱۰/۰۴/۱۳۷۸

مقام معظم رهبری : (فاذا فرغت فانصب ) تلاشگری (بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه‌ی شمال کشور و خانواده‌های آنان )



در راه رسیدن به آرمان‌ها توقف وجود ندارد

هر کسی که در بنای ایران جدید که زیر پرچم اسلام، این کشور دارد حرکت میکند و به

آرمانها نزدیک میشود، سهمی دارد، وجودش ارزشمند است. هر کسی این سهمش مؤثرتر است، یا همراه با خطرهای بیشتر است، یا جزو پیشروان قافله است، سهمش از این افتخارات و این سرافرازیها از دیگران بیشتر است. هیچ وقت هم نباید خسته بشویم. شنفیتد آیه‌ی قرآن را «فاذا فرغت فانصب»؛ وقتی از کار فراغت پیدا کردی، یعنی کارت تمام شد، تازه قامت راست کن، یعنی شروع کن به کار بعدی؛ توقف وجود ندارد. «فاذا فرغت فانصب. و الی ربک فارغب»؛ (۱) با هر حرکت خوبی که به سمت آرمانهای پذیرفته شده و اعلام شده‌ی اسلام حرکت کنید، این، رغبت الی الله است. البته معنویت، ارتباط دلی با خدا، نقش اساسی‌ای دارد. این را

باید همه بدانند. ۲۸/۰۶/۱۳۹۱



آیت الله موحدی کرمانی ( عضو مجلس خبرگان رهبری و...)

➡ یک مسئول واقعا باید روح امیدواری را در جامعه تزریق کند. خوب شرایط کشور را همه

می دانیم . اوضاع فرهنگی و اقتصادی را می دانیم. نمی تواند کسی بگوید این وضع ،وضع ایده آلی است . خوب ممکن است بعضی این وضع را ببینند و حالت یاس و ناامیدی پیدا کنند. اما باید بدانیم مقام معظم رهبری به شدت با این شرایط ناامیدی مبارزه می کنند. ایشان خیلی امیدوارند و این امیدواری را به جامعه تزریق میکنند.

— \* مدیریت قوی ، پرنشاط و فعال

هرچند ایشان سنّشان بالا است ؛ اما روحیه شان جوان است و این بسیار مهم است ؛ یعنی ایشان بسیار پرنشاط و فعالند. واقعا زیاد کار می کنند. گاهیما نگران می شویم و می ترسیم که به ایشان آسیب برسد. ما واقعا تعجب می کنیم که آدمی با این سن این قدر کار ممیکنند و این حقیقتا باید تاییدات الهی همراهش باشد. همین فعال بودن برای نوجوان و جوان جاذبه دارد.

آقا نمی گذارند کاری روی زمین بماند و یک کاری مغفول باشد . به هر کس کاری می سپارند و از او پیگیری می کنند و لازم باشد تذکر هم میدهند.

### هر روز گام تازه ای

( کتاب رمز موفقیت ، نویسنده ی مسعود مکارم ص ۱۰۷ تا ۱۱۰ ):

حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی :



عزیزان بارز ترین نشانه ی یک موجود زنده ، رشد و نمو است . هر زمان نمو متوقف شود زمان مرگ نزدیک شده است. و هنگامی که موجود زنده در سراسیمی انحطاط قرار گیرد مرگ تدریجی او آغاز گشته ، و این قانون بر زندگی مادی و معنوی یک انسان و یک جامعه حاکم است .

با استفاده از این نکته باید گفت : اگر هر روز گامی به جلو نگذاریم و از نظر ایمان و تقوا و اخلاق و ادب و پاکی و درستکاری رشد و تکاملی پیدا نکنیم و هر سال دریغ از پارسال بگوییم ، گرفتار خسارتی عظیم شده ایم و راه را گم کرده ایم و به بیراهه رفته ایم و باید جدا احساس خطر کنیم.

پیشوای بزرگ ما امیر مومنان علیه السلام زیباترین سخن را در این زمینه بیان کرده و در روایت معروفش می فرماید :

«من استوی یوماه فهو مغبون ؛ هر کس دو روز از عمرش یکسان باشد گرفتار غبن شده (چرا که سرمایه ی عمر را از کف داده و تجارتی ننموده و جز حسرت و اندوه متاعی نخریده است!.)»

«و من کان فی نقص فالموت خیر له »

اگر عارفان بالله و سالکان طریق الی الله برای هر روز سالک ، مشارطه رادر صبحگاهان ، و مراقبه را در تمام روز و محاسبه و سپس معاقبه را شامگاهان لازم می شمردند به خاطر همیناست که راهروان ره حق غافلگیر نشوند و اگر عیب و نقصی در کار آنها افتاده است ، به جبران برخیزند و از این طریق هر روز افق تازه ای از انوار الهیه را به روی بگشایند .

\*خاطره ای از شهید صیاد شیرازی :

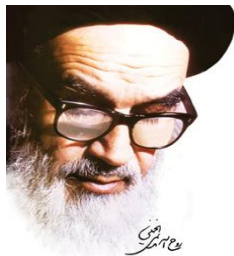
مثل بقیه کارمند ها نمی آمد ستاد کل؛ که هفت و نیم یا هشت صبح کارت ورود بزند و چهار بعد از ظهر ، کارت خروج. زود می آمد و دیر می رفت .خیلی دیر. می گفت: ما توی کشور بقیه الله هستیم خادم این ملتیم . مردم ما رو به اینجا رسوندن ؛ مردم. باید براشون کار کنیم.



#### ۴-۲- اطلاع از مواضع و بیانات ولی فقیه

سرباز جنگ نرم باید با فرمانده کل قوا هماهنگ باشد و رهنمودهای او را بداند و گرنه ممکن است اسیر دشمن شود. فلذا یک فعال فرهنگی باید به صورت پیوسته بیانات ولی فقیه را دنبال کرده و خود را با آنها تنظیم کند. فعال فرهنگی حتما باید زمانی را در برنامه شخصی اش برای بررسی و تحلیل بیانات رهبری اختصاص دهد.

#### ۴-۳- نظم



#### ► انضباط حتی در کارهای شخصی

بیانات در جمع اساتید و هیات علمی دانشگاه امام حسین  
علیه السلام



► من در دعاهایم راجع به انضباط اجتماعی از خدای متعال درخواست میکنم. امام عزیز ما که انسانی نمونه بودند. منضبطترین آدمها به شمار می آمدند و حتی انضباط را در عمل شخصی خود رعایت می کردند. آقا زاده ی ایشان - خدا رحمتش کند- ساعت را نگاه می کرد و می گفت : آقا! ساعت - مثلا- یک ربع به دو است ، ناهار نمی خورید ؟ مشخص بود که وقت ناهار یک ربع به دو است. این طرف و آن طرف نمی شد. این دقت در همه ی امور و مسایل زندگی ایشان بود. انضباط بسیار مهم است . (۱۳۷۴/۸/۱۷)



➤ حضرت علی (علیه السلام) در ضمن وصیت نامه ای خطاب به امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) می فرماید: شما وهمه فرزندانم و هر کس که نامه ام به او رسد را به ترس از خدا و نظم در کارها سفارش می کنم.

➤ **أَوْصِيكُمْمَا وَ جَمِيعَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي ، بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ ( نهج البلاغه نامه ۴۷ )**

➤ حضرت علی علیه السلام : علم با راحتی بدن بدست نمی آید. راحتی یعنی چی ؟ یعنی هر موقع هر کاری دوست داری ، راحت باش انجام بده هر وقت خواستی بخواب ، هر وقت خواستی بخور و بسیاری از دستورات اسلام منافی با این است .

➤ امام کاظم علیه السلام : به راستی خداوند متعال ، بدون شک بنده ی پر خواب و بیکار را دشمن می دارد. (صدوق ، ص ۱۶۹)

➤ امام صادق علیه السلام : به راستی خدا دشمن دارد پر خوابی و کم کاری را و نیز فرمود : پر خوابیدن دین و دنیا را بر باد می دهد و از میان بر میدارد. محمد باقر مجلسی ، ج ۷۳، ص ۱۸۰

➤ حضرت عیسی علیه السلام : ای بنی اسرائیل! پر خوری نکنید؛ زیرا پر خوری باعث پر خوابی می شود و هر کس پر خواب باشد ، کم نماز می خواند و هر که کم نماز بخواند ، از غافلان به شمار می رود.

➤ مجموعه ی ورام ، آداب و اخلاق در اسلام ، ص ۱۰۴

"انسان بی نظم به هیچ جا نمی رسد" نه از نظر معنوی و نه از نظر علمی و وظایف سیاسی و... چون مثل پر کاهی می شود که با هر بادی به سمتی می رود و سر از بیراهه ها در می آورد. اساسا بی نظمی و تابع هوس بودن یعنی شرک (افرایت من اتخذ الهه هواه؟ آیا دیده ای کسی که هوای نفسش را می پرستد؟) طبعا با چنین شرکی نمی توان کار جمعی صحیح را انجام داد. نظم از ارکان اصلی رشد معنوی است مخصوصا در روش سلوکی حضرت امام و حضرت علامه طباطبایی. چرا که در این روش، کنترل خطورات شیطانی و مدیریت ذهن با نظم و برنامه صورت می گیرد.

**چگونگی برنامه ریزی و نظم:**

(۱) "برنامه ریزی باید دارای سه قسمت بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت باشد."

(۲) مهمتر از برنامه، نظم در عمل به آن است و نفس معمولاً از انجام برنامه سر باز می زند مثل اسب وحشی که سواری نمی دهد فلذا اول باید نفس را مطیع کرد و نظم را ملکه حاکم بر آن کرد "اگر دو-سه هفته برنامه با جدیت و مجاهده به نفس تحمیل شود بعد از آن، کنترل نفس راحت تر خواهد شد" نظم در روح ریشه دار می شود و منظم بودن راحت تر می گردد.

(۳) برنامه باید شامل همه مسایل دنیوی، کاری، سیاسی، تحصیلی، تفریح، ورزش، عبادت و... باشد و "در زمان انجام هرکاری همه تمرکز" فقط" بر همان کار باشد" یعنی وقت درس، غرق درس، به وقت ورزش متمرکز بر آن بود و همچنین سایر اعمال. حین انجام هر عمل باید به هر فکر غیر آن و (از جمله خطورات شیطان) بی اعتنا بود به این ترتیب اولاً مجالی برای خودنمایی خطورات شیطان باقی نمی ماند و ثانیاً انسان همه کارها را با تمرکز و تعمق انجام می دهد فلذا در همه ابعاد علمی و معنوی و اجتماعی و... موفق می شود. چون وقت مطالعه غرق مطالعه است و وقت عبادت غرق عبادت و زمان انجام تکلیف سیاسی غرق انجام دقیق آن می شود و در همه این ابعاد عمیق و ممتاز می گردد.

(۴) این غرق شدن و تمرکز بر کارها در حین انجام آنها، هیچ منافاتی با دائم الذکر بودن ندارد چون بالاترین ذکر، ذکر عملی است و این کارها همین که "به امر مولا و برای مولا" انجام می شود همگی مصداق ذکر عملی هستند و وقتی این نیت در آغاز و انتهای آنها هست تمرکز و توجه به آنها عین توجه به خدا و اهل بیت است. این تمرکز انسان را از شر خطورات شیطانی راحت می کند و در عرصه های مختلف، موفق می کند. در واقع انسان در عین پرداختن به همه کثرات، سیر خود را به سمت وحدت انجام دهد و با نظم و جهت دادن به همین مسایل روزمره و عادی به مراتب توحیدی می رسد. چون سلوک معنوی در روش حضرت امام و علامه و.. جدا از زندگی عادی و اجتماعی نیست بلکه نظم و معنا دادن به همین مسایل روزمره زندگی است.

نکته: شیطان برای مومنین از درهای به ظاهر مقدس وارد میشود "مثلاً درس خواندن برای خدا ذکر عملی خداست و شیطان این را نمی خواهد لذا وسط مطالعه و درس، انسان را به افکار مقدس مثلاً یاد امام زمان علیه السلام می اندازد تا از وظیفه عملی در قبال امام زمان باز بماند" به این ترتیب کم کم انسان تمرکزش

در انجام وظیفه کم می شود و دچار سستی در انجام برنامه شده و اوقات خالی پیدا می کند و این اوقات خالی جولانگاه شیطان و غفلت می شود. بعلاوه اینکه انسان در انجام وظایف مختلف اجتماعی و تحصیلی و... هم دچار مشکل می شود.

۴) در واقع نظم و برنامه ریزی همان "مراقبه" است که اساس تهذیب نفس است و همیشه مراقبه به "محاسبه" نیاز دارد برای تصحیح و تکمیل نظم و برنامه ها لازم است که انسان حداقل یکبار در شبانه روز به شکل کتبی برنامه اش را بررسی کند و ببیند که چه میزان در انجام آن موفق بوده و چقدر کوتاهی کرده. شکر توفیقات را بجا آورد و بابت تقصیر و قصورها استغفار کند و سعی کند در روز بعدی قصورات و نواقص را تصحیح و تکمیل کند به این ترتیب هر روز نظم و مراقبه بهتری خواهد داشت تا جایی که به نظم فوق العاده امثال حضرت امام و حضرت علامه برسد. در واقع هرچه محاسبه دقیق تر شود نظم بهتر می شود و هرچه نظم بهتر شود حالت حضور در پیشگاه خدا و به دنبال آن فتوحات معنوی مدنظر اهل بیت بیشتر می گردد.



۱) «تنظیم ساعتها با عبور امام :

نقل شده است که وقتی امام در قم بودند، مغازه داران آن شهر ساعت‌های خویش را برمبنای عبور امام تنظیم می کردند، مثلاً اگر امام رأس ساعت ۵ از مقابل مغازه ای عبور می کردند هر روز عبور ایشان رأس همین ساعت انجام می گرفت. یکی از محافظین، برداشتهایی از سیره امام خمینی، ج ۲، ص ۱۴.



■ آقای قرائتی :

■ یک روز با شهید مطهری قرار داشتیم . قرار بود ساعت هفت دم درب  
■ خونه ی ایشون باشم . من ساعت ششرفتم دم خونه شون . گفتم حالا که  
■ زودتر اومدم خوب برم کارم رو انجام بدم. در زدم شهید مطهری در رو نیمه

باز کرد و گفت : قرار ما ساعت هفت بود و در رو بست. من خیلی ناراحت شدم و

گفتم حالا چه عیبی دارد که من زود تر اومدم. بعد با خودم فکر کردم دیدم اگر ایشون اینقدر منظم نبود شهید مطهری نمی شد قرائتی می شد و صبر کردم تا ساعت هفت شود.

یکی از شاگردان آیت الله جوادی آملی :



- یک وقتی من قبل از نماز خدمت ایشان رسیدم و گفتم آقا عرضی داشتم ،
- ایشان فرمود من امروز سهمیه ی قرآنم را نخوانده ام اگر ضروری نیست
- بگذارید بعد از نماز. ایشان اینقدر مقید بود با اینکه تفسیر قرآن می گفت
- ولی سهمیه قرآن روزانه داشتند و با نظم انجام میدادند.
- ( حجت الاسلام نیری نماینده ی ولی فقیه در دانشگاه شیراز )

#### ۴-۴- نشاط جسمی

*امام خامنه ای: ((به نظر من دانشجوی موفق کسی است که خوب درس بخواند؛ خوب تهذیب اخلاق کند و خوب به ورزش بپردازد.))*

شاید بتوان گفت برآیند تحصیل ، تهذیب نفس و ورزش کلمه ای است به نام نشاط. واژه ای که امروز در بین دانشجویان متدین بعضا مهجور واقع شده است. نشاط تحصیلی در میان دانشجویان بسیار کمیاب شده است و متأسفانه فضای خمودگی و سستی، مطالعه های شب امتحانی و اتلاف عمر و ... بر دانشگاه سنگینی می کند. اگر جسم ناسالم باشد، صاحب آن به پیشرفت علمی و معنوی نخواهد رسید. آدمی آن گاه تعادل فکری دارد که از جسمی سالم بهره مند باشد. پس در کنار مسئولیت تعالی روح، مسئولیت نگه داری از جسم نیز مهم است و در اسلام، کوتاهی در رسیدگی به جسم نکوهش شده است.

عارف واصل، آیت الله قاضی برای تبیین این مطلب، داستان سفرشان از تبریز به نجف را بیان کردند که: (در آن سفر یک قافله داری داشتند که هر جا در راه منزل می کردند اول سراغ الاغ ها و اسب ها می رفت و به آن ها رسیدگی می کرد. مردم می گفتند این به جای اینکه به ما برسد اول به الاغ هایش می رسد، ولی همین باعث شد که قافله ما دو سه روز زودتر از قافله های دیگر به نجف برسد. چون وقتی به حیوانات رسیدگی می کرد موقع حرکت حیوانات سر حال بودند و خوب حرکت می کردند ولی متصدیان قافله های

دیگر مشغول خودشان می شدند و به اسب ها نمی رسیدند. این بدن ما هم استر(مرکب) ماست). "کسالت جسم، به روح هم سرایت می کند و آن را کسل می کند." به همین خاطر است که یک رهرو راه خدا "حق ندارد در رسیدگی به جسمش کوتاهی کند." برای تأمین نشاط جسم رعایت چند نکته لازم است:

### (۱) ورزش و تفریح

ورزش مورد غفلت اکثر دانشجویان و برنامه ریزان واقع شده است که ورزش از بهترین اسباب تأمین کننده اهداف تحصیلی و معنوی است. ورزش برای رشد و بالندگی، ایجاد توانائی، گسترش مهارت در زندگی، ایجاد هماهنگی بین قوای جسمانی و روانی، دست یابی به استقامت بدنی، شهامت و آمادگی بهتر برای رویارویی با شدائد و سختی های زندگی و ... نیاز است و لازمه یک زندگی مطلوب و توأم با نشاط و تندرستی است. ورزش در تربیت اخلاقی از چند جهت مهم است:

- (۱) نشاطی که در اثر ورزش پدید می آید، زمینه ساز سلامت روحی و شکوفایی فضایل اخلاقی است. چون "جسم مرکب روح است" و هرچه این مرکب قوی تر باشد بهتر روح را حمل می کند.
- (۲) از جهت مهار ذهن از توجه به امیال و شهوات است. به همین خاطر است که غالباً دانشجویانی که اهل ورزش می شوند، در ترک گناه قوی تر و راحت تر می گردند.
- (۳) ورزش در تخلیه هیجانات جوانان هم نقش اساسی ایفا می کند. هیجاناتی که اگر صرف ورزش نشوند، ممکن باعث طغیان و گناه شوند. خوب است که "ورزش هایی انجام شود که با هیجان و هیاهو همراه شود تا هیجانات را تخلیه کند."

علاوه بر ورزش، تفریح هم برای روحیه و نشاط جسم و روح انسان لازم است به فرموده حضرت آیت الله العظمی بهجت: (تفریح به طور عمومی مستحب و برای بعضی ها که در معرض افسردگی باشند واجب است) بعضی از مصادیق ورزش، تفریح هم هستند مثل کوهنوردی که برنامه هفتگی و مستمر مقام معظم رهبری است.

تفریح:



امام رضا علیه السلام : (کتاب سبک زندگی در نگاه امام رضا علیه السلام که حرم مطهر در اختیار زائران قرار می دهد).

امام رضا علیه السلام : از لذایذ دنیوی نصیبتی برای کامیابی خویش قرار دهید و تمنیات دل از راه های مشروع برآورید. تفریح و سرگرمی های لذت بخش ، شما را در اداره ی زندگی یاری میکند و با کمک آن ، بهتر به امور دنیای خویش موفق خواهید بود. (فقه الرضا علیه السلام ص ۳۳۷ )

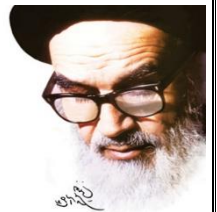
: (کتاب رمز موفقیت ، نویسنده ی مسعود مکارم ص ۱۰۷ تا ۱۱۰)



آیت الله ناصر مکارم شیرازی : همانطور که در هر حدیث شریف دارد: برای تجدید قوا ، استراحت و تفریح هم داشته باشد و آن را به عنوان یک مقدمه جواب میتوان دنبال میکرد. طبیبی در شیراز به من گفت : « شما اگر می توانید کار زیادی را در روز انجام بدهید من مانع نمی شوم ، ولی در هفته یک روز را از تمام کارهای فکری خالی کنید و آن یک روز مطلقاً از کارهای روزمره دور باشید و استراحت کنید.

من سعی میکنم به گفته ی این طبیب عمل کنم و به همین دلیل معمولاً جمعه ها ملاقاتی نمی گذارم و سعی می کنم در مواقعی که هوا مساعد است حتی در شهر نباشم و چون صدای تلفن های پی در پی و پیشنهاد ملاقاتها ایجاد مشکل می کند. ولی در عین حال گاه مجبور میشوم بر خلاف این عقیده ، بعضی از کارهایی که در جمعه ها به من تحمیل میشود را بپذیرم و متأسفانه این برنامه ناقص می ماند.

موقع تفریح باید تفریح کنی :



امام وقتی می بینند من روزهای تعطیل مشغول هستم ، می گویند: «به جایی نمی رسد، چون باید به موقع تفریح، تفریح کنی» این مسأله را به پسر من جدی می گویند و این نقل قول از خود امام است چون در حضور من مکرر به پسر من می گفتند: «من نه یک ساعت تفریحم را گذاشتم برای درس و نه یک ساعت وقت درس را برای تفریح گذاشتم.» یعنی هر وقتی را برای چیز خاصی قرار می دادند و به پسر من هم این نصیحت را می کنند که تفریح داشته باش ، اگر نداشته باشی نمی توانی خودت را برای

تحصیل آماده کنی.

زهرا مصطفوی ، برداشتهایی از سیره ی امام خمینی ، ج ۲، ص ۳۱



➤ سردار مصطفی متولیان ، مسئولیت حفاظت از رهبری : (سال ۷۰ تا ۷۵)

آن وقت هایی که سلامتی و جسمشان اجازه می داد ، ایشان مقید بودند که هفته ای دو یا سه روز کوهنوردی کنند و سبک کوهپیمایی ایشان روی حساب و اصول بود. ابتدا بسیار آرام و با تانی راه می رفتند به طوری که ما همراهان می ایستادیم تا ایشان یک مسافتی را بروند. سپس کم کم سرعت خود را زیاد می کردند . طوری که ما در انتها دنبال آقا می دویدیم.

- آقا در مورد ورزش برای جوانان و پیران تعبیر خوبی داشتند و می فرمودند: ورزش برای جوانان لازم و برای پیران واجب است.



➤ ورزش ( کتاب رمز موفقیت نویسنده مسعود مکارم )

➤ آیت الله ناصر مکارم شیرازی : من به مسئله ی حرکت جسمانی و پیاده روی سخت پایبندم ، صبح ها حتما باید با حرکات مخصوص بدنی ، نرمش هایی انجام بدهم.

➤ درباره ی فواید پیاده روی مطالب بسیاری دیده ام و لذا مقیدم همه روز به یک جای

خلوت و بی سر و صدا بروم و پیاده روی بکنم و این کار جز زندگی من شده که اگر انجام ندهم بیمار میشوم. اینکار کمک زیادی به من میکند یش از هشتاد سال دارم (آینده با خداست نمی دانم ) ناراحتی جسمانی خاصی در خودم احساس نمی کنم ، گاهی فکر می کنم مثل سن چهل سالگی کارهایم را ادامه و برنامه هایم را در زمینه مطالعه و نوشتن و امثال اینها ادامه می دهم.

➤ (۲) خواب با برنامه و به اندازه

➤ حضرت علی علیه السلام : علم با راحتی بدن بدست نمی آید. راحتی یعنی چی ؟ یعنی هر موقع هر

کاری دوست داری ، راحت باش انجام بده هر وقت خواستی بخواب ، هر وقت خواستی بخور و بسیاری از دستورات اسلام منافی با این است . امام کاظم علیه السلام : به راستی خداوند متعال ، بدون شک بنده ی

پرخواب و بیکار را دشمن می دارد. (صدوق ، ص ۱۶۹)

■ امام صادق علیه السلام : به راستی خدا دشمن دارد پر خوابی و کم کاری را و نیز فرمود : پر خوابیدن دین و دنیا را بر باد می دهد و از میان بر میدارد. محمد باقر مجلسی ، ج ۷۳، ص ۱۸۰

■ حضرت عیسی علیه السلام : ای بنی اسرائیل! پر خوری نکنید؛ زیرا پر خوری باعث پر خوابی می شود و هر کس پر خواب باشد ، کم نماز می خواند و هر که کم نماز بخواند ، از غافلان به شمار می رود.

■ مجموعه ی ورام ، آداب و اخلاق در اسلام ، ص ۱۰۴

علامه طباطبایی به رهروان راه خدا سفارش می کردند که بین شش تا هشت ساعت را بخوابند. البته "بہتر است همه خواب، یکجا نباشد و در چند نوبت انجام شود." خواب هم بر عبادت اثر متقابلی دارد. مثلاً "خواب مختصر بعد از ظهر، به سحرخیزی کمک می کند." همچنین "اگر خواب شب، دیروقت نباشد، انسان قبل از خواب محاسبه نفس داشته باشد، پر خوری نکرده باشد و با وضو و یاد خدا به خواب برود، فرشتگان هم کمکش می کنند و راحت تر برای نماز شب بیدار می شود." اگر برنامه خواب به موقع و با برنامه نباشد، سحرخیزی و مراقبه و... هم درست انجام نمی گردد. عارف الهی، سید هاشم حداد در مورد استادش آیت الله قاضی نقل می کند که: (( مرحوم آقا خودش این طور بود و به ما هم این طور دستور داده بود که در میان شب وقتی برای نماز شب برمی خیزید، چیز مختصری تناول کنید، مثلاً چای یا دوغ یا یک خوشه انگور یا چیز مختصر دیگری که بدن شما از کسالت بیرون آید و نشاط برای عبادت داشته باشید.))



■ ( کتاب رمز موفقیت ، نویسنده ی مسعود مکارم ص ۱۰۷ تا ۱۱۰ )

■ آیت الله مکارم شیرازی : من معتقدم که نه تنها کارهای درسی و بحث و تحقیق بلکه حتی خوردن و خوابیدن و بیدار شدن و همه اینها باید مطابق با نظم باشد و این نظم سبب می شود باعث می شود که ما از وقتمان بهترین بهره را ببریم. اگر نظم

نباشد نمی توانیم کارهای مهمی را انجام دهیم . تالیفات مهم نیز بدون برنامه ریزی غیر ممکن است .

■ استراحت و تفریح : «( کتاب رمز موفقیت ، نویسنده ی مسعود مکارم )

■ آیت الله مکارم شیرازی : در مورد خواب و استراحت ، بر اثر کار زیاد طوری هستیم که بلافاصله بعد از آنکه به بستر می روم چند لحظه بعد خواب هستیم . گاهی یک آیت الکرسی را که معمولاً قبل از خواب میخوانم به زحمت تمام می کنم. علاقه ی زیادی به شعر و ادبیات دارم ، لذا یکی از تفریحات من برای



- رفع خستگی ، خواندن دیوان های شعرای بزرگ است. من معمولاً قبل از استراحت بخصوص بعد از ظهر باید کتابی را مطالعه کنم و از میان شعرای قدیم دیوان حافظ را مطالعه کردم.
- و از شعرای جدید دیوان شهریار را ، که هر دو کنار بستر من است . من مقداری از اینها را مطالعه می کنم و آرامش پیدا می کنم و استراحت می کنم و می خوابم.
- سه دستور مهم برای سلامتی :
- سه موضوع مهم را به همه عزیزان سفارش می کنم :
- ۱- فعالیت جسمانی را برای خودشان از واجبات بدانند.
- ۲- اعتدال در غذا را فراموش نکنند. استقبال از غذاهای گیاهی را به عنوان بخش عمده ای از غذاهایشان مورد توجه قرار دهند ، خیال نکنند قوت و سلامت در غذاهای چرب و شیرین و حیوانی است. ممکن است انسان در اوایل کار از کم
- غذا خوردن ناراحت بشود ولی کم کم به آن عادت می کند و بیشتر از آن را نمی طلبند. بسیارند کسانی که وجودهای بابرکتی هستند ولی وقتی که صاحب مهارت های علمی شده ، و در میان مردم شناخته شدند و اسم و رسمی پیدا کردند از کار افتاده اند و از وجود آنها نمی توان بهره گرفت ، و این ضایعه ی بزرگی برای جهان اسلام است. بنابراین خوب است به عنوان مقدمه واجب در حفظ سلامتی خود بکوشیم و از هیچ کوشش و آموزشی در ار طریق مضایقه نکنیم.

### ۳) تغذیه مناسب

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که ((دلها و قلوب خود را با زیادی خوردنی و آشامیدنی نمیرانید. قلب همچون زراعت می ماند که اگر زیاد به آن آب داده شود فاسد شده و می میرد.)) تغذیه مناسب یعنی "خوب خوری(تغذیه مقوی) و نه پر خوری". "پر خوری عالم را به هم می ریزد." چون باعث برانگیختن شهوات نفسانی می شود. انسان باید به مقدار نیاز بدن غذا بخورد و از إفراط و تفریط بر حذر باشد. جسم نباید آنچنان از غذا سنگین شود که از انجام وظیفه عبودیت بماند و نه آنچنان گرسنه بماند که ضعف بر او چیره شده و قدرت بر حرکت نداشته باشد. در واقع هدف از غذا خوردن باید قوت گرفتن برای انجام وظیفه باشد و نه شهوت و لذت. به طور کلی معیار در میزان خوردن و خوابیدن و صحبت کردن و... "ضرورت" است.

انسان باید با فرمول "عمل به ضرورت" اعمال خود را هماهنگ کند و از عمل غیرضروری، بیهوده یا شهوانی دوری کند.



- تغذیه و تحرک کتاب رمز موفقیت از صفحه ی ۶۹ تا صفحه ی ۶۹
- آیت الله مکارم شیرازی: ما طبیبی داشتیم که پزشک خانوادگی ما بود . روزی
- به من گفت : بیست سال تجربه ی پزشکی خودم را می خواهم در دو جمله
- برای شما خلاصه کنم و آن این است که رمز سلامت انسان در این است :
- کم خوردن و فعالیت جسمانی . من توصیه او را قبول کردن و از اوایل زندگی
- به کتاب هایی که تغذیه سالم و فعالیت های ورزشی و جسمانی را شرح می داد

علاقه داشتم. بسیاری از این کسالت ها و ناراحتی ها از همین غذا های اضافی است که جذب بدن انسان نمی شود . هم چنین از مطالعه کتاب ها فهمیدم باید غذاهای خام گیاهی و میوه و سبزیجات را قسمت مهمی از تغذیه قرار بدهم و زیاد به سراغ غذاهای حیوانی و چرب نرم و همین به من آرامش میداد. به اندازه ای غذا می خورم اگر دفعتا مهمانی از راه برسد و سفره ای دوباره پهن شود و مصلحت بر این باشد که با او هم غذا شوم هیچ مشکلی ندارم و ظرفیت تناول غذای دوباره را دارم.

#### ۴-۵- طی کردن مدارج تحصیلی

۱) امام صادق علیه السلام فرمودند که ((معاشر الشیعۀ کونوا لنا زینا و لاتکونوا علینا شینا. ای گروه شیعیان! همواره زینت ما باشید و مایه ننگ ما نگردید.)) در عصر پیشرفت علم و دانش، قطعا یکی از مهمترین عزت های اجتماعی که باید شیعیان به آن آراسته باشند، مدارج تحصیلی و پیشرفت علمی است. و اگر در این زمینه کوتاهی کنند باعث می شوند که توهم منافات داشتن دینداری با علم در توده مردم ایجاد شود و ارزش های الهی در نظر عوام، مخدوش شود و این ذهنیت باعث عدم اقبال ایشان به دین و در نتیجه دین گریزی جامعه گردد. در واقع کوتاهی در انجام وظیفه تحصیلی، در گمراهی مردم نقش ایفا خواهد کرد. امروز یکی از مهم ترین عرصه هایی که نیاز به شیعیان ممتاز برای اعتلای فرهنگ اهل بیت دارد، عرصه علم و دانش است.

از طرفی امام خمینی(ره) فرمودند که نگذارید این انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. حال "اگر کسی بتواند مراحل تحصیلی لازم را طی کند تا در زمره مسوولین خدمتگذار انقلاب باشد ولی کوتاهی کند و اشخاص ناصالحی، آن مسوولیت ها را اشغال کنند، قطعاً این شخص مواخذه خواهد شد و گرفتار خواهد بود." چون فرصتی را که برای خدمت داشت به اشخاص ناصالح تقدیم کرده تا برای خیانت از آن استفاده کنند. پس لازم است که "رفقای دانشجو باید از نظر مدارج و مدارک تحصیلی و نیز از نظر معنوی خود را برای خدمت کردن به انقلاب در حد یک رییس جمهور آماده کنند و در بالاترین مرتبه ممکن فدای انقلاب شوند. همچنین طلبه ها هدف بلندمدت داشته باشند که مجتهد شوند و در حد یک نماینده مجلس خبرگان به انقلاب خدمت کنند." و اگر چنین نکنند و مسوولیت های انقلاب به دست ناهلان بیفتد، خون شهدا به هدر خواهد رفت و ارزش هایی که جان عزیز ایشان فدای آن شده پایمال خواهد گشت پس:: "کوتاهی در انجام وظایف درسی و اجتماعی و... خیانت به خون شهداست." و "مایه تاسف است که دانشجوی مومن بگوید از تحصیل خسته شده ام یا حاضر نباشد که کمی از خواب و استراحتش کم کند و برای رضایت امام زمان علیه السلام، صرف تحصیل کند." این تلاش علمی و اجتماعی نه تنها هیچ منافاتی با سلوک ندارد، بلکه جز اصلی آن و عین آن است. "سیر وسلوک {حقیقی} چیزی نیست جز جهت و معنادادن به همه فعالیت های سیاسی، اجتماعی و تحصیلی و..."

#### ۴-۶- تهذیب

امام خمینی(قدس سره): هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است. چنانچه خود انسان تربیت نشود نمی تواند دیگران را تربیت کند. و شما دیدید که در این طول سلطنتها... چون کارها دست اشخاصی بود که تربیت اسلامی نداشتند و خودشان درست نشده بودند، برای خاطر همین نقیصه بزرگ، کشور ما را کشاندند به آنجایی که ملاحظه می کنید و ملت ما را هم کشاندند به آنجایی که سالها باید طول بکشد تا اینکه انشاءالله، اصلاح بشود!)).

جان و قلب نیروی فرهنگی مثل طرفی است که قرار است از آب زلال انقلاب و اسلام سرشار شود و این آب را به کام تشنگان برساند. ظرفی که آلوده به کینه و رذایل و ظلمت باشد، این آب زلال را هم آلوده می کند و

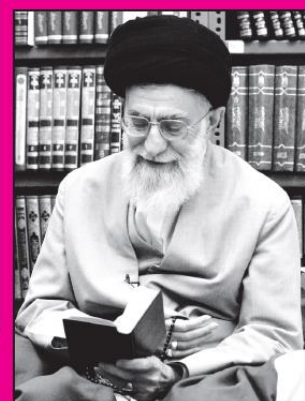
معجونی زهراگین به مخاطب می دهد که ممکن است به قیمت مردن روح مخاطب بی نوا تمام شود. یک مجاهد فرهنگی به خاطر جامعه هم که شده خیلی از خودش مراقبت می کند و محاسبه می نماید که نکند ناخالصی در وجودش باشد که کارش را تحت تاثیر قرار دهد. اگر وجود او معطر به عطر حقیقت توحیدی انقلاب شود ناخودآگاه در همه حرکات و سکناتش این عطر را پخش می کند. حتی خوردن و خوابیدن و کارهای معمول او هم روی اطرافش اثر فرهنگی دارد و کار فرهنگی او پیوسته در حال انجام است. در جهت مقابل اگر وجود او آغشته به غبار غفلت و معصیت و کینه و نفاق باشد، اطرافیانش را هم از ظلمتش بی بهره نمی گذارد. هستی به هم پیوسته است و ارتباط ملکوتی خاصی بین همه افراد و اجسام و اعمال و نیات هست و دائما این اثرگذاری ادامه دارد. به فرموده علامه طباطبایی (قدس سره): (یک برگ درخت که روی زمین می افتد بر کل عالم اثر می گذارد چه برسد به یک گناه!). واقعا "یک گناه عالم را به هم می ریزد."

مقام معظم رهبری از سالها پیش یک روایت را قاب کرده اند و در اتاق قرار داده اند تا همیشه جلو چشمشان باشد. نوشته این قاب که به خط مرحوم آیت الله نجومی نوشته شده، این حدیث گهربار امام علی (ع) است که: ((مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلْيَكُنْ تَدْبِيهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَدْبِيهِ بِلِسَانِهِ وَ مَعْلَمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْجَلَالِ مِنَ مَعْلَمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ . کسی که خود را پیشوای مردم قرار داده، باید پیش از آموزش دیگران، خود را آموزش دهد و پیش از آن که دیگران را با زبان، ادب بیاموزد، با کردارش ادب آموزد و البته آموزش دهنده و ادب آموز خود بیش از آموزگار و ادب آموز مردم، شایسته تجلیل است. <sup>۱</sup>)). انتخاب، نصب در اتاق شخصی و مانوس بودن همیشگی مقام معظم رهبری با این حدیث شریف حاکی از عمق تهذیب، خودسازی، و پرداختن به خود در سیره امام عزیز امت است.

پایان این بحث را مزین می کنیم به بیان حضرت امام در باب ضرورت تهذیب برای یاران انقلاب: ((شما اگر بخواهید انقلاب اسلامی، انقلاب فرهنگی در ایران پیاده کنید باید این انقلاب اول از باطن خودتان باشد.))

**پیامبر اکرم :** کسی که کاری را بدون دانش و آگاهی انجام دهد فسادش بیشتر از صلاحش می باشد.

**مقام معظم رهبری :** اگر اهل مطالعه نیستید بهتر است مسئولیت هم نداشته باشید .



کلان پژوهش و پژوهش‌های علمی و فقهی در کتابخانه‌ها  
رابطه با کتاب چاره‌ای ندارد

**مقام معظم رهبری :** اگر انسان بخواهد در زمینه های معنوی و فرهنگی تر و تازه بماند جز رابطه با کتاب چاره ای ندارد . ( پیام های رهبری در تشویق به مطالعه ، کتاب " من و کتاب " پی دی اف این کتاب در اینترنت موجود می باشد [khatfarhangi.mihanblog.com](http://khatfarhangi.mihanblog.com) « بخش کتاب باید هلو

باشد.)

یک فعال فرهنگی حداقل در ۵ حوزه اصلی دینی باید مطالعه داشته باشد:

- (۱) مسائل اعتقادی: در این قسمت می تواند از کتب شهید مطهری و کتب اعتقادی آیت الله مصباح بهره بگیرد. تاکید مقام معظم رهبری بر آثار این دو عالم بزرگوار، نشانه مفید و لازم بودن این کتب است. اکثر کتب شهید مطهری در همین حوزه است. ضمناً سایت پرسمان نهاد مقام معظم رهبری هم حاوی سوال و جواب های مفیدی در این زمینه و زمینه های دیگر است.
- (۲) مسائل جامعه و روز: مطالعه پیوسته بیانات رهبری بعلاوه بعضی از فرازهای صحیفه نور امام خمینی و نیز اخبار و تحلیل های سیاسی مطمئن. پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد شهادت حجاج ایرانی و قطعنامه ۵۹۸ و نیز بیانات هر سال مقام معظم رهبری در سالگرد ارتحال امام خمینی جز منابع مهم و راهبردی برای تحلیل کلان انقلاب است. دانش سیاسی و تاریخی ( کتب روش تحلیل سیاسی ، کتب تاریخ صدر اسلام نظیر انشان ۲۵۰ ساله و کتاب های آقای رسول جعفریان و کتب تاریخ معاصر ، تحلیل کلان انقلاب اسلامی ، مقایسه انقلاب با انقلاب های دیگر ، جریان شناسی سیاسی معاصر )



بیانات در دیدار مسئولان فرهنگی ۱۳۷۳/۴/۲۲

متأسفانه اغلب جوانان ما ، اصلاً از انقلاب های دیگر خبر ندارند من گاهی از این بابت غصه می خورم .

بیانات رهبری در مورد تاریخ معاصر :

نمی دانم آیا جوانان ما ، تاریخچه این صد و پنجاه سال ، دویست سال را درست

خوانده اند ؟ من همه دغدغه ام این است جوان انقلابی امروز ، نداند ما بعد از چه دورانی ، امروز در ایران مشغول این حرکت عظیم هستیم . تاریخچه ی این صد و پنجاه ، دویست سال اخیر از دوران اواسط قاجار به این طرف ؛ از دوران جنگهای ایران و روس به این طرف را بخوانید و ببینید چه حوادثی بر این کشور گذشته است . ۱۳۷۱/۵/۲۱

۳) مسائل معرفتی و توحیدی: نهج البلاغه ، صحیفه ی سجادیه ، کتب معرفتی امام خمینی مثل چهل حدیث، شرح حدیث جنود عقل و جهل و... و نیز کتب آیت الله سعادت پرور مثل جلوه نور، فروغ شهادت و... بعضی از کتب علامه طباطبایی مثل رساله الولایه، کتب آیت الله میرزا جواد آملکی تبریزی و نیز بعضی از آثار علامه طهرانی

۴) مسائل احکام: رجوع به رساله مرجع تقلید

۵) مطالعات تخصصی برحسب وظیفه اش در جمع

### فصل پنجم

#### آفاتی که فعالیت فرهنگی را تهدید می کند

- ۵-۱- انحصار ..... ۸۰
- ۵-۲- اسراف ..... ۸۱
- ۵-۳- خودفراموشی ..... ۸۲
- ۵-۴- روزمرگی ..... ۸۲
- ۵-۵- بی نظمی ..... ۸۳
- ۵-۶- تنبلی ..... ۸۳
- ۵-۷- طغیان نفسانیت ..... ۸۳
- ۵-۸- عدم رعایت تقوا ..... ۸۴
- ۵-۹- داستان جالب موذن بدصدا ..... ۸۴
- ۵-۱۰- ناامیدی و ناراحتی ... ۸۵
- ۵-۱۱- رابطه ی درس و کار فرهنگی از نگاه مقام معظم رهبری ..... ۸۹
- ۵-۱۲- محاسبات بیش از اندازه ( شهید حسن باقری ) ..... ۹۰
- ۵-۱۳- عدم توجه به بیت المال ( داستانی از شهید مهدی باقری ) ..... ۹۰
- ۵-۱۴- وابسته کردن بیش از حد نیروها به خودمون ؛ درختی که بزرگ شده  
و میوه داده اگر میوه اش رو نچینی یا آبیاریش کنی میوه اش فاسد میشه شرک فرد پرستی ..... ۹۱
- ۵-۱۵- ایده فرهنگی از شیطان و نحوه ی صحیح تمرکز حواس از نگاه بزرگان ..... ۹۳
- ۵-۱۶- غرور و دستشویی شستن ظرف شستن راهبردی برای مقابله با آن در دفاع مقدس ..... ۹۴

### فهرست

## ۵-۱- انحصار

"هرجا که دیدید فعالیتی به نفع انقلاب و اسلام انجام می شود وظیفه حمایت و کمک به آن فعالیت را دارید."

هدف کار فرهنگی انقلابی، جنگیدن با نفسانیت درونی یا غربی و هدایت انسان به سمت ارزش های الهی انقلاب است. ولی متأسفانه گاهی مشاهده می شود که بعضی از نیروهای فرهنگی دچار نفسانیت فردی یا تشکیلاتی می شوند. نفسانیت تشکیلاتی از نفسانیت فردی خطرناک تر است چون می تواند باعث سقوط یک جمع شود. اختلاف سلیقه درچارچوب اصول اساسی انقلاب امری طبیعی و مفید برای کارهای فرهنگی است و نباید این تفاوت های طبیعی موجب جبهه گیری نیروهای ارزشی علیه یکدیگر شود. این اصطکاک ها بین بعضی از جمع های ارزشی گاهی حاصل نفسانیت است و گاهی حاصل عدم درک عمیق از جبهه انقلاب اسلامی. این جبهه هم میمنه دارد و هم میسرره، طلایه دارد و عقبه، تدارکات دارد و عملیات و... همه قسمت های مختلف سپاه لازم و مفیدند ولی قرار نیست که همه بی سیم چی باشند یا همه فرمانده شوند و... هرکس باید در جایگاهی که موظف است، فعالیت کند و به بقیه نیروها در سایر قسمت ها کمک کند.

امروزه متأسفانه به هردلیلی بعضا شاهد این روحیه انحصارگرایی هستیم فرض بفرمایید که کسی در زمینه طب سنتی یا فراماسونری یا... کار می کند همین زمینه کاری خودش را اولی و ارجح برای همه جا و همه کس دانسته و عملا کارهای بقیه گروه های فرهنگی را نفی می کند. با عباراتی نظیر کارهای بیخود و پوچ و... از کار بقیه یاد کرده و کارهای خود را برجسته می کند. بعضا مشاهده می گردد که این انحصار گرایی عامل تفرقه و کشمکش و هدررفتن نیروهای خودی می گردد. آن هم در شرایطی که از نظر زمان و نیرو در مضیقه هستیم. این انحصارگرایی ها و تفرقه ها معمولا ریشه در نفسانیت و انحصارگرایی دارد و به انقلاب و اسلام ضرر می رساند. اعاذنا الله من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا. البته اکثریت جامعه انقلابی ما متوجه این معنا بوده و هر جایی هر خدمتی که بتوانند به اسلام و انقلاب می کنند.



## ۵-۲- اسراف

امام خامنه ای: ((من هم به وجود تنگناها واقفم و نمی گویم نیست؛ وقتی که انسان میبیند که مشکل زیاد است، باید تلاشش را زیاد کند. وقتی میرسیم به جایی که سخت است و نمیشود آنجا را کند، باید ضربه را قویتر وارد کنیم و قوت را بیشتر کنیم تا خداوند هم کمک کند. باید طلبگی کار کنیم؛ باید فقیرانه کار کنیم. نه این که پول نخواهید، نه اینکه امکانات نخواهید، نه اینکه دنبالش نروید، چرا، بروید، اما اگر نشد؛ ره چنان رو که رهروان رفتند. یعنی با همان کمبود و فقر.<sup>۱</sup>)

در این مورد استاد طاهرزاده بیان زیبایی دارد:

((اسراف آن چنان آفت‌های بزرگی است که ممکن است ما را از ذات اسلام و انقلاب جدا کند و در حلقه شیاطین قرار دهد که قرآن در وصف آن می‌فرماید: «إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (إسراء/۲۷) مبذّرین یعنی کسانی که اهل ریخت و پاش هستند از برادران شیاطین می‌باشند و در فرهنگ شیطانی به سر می‌برند. رسول خدا خطاب به کسانی که آن‌ها را در مسیر انبیاء دیدند، فرمودند: «فَلَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ وَ لَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ»<sup>۲</sup> آن جایی را که در آن سکناهی حقیقی ندارید - از سر ثروت‌اندوزی - بنا نکنید و آن چه را مصرف نمی‌کنید جمع ننمائید.

باید معنای ساده‌زیستی در یک مجموعه فرهنگی روشن بشود تا گرفتار افراط و تفریط نگردیم. ممکن است ما جای بدهیم و اسراف محسوب شود و ممکن است ناهار بدهیم و اسراف محسوب نشود. اصل حرف آن است که اگر می‌خواهید در تاریخ آینده در ذیل شخصیت حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» حضور پیدا کنید نباید اسراف کنید. زیرا اگر سبک‌بار باشید و به هیچ کس منبع ثروت و قدرت بدهکار نگردید و باری بر روی دوشتان نباشد به راحتی تا نقطه‌های دور پرواز می‌کنید.

اگر جهت ادامه کار نیاز است در جلسات از افراد پذیرایی شود این اسراف نیست، اسراف آن جایی است که می‌توانید ساده‌زیستی پیشه کنید و ساده‌زیست نباشید و در نتیجه از اشراق لازم در این تاریخ محروم بمانید، این اشراق در ساده‌زیستی حاصل می‌شود نه در «اسراف» و نه در «بخل». اگر سلوک

<sup>۱</sup> چکیده کتاب دغدغه‌های فرهنگی مقام معظم رهبری / مرکز عصر ظهور / چاپ اول / ص ۴۸ | ۷۱/۵/۵

<sup>۲</sup> - بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۸۵.

امام «رضوان الله علیه» برایتان محور شد هرگز نمی توانند در شما نفوذ کنند و کار را به بیراهه بکشند، اگر ساده‌زیستی را بپذیرید حربه نفوذی‌ها از بین می‌رود، همان‌طور که با تقوا می‌توانید شیطان را دور کنید، اگر رویکرد نیروهای فرهنگی تقوا و ساده‌زیستی شود نفوذی‌ها طاقت این نوع سلوک را ندارند و حربه‌شان کارگر افتد.))

### ۵-۳- خودفراموشی

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ. آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید؟ آیا [هیچ] نمی‌اندیشید؟

عالم بی عمل، بیماری است که دائماً نسخه درمان را می‌خواند، ولی عمل نمی‌کند. کسی که خود را فراموش می‌کند چگونه می‌تواند دیگران را بیدار کند. کتاب خدا ندای "لم تقولون مالا تفعلون" سر می‌دهد و انداز به "کبر مقتا عند الله ان تقولون مالا تفعلون" می‌دهد. جان و قلب نیروی باید از آب معارف سرشار باشد و این آب را به کام تشنگان برساند. ظرفی که آلوده به کینه و رذایل و ظلمت باشد این آب زلال را هم آلوده می‌کند و معجونی زهراگین به مخاطب می‌دهد که ممکن است به قیمت مردن روح مخاطب تمام شود. یک مجاهد فرهنگی به خاطر جامعه هم که شده خیلی از خودش مراقبت می‌کند و محاسبه می‌نماید که نکند ناخالصی در وجودش باشد که کارش را تحت تاثیر قرار دهد. این مراقبت از خود جدا از خدمت به جامعه نیست بلکه لازم و ملزوم آن است.

### ۵-۴- روزمرگی

امام خامنه‌ای: ((اگر ما نگاه کلانی به مسائل کشور، به آینده‌ی کشور و چالش‌هایی که فراروی ملت و کشور قرار دارد، نداشته باشیم، نه تنها نمی‌توانیم وظایف آینده را ترسیم کنیم، بلکه در فعالیت‌های فعلی هم احتمال سردرگمی وجود خواهد داشت<sup>۱</sup>)).

"اگر ما نگاه کلان به انقلاب و حادثه‌ی پدید آمدن جمهوری اسلامی بکنیم، جزئی‌نگریها نمیتواند ما را گمراه کند. گاهی جزئی‌نگری و نگاه نکردن مسیر مستمر از ابتداء تا انتهاء، انسان را گمراه میکند؛ حتی گاهی آدم راه را گم میکند، هدف را گم میکند. نمی‌خواهیم بگوئیم جزئی‌نگر نباشیم؛ چرا، نگرش به جزئیات،

یعنی همان برنامه‌ریزی؛ این را ما منکر نیستیم. برنامه‌ریزی، نگاه به فصول مختلف و بخشهای مختلف، یعنی جزئینگری. می‌خواهیم بگوئیم این نگاه به بخشها و اجزاء و ابعاد موجب نشود که ما غافل بشویم از نگاه به کل. چون نگاه به کل برای ما درس‌آموز است.<sup>۱</sup>»

اگر فعالین فرهنگی به جای نگاه کلان و راهبردی به گفتمان انقلاب اسلامی، دچار روزمرگی در کارهای سطحی و فرهنگی نما شوند. نمی‌توانند نقش مفیدی در جبهه حق ایفا کنند. این نگاه کلان را باید با مطالعه و تفکر بیشتر کرد و همه فعالیت های فرهنگی باید جزئی از مسیری باشد که نگاه کلان به انقلاب جلوی پای ما می‌گذارد.

#### ۵-۵- بی نظمی

به تعبیر شهید بزرگوار حسن باقری آنچه که نیروهای یک مجموعه را خسته می‌کند کار و تلاش نیست؛ بلکه بی نظمی و بی برنامه‌گی است. بی نظمی باعث هدررفتن نیرو و استعداد مجموعه و عامل رخنه شیطان و ایجاد شکاف در جمع است.

#### ۵-۶- تنبلی

امام صادق - علیه‌السلام: «از دو ویژگی بپرهیز: گرفتگی و بی‌حالی و تنبلی؛ اگر گرفته و بی‌حال باشی، در راه حق، پایدار نیستی و اگر تنبل باشی، هیچ حقی را ادا نخواهی کرد.<sup>۲</sup>»

تنبلی و بی‌حالی با ذات جهادی و مبارزاتی تشیع و انقلاب نمی‌سازد و باعث هدر رفتن فرصت‌ها و خروج از جبهه حق می‌گردد. ایمان حقیقی مجاهده در پی دارد. ایمان ظاهری هم باعث ایجاد پیروزی نمی‌شود. به فرموده امام خامنه‌ای: ((خدا نصرتش را به آدم‌های تنبل و بی‌مجاهدت نمیدهد. خدا از انسان‌های بی‌کاره و تنبل و بیخیال و لابلالی حمایت نمیکند؛ ولو مؤمن باشند<sup>۳</sup>)). اینجاست که باید به انسان‌های تنبل گفت: ((یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا))

<sup>۱</sup> ۱۴/۰۲/۱۳۸۷

<sup>۲</sup> سرالاسراء، ترجمه ج ۲، ص: ۴۷

<sup>۳</sup> ۱۲/۰۲/۱۳۸۴

### ۵-۷- طغیان نفسانیت

غرق شدن در روزمرگی ها و فراموش شدن هدف باعث کم شدن تقوا و مراقبت از خود و جمع می گردد. به نحوی که گاهی نفسانیت فردی و تشکیلاتی طغیان کرده و عده ای به جای کار فرهنگی مثبت مشغول به سیر نفسانی می شوند! مثل این که به جای پرداختن به وظیفه و نیازهای جامعه به امور خوشایند نفس خویش مشغول شوند. مرحله خطرناک تر این است که چنین شخص یا جمع فرهنگی ممکن است گرفتار تسویل و تزیین شیطان شود و مصداق آنان که قرآن می فرماید "اخرین اعمالا" گردد. چون فکر می کنند کار خوبی می کنند ولی در حقیقت در لباس خوبی ها و مقدسات مشغول مبارزه با دین هستند. و این نوع مبارزه و نفاق از مبارزه کفار با دین خطرناک تر است.

### ۵-۸- عدم رعایت تقوا

بیان مقام معظم رهبری در مورد رعایت تقوای سیاسی و اجتماعی بسیار جالب است:

امام خامنه ای: ((امروز یک جریان صحیح و حقی در جامعه‌ی ما وجود دارد، جریانهای باطلی هم وجود دارد که به انواع و اقسام طرق میخواهند جامعه را خراب کنند، انقلاب را منحرف کنند؛ در این شکی نیست. آدمهائی هم در رأس این جریانات هستند. چه لزومی دارد که انسان به این آدمها تهمت بزند. چه لزومی دارد که غیبت اینها را بکند. حرف آشکار اینقدر دارند؛ همان حرفهای آشکار را بیان بکنند، تبیین بکنند، توضیح بدهند، مطلب روشن خواهد شد؛ هیچ نیازی به غیبت کردن نیست که آدم بگوید حالا ما برای اصلاح مثلاً غیبت می کنیم.))

### ۵-۹- داستان جالب موذن بدصدا

رهبر معظم انقلاب آیت الله امام خامنه ای می فرمایند : ((داستانی از مولوی نقل می کنم که داستانی سمبولیک و رمزی است و من هر وقت یادم می آید، از این داستان به خودم می لرزم و به خدا پناه می برم. مولوی نقل می کند و می گوید:

در شهری که هم مسلمان‌ها و مسیحی‌ها در آن زندگی می‌کردند مؤذن بدصدایی وارد محله مسلمان‌ها شد و چند وعده اذان گفت. او خیلی اذان را بد می‌گفت. یک روز مرد نصرانی از محله‌ای دیگر به محله مسلمان‌ها آمد و گفت: این مؤذن شما کجاست؟

گفتند: چکارش داری؟

گفت: می‌خواهم از او تشکر کنم که یک مشکل بزرگ را حل کرد.

راهنمایی‌اش کردند و او مؤذن را پیدا کرد؛ بنا به تشکر کردن از او نمود.

مؤذن گفت: چرا از من تشکر می‌کنی؟

مسیحی گفت: تو حقی بر گردن من داری که هیچ کسی چنین حقی به گردن من ندارد و جریان از این قرار است که : من دختر جوانی در خانه دارم . مدتی بود این دختر جوان محبت اسلام به دلش افتاده بود و تمایل به مسلمانی داشت. هرکار می‌کردیم به کلیسا بیاید نمی‌آمد و در مراسم ما شرکت نمی‌کرد و به عقاید ما بی‌اعتنایی می‌کرد. ما عاجز شده بودیم که چه بکنیم. خلاصه در کار این دختر درماندیم .دوسه روز پیش که تو اذان گفتی صدای تو را این دختر شنید و گفت: این چیست؟ این صدای کریه از کجاست؟ گفتیم: اذان مسلمان‌هاست. از آن لحظه ما راحت شدیم و به کلی محبت اسلام از دل این دختر رفت و اکنون هم برگشته است و دارد زندگی عادی خودش را می‌کند و به کلیسا می‌آید و مراسم را انجام می‌دهد و ما این را مدیون تو هستیم، زیرا تو بودی که دختر ما را به ما برگرداندی.

بارها من به خودم و به دوستانم گفته‌ام : ما آن مؤذن بد صدا نباشیم که عشق به اسلام را در دلها فرو بنشانیم و به استفهام عظیم که در دنیا برای معرفت اسلام به وجود آمده است با منکر و زشتی پاسخ بدهیم. این وظیفه ماست. چه کسی در دنیا چنین مسئولیتی دارد؟! (۱)

۵-۱۰- ناامیدی و ناراحتی :

- برای راه حل‌های مقابله با ناامیدی مراجعه کنید به بخش بایسته‌های فردی یک فعال فرهنگی مبحث امیدواری .

- اما ....

- ۱. در لحظات خالی شدن دست فرمانده ، در لحظات تنها شدن



\*

- شهید چمران: دوست دارم تنها ترین آدم ها باشم ، مظلوم ترین آدم ها باشم ، زیرا در این حالت به تو ای خدایم نزدیکترم.

- \*امام علی علیه السلام : دنیا دو روز روزی به نفع تو و روزی به علیه تو

- \*در روزی که به نفع توست مغرور نشو و در روزی که علیه توست

- صبور باش.

- \*چه باشد نازش و نالش ز اقبالی و ادباری

- که تا بر هم زنی دیده نه این بینی ، نه آن بینی

- \*اصلا خدا نمی ذاره تو بیش حد به دیگری وابسته بشی ، ازت می گیرش تا تو رو متوجه خودش کنه .

شهید چمران چون اینرو فهمیده از این که دیگران تنهانش می گذارند ناراحت نمی شه.

- در طریق عشق بازی امن و آسایش خطاست ریش باد آن دل که با درد تو خواهد مرهمی

- اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست رهروی باید جهان سوزی نه خامی بی غمی

یا

- عاشقان را گر در آتش می پسندد لطف دوست تنگ چشمم گر نظر در چشمه ی کوثر کنم

- دست از طلب ندارم تا کام من برآید یا تن رسد به جانان یا جان زتن برآید

اما ناامیدی و ناراحتی از کجا نشات می گیرد ؟

## عوامل نامیدی :

- ۱- کار رو بین اعضای گروه تقسیم نمی کنیم و همه ی کارها رو خودمون انجام می دیم و بعد بر اثر کار زیاد فشارکاری بر ما زیاد می شه و خستگی با طلبکاری دیگران جمع می شه و ما ناراحت می شیم و بعد تازه می بینیم نتیجه هم نمی گیریم و بعد ناامید و ناراحت می شیم .
- ۲- انتظار ما گاهی از دیگران بسیار زیاد تا جایی که این انتظاری که ما از اصلاح شدن مردم داریم معصومین و بزرگان هم نداشته اند و تفاوت بین یاران را در نظر گرفته اند .
- ۳- شما می دانید در حدیث داریم اگر آنچه را که سلمان می دونستد به ابوذر که بردار ایمانیش بود ، می گفت ابوذر یا سلمان رو می کشت یا به کفر متهم می کرد . پس همه ی یاران پیامبر شبیه هم نبودند و ما از همه انتظار داریم چرا همه اصلاح نمی شوند .
- ۴- ناامیدی پس از نتیجه نگرفتن و انتظار بیخود از ایجاد تغییر در دیگران است که حتی بزرگان دین اینقدر انتظار از مردم نداشتند که ما داریم .
- ۵- تفریح نداشتن و خسته شدن بدن ،استادی بزرگ در توصیه به آقای قرائتی : این پول رو بگیر با خانمت برو اطراف نجف تفریح ، خب زیارت که دهها بار رفتی .
- ۶- امیدواری به خود ندادن ، توکل به درگاه خدا نداریم ، گلزار شهدا نمی ریم ، دو تا فیلم از شهدا بزرگ هم نمی بینیم یا داستان های اونها رو نمی خونیم تا انرژی بگیریم و جو گیر شویم بعد می گیم ، من دیگه ناامید شدم ، زندگی رهبری و کار و تلاش ایشون رو هم که نمی خونیم .
- ۷- الگو قرار ندادن زندگی پرشور و نشاط و منظم بزرگان دین .
- ۸- ، توانایی نه گفتن نداریم بعد به ما فشار می آد و خسته می شیم . ایجاد انتظار بیش از حد برای دیگران از ما.
- ۹- توجه درست نداشتن به عبادت مثل نماز اول وقت و نماز شب .
- ۱۰- کمردرد بر اثر نشستن زیاد پشت کامپیوتر یا کار های تزیینات و اجرایی مساجد : بدلیل ورزش نداریم و بدن خود را گرم نکرده ایم !! و خسته شدن.
- ۱۱- بد اخلاقی با خانواده و به امور خانواده نرسیدن .( انتظار خود را از خانواده درست کنیم ، اینجا هم انتظار بیش از حد داریم ، می گیم : چرا من آرامش ندارم مگر بزرگان همه زن و بچه شون خوب بودند؟! )

- ۱۲- صحبت های رهبری رو هم که گوش نمی دیم تا یک ایده ای به ذهنمان بیاد .
- ۱۳- از بیت المال هم که زیر دستمون هست خوب مراقبت نمی کنیم و بعد میگی خدا چرا امکانات بیشتری به ما نمی دهد ، خوب خدا لطف میکنه که بهت نمیده وگرنه گناهت سنگین تر میشد.
- ۱۴- نحوه ی برنامه ریزی برای مخالف خودمون رو بلد نیستیم و تا چهار نفر مخالف پیدا می شود زود عصبانی میشیم و یا کلا ول می کنیم می ریم.
- ۱۵- مشورت و آموزش و فراگیری و مطالعه که کلا از ذات ما منزه است و اعتقادیبه این چیزها نداریم . بابا مشورت کن اگر کار خراب بشه ، مسئولیت شکست روی دوش همه است.
- ۱۶- نمی شنیم به دوستان بگیم بابا بیاد انتقاد کنید بعد که اونها می بینند ما چنین روحیه ای نداریم ول میکنند و میرن و بعد می گیم چه آدم بی مسجدی و بی نمازی.
- ۱۷- اصلا روش فرهنگی و زندگی امام خمینی و بزرگان دینی و بحث سیر و سلوک اونها رو هم خبر نداریم و بعد خودمون توی خود سازی پیشرفت نمی کنیم و بعد می خواهیم روی دیگران اثر بگذاریم و اصلا هم نشنیده ایم .
- ۱۸-مقام معظم رهبری :اگر خودتان عمل نکنید سخت است روی دیگران تاثیر بگذارید .
- ۱۹-نماز شب و قرآن خواندن و محاسبه اعمال و دائم الوضو و دائم الذکر هم که مال بزرگان و مخلصین و به ما هم ربط نداره و اینکه امام خمینی و رهبری هم میگه شما جوانها به اینها پردازید رو کجا گفتند که ا نشنیده ایم .
- ۲۰-آقا هدف از کار فرهنگی چیه ؟ مردم نماز اول وقت و نماز جماعت بیایند و خودمون نماز صبح ما .... نماز جماعت ما ...ترک گناه ما ...
- ۲۱-حی علی خیر العمل رو که می شنویم هم که کار را حالا کی رها کنه ، بابا یکی نیست بگه ترجمه این تکه از اذان یعنی : این بهترین عمل نه عمل دیگری .( حالا یکجا ضرورت باشه یک چیزی ولی آیا واقعا بعد از نماز کاره فرار میکنه ، به خدا اعتماد کنید.)
- ۲۲-اصلا انتظار شکست رو هم نداریم ، و باید همیشه پیروز شویم و نمی دونیم تو صدر اسلام هم تو یکی از جنگ های پیامبر شکست حاصل شد.

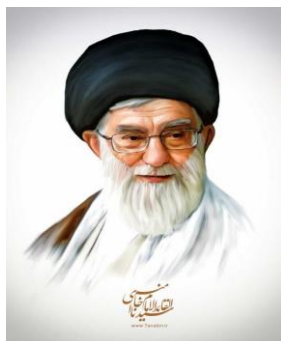


۲۳- به حرف پدر و مادرمون گوش نمی دیم و به دیگران میگییم به حرف های ما چرا گوش نمی دید ،بابا تو خودت به حرف پدر و مادر که واجب گوش نمی دی و انتظار داری دیگران به حرف های تو که شاید مستحب هم نباشد گوش بدهند.

۲۴- مسئولیت پذیری یعنی کار رو با جدیت انجام دادن مثل اینکه این واجب الهی؛ خیلی از ما هاخیال می کنیم بابا حالا کی به کیه حالا دور هم هستیم دیگه زیاد جدی نگیر. حالا یکی نیست به ما بگه کم کاری چه در خودسازی و چه در جامعه سازی یکی انقلاب رو عقب میندازه دوما ظهور رو ؟

۲۵- تازه یکی دیگه نیست که به ما بگه دشمنان که مثل ما بی خیال نیستند اونها در باطل خودشون محکم اند و ما در حق خودمون سستیم ( بر اساس سخنی از حضرت علی علیه السلام )

#### ۵-۱۱- رابطه ی درس و کارفرهنگی از نگاه مقام معظم رهبری



بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سر دبیران نشریات

۰۴/۱۲/۱۳۷۷  
دانشجویی

البته دانشجویان بعد از درس خواندن، خیلی فعالیتها در دانشگاه میتوانند بکنند. بیرودر بایستی باید به شما عرض کنم که اگر شما بخواهید درس خواندنتان را فدای این کارهایی بکنید که خیال میکنید خوب است - حالا یا خوب است، یا خوب هم نیست -

بنده هیچ اعتقادی به این کار ندارم. درس، اول است. فلسفه ی حضور شما در آن جا درس خواندن است. اگر واقعاً دانشجویی درس نخواند، بلاشک بدانید که او مشغول ذمه است؛ یعنی ذمه اش مشغول مردم و خدا و همه است! هرکسی که سهمی در ایجاد این دانشگاه دارد، ذمه اش مشغول به اوست و باید پیش خدای متعال جواب دهد. حالا در دنیا ممکن است کسی یقه ی کسی را در این طور چیزها نگیرد؛ اما در روز قیامت یقیناً سؤال خواهند کرد که چرا درس نخواندی؟! پس، اول درس خواندن است.

بلاشک درس خواندن همه ی وقت دانشجو را نمیگیرد؛ برای او وقتی باقی میماند که باید این وقت را برای مسائل فکری، برای مسائل سیاسی - البته سیاستبازی نمیگویم - استفاده کند. کار سیاسی در دانشگاه نباید حالت افراط و تفریط داشته باشد. یک وقت هست که تفریطی وجود دارد؛ اصلاً دانشگاه همین طور مثل یک مرده است! این همه جوان وجود دارند که گاهی در مسائل سیاسی، نه موضعی میگیرند و نه حرفی میزنند!

بنده در موقعی گفتم خدا لعنت کند کسانی را که دانشگاه را به این طرف سوق میدهند. یک وقت هم دانشجو را در همه‌ی مسائلی که هیچ ارتباطی با او ندارد - مسائل و مشکلات گوناگونی که مربوط به گروهها و جناحهاست - بیایند وارد کنند؛ از نیروی جوان او استفاده کنند و او را این طرف و آن طرف بکشانند؛ این هم به نظر من افراط است.

### ۵-۱۲- محاسبات بیش از اندازه شهید باقری و توکل



یکی از شهدای که بسیار منظم و بسیار اهل محاسبات و دقت در ریز مسائل شهید حسن باقری بود حالا بخوانید:

\*ده روز پیش گفته بود جزیره را شناسایی کنند، ولی خبری نبود. همه اش می گفتند «جریان آب تنده، نمی شه رد شد. گرداب که بشه، همه چیز رو می کشه توی خودش.» خُب چه کنیم؟ می خواید بریم سراغ خدا، بگیم خدایا آب رو نگه دار؟ شاید خدا روز قیامت جلوت رو گرفت؟ پرسید تو اومدی؟ اگه می اومدی کمک می کردیم. اون وقت چی جواب می دی؟

\_ آخه گرداب که بشه... \_ همه ش عقلی بحث می کنه. بابا تو بفرست، شاید خدا کمک کرد.

### ۵-۱۳- عدم توجه به بیت المال ( داستانی از شهید مهدی باکری )

شهید مهدی  
باکری



۱-وقتی گفت :ازت راضی نیستم انگار دنیا را روی سرم خراب کردند . پرسیدم : برای چه؟ گفت: چرا مواظب بیت المال نیستی ؟می دونی این ها رو کی فرستاده؟ می دونی این ها بیت النمال مسلمون هاست؟ شهید دادیم .اسه ی اینهخا. همه ش امانته.گفتم ک حاجی میگی چی شده یا نه؟ دستش را باز کرد و چهار تا حبه ی قند خاکی تو دستش بود. دم در چادر تدارکات پیدا کرده بود. بعدش شروع کرد به بازدید . ترس برم داشته بود.

وضع ماشین را دید کلی شرمنده شدم. آخر سر گفت یکی از دسته هات به خط شن . گفت ک از آمادگی نیرو هات راضی ام. راه افتاد برود .دلم شور افتاد. فکر کردم دلدارین داده. با این حرفش آرام نشدم. وقتی داشت می رفت. کشیدمش کنار گریه ام گرفته بود. گفتم: بگو به خدا ازت راضی ام. خندید و رفت.

### ۵-۱۴- وابسته کردن بیش از حد نیروها به خودمون

مقام معظم رهبری در کتاب کار باید تشکیلاتی باشد می فرمایند:

برای خودتون معاون کارآمدی را قرار دهید ، شاید شما سفری رفتید و پاتون شکست و کارها می خوابد.

شرک فرد پرستی :

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:یکی از حقوق مردم بر رهبر ،این است که رهبر باید آنها را آموزش دهد .

-خیلی از افراد بخاطر عدم آموزش و دانایی کافی دچار اشتباهاتی می شوند .

-در جنگ احد عده ای شایعه پراکنی کردند که پیامبر به شهادت رسیده است لذا عده زیادی دچار ناامیدی شدند و میدان جنگ را ترک کردند فقط حضرت علی علیه السلام و عده ی قلیلی باقی ماندند یعنی آنها وابسته به یک فرد بودند نه وابسته به خدا و اسلام. حالا فرضا پیامبر شهید شده ، خدای پیامبر که هست.

لذا باید افراد گروه اولاً بتوانند در زمانی که رهبر گروه حضور ندارد مسائل را حل کنند:

لذا ۱. کسب کردن توانایی در افراد گروه در حد رهبر گروه

۲. آموزش رهبر گروه به افراد ( حفظ خط فرهنگی از ایجاد خط فرهنگی مهمتر است.

توضیح : تجربه نشان ی دهد که ما برای یک نفر از نوجوانی برنامه می گذاریم و ایشان را تا جوانی با داده های خود همراه می کنیم . متأسفانه دیده می شود دوباره همین وابستگی اش را در جوانی او نیز قطع نمی کنیم و مدام در فکر این هستیم که حالا چه برنامه ای برایش بگذاریم و چون همه برنامه ها تجربه کرده دیگه برنامه ی تازه ای برایش نداریم و برنامه ها برای این جوون تکراری میشه و کم کم جوون دلزده می شه از برنامه ها.

راهکار : نوجوان وقتی به جوانی رسید به او بگوئید این دفعه تو نباید از ما انتظار داشته باشی ما برات برنامه بگذاریم ، بلکه تو باید برای ما و بچه های مسجد برنامه بگذاری و ما را غنی کنی.

درواقع باید به جوان بفهمونی الان تو مثل درختی هستی که میوه داده و اگر میوه ات رو نچینی فساد می گیرد. اینکار باعث میشه هم از استعداد آنها استفاده شود و هم وابستگی رو حذف میکنه و فشار را رو دوش مسئول هم کم میشه.

همین قضیه در مبحث حوزه های علمیه وجود دارد وقتی فرد مجتهد شد تقلید برش حرام است و باید شروع کند به محصول دادن . زیرا طرف مجتهد و شاید کسی داده ای تازه برایش نداشته باشد. و همین نوع دیدگاه باعث پویایی اسلام شده که پس از مدتی فرد را مجبور به تولید محصول می کنه و نمیگذارند همه میوه خور بشه بلکه باید میوه بده.

یکی دیگر از عوامل که جلوی فروپاشی گروه رو میگیره :

خود اتهامی : تو خود فکر کن رهبر گروهی :

هر یک از افراد گروه باید طوری کار کنند که اینگار آنها هم رهبر گروه هستند

لذا گاهی که اشتباهاتی رخ می دهد از طرف هر کسی هم که باشد ؛ باید اعضای گروه هر کدام با خود بگویند که مقصّر رخ دادن این اشتباه در واقع خود من هستم زیرا من به عنوان یک عضو نتوانستم طوری کار کنم که جلوی اشتباه دوستانم را بگیرم. من نتوانستم ایده های خوبی بدهم که چنین مشکلاتی پیش آمده.

- از طرفی رهبر گروه باید در این مواقع سعی کند فضای غبار آلود را جمع کند مثلا:

۱. در دیدار جمعی اعضا یادآور دسیسه اینکه شیطان اتفاقا جای خوب را خراب می کند بشد.

۲. اگر همدیگر را متهم کنیم به زودی گروه از هم خواهد پاشید

۳. آیا خیر گروه ما بیش تره یا شره گروه ما؟

۴. از همه بخواد خدا را در نظر بگیرند نه حب شخصی و تشخیص من

۵. حتی در مورد کسانی که با این حرف ها سر راه نمی آیند ، از دوستان نزدیک آنها بخواد با رابطه ی دوستانه ای که دارند

۶. خود شخصی سراغ آنها رفته و در عذر خواهی هر چند که مقصّر نیست پیش دستی کند چرا که در

ادبیات اسلامی چنین عذر خواهی بالاترین کرامت و عزت نفس است چرا که همه ی عزت مال خداست و با این ها عذر خواهی ها، عزت کسی پایین نمی آید.

### ۵-۱۵- ایده فرهنگی از شیطان ، مشغولیت ذهن و راه حل ها از نگاه بزرگان

بزرگی می فرماید: اگر در هنگام درس خواندن حتی فکر کنی آیا این درسی را که داری می خوانی برای خدا است یا خیر و مدام فکر خود را مشغول به مسائل دینی کنی طوری که یک لحظه می بینی کلا از فضای درسی بیرون رفتی چنین فکری از شیطان است ، حتی با اینکه فکر به مسایل دینی بوده زیرا می خواهد فکر تو را مشغول کند و از مهم بیاندازد (بالاخره شیطان هر کسی را متناسب با او گول می زند) و در واقع با ضربه زدن به درس و زندگی تو را از کار فرهنگی در آینده باز می دارد .

لذا حتی برای مطالعه بزرگان می فرمایند: در اول کار بگو خدایا این درس را برای تو می خوانم والسلام . و اصلا نیازی نیست هی بگی آیا برای خدا است یا خیر.

-حتی در مورد نماز : سخن میرزا آقا ملکی تبریزی در کتاب رساله ی لقالله ، شما وقتی در دیدار رئیس منطقه ای باشید چقدر حواستون را جمع می کنید ، حالا در نماز در مقابل خدایی هستید که آفریننده ی همه ی اینها هست.

ما بچه ای داشته ایم که در نماز راهبرد میچینه که چه جوری با مدیر دانشگاه صحبت کنه ، حالا یک لحظه فکر کنه می بینه باید تو نماز برای صحبت با خدا راهبرد بچینی ها . اما ... .  
-حتی در مورد خواب:

گاهی دوستانی هستند که می گویند ما ساعت ۱۲ می رویم به رختخواب و ساعت ۲ خوابمان می برد و مدام فکرمان مشغول است ؛

اولا نباید در ساعتی که برای خواب قرار داده شده و خدا آرامش را در شب قرار داده فکر فرهنگی کرد و هر وقت دیدی فکرت مشغول شده زود قطع کن حتی اگر دیدی فکر مهمی است در دفتر عناوین فرهنگی فقط عنوان آن را یادداشت کن.

دوما: آنقدر وقت در صف نانوائی ، توی اتوبوس و مترو ، در پیاده روی ها تلف می شود که به همه ی جزئیات این عناوین می توان فکر کرد.

سوما: حتی اگر فکر بد به ذهنتان می رسد اصلا اعتنا نکنید و زود قطع کنید و آیت الکرسی بخوانید (و فضای ذهنتان را با آیات الهی پر کنید) و سریع از خدا بخواهید که خوابتان ببرد زیر خوابیدن نیز از خداست. (البته در بقیه امور نیز بخواهید زیرا همه امور به دست خداست.)

حتی در نماز اگر ایده ای به ذهنتان رسید قطع کنید و به خدا بسپارید مگر ما به خدا اعتماد نداریم خدا به یاد ما می آورد.

پس سه راه حل - قطع کردن فکر - یادداشت کردن ایده - اگر یادداشت نشد، سپردن به خدا

مقام معظم رهبری می فرماید : ما از خدا خواستیم داد شما بخواهید تا ببینید .



## ۵-۱۶- غرور و دستشویی شستن ظرف شستن راهبردی برای مقابله با آن در دفاع مقدس

غرور : گاهی اوقات در برنامه ها پیروزی نیز به دست می آید و دیگران تعریف می کنند پناه ببرید به خدا از غرور که بد چیز ضربه زننده ای است و خدا شما را به امتحانات سنگین مواجهه می کند .

آقای پناهیان می فرماید:خدا گاهی امتحان می کند تا غرورت را بشکند و یا با ابتلائی به شدائد متواضع ات می کند از طرفی نماز هم برای رفع غرور است پس بهتر است به نماز بپردازید و از در افتادن با امتحانات الهی پرهیز کنید. بگو خدایا ما را با امتحان هایی که طاقت آن را نداریم مواخذه نکن.

- حضرت علی علیه السلام: می فرمایند هرگاه کسی از تو تعریف کرد

بگو : اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْ نِي بِمَا يَقُولُونَ :خدایا برای آنچه می گویند مواخذه نکن.

وَأَجْعَلْ أَفْضَلَ مِمَّا يَظُنُّونَ :از آنچه می پندارند مرا بالاتر قرار بده.

وَاسْتَرْ مَا لِي يَا عَلْمُونَ : آنچه را که نمیدانند را بپوشان.

در خط دوم دعا تازه شما می خواهید مقام شما بالاتر هم برود و کارهای بیش تری و بزرگتری انجام دهیم . بالا خره ما خودمان می دانیم که گناهی هم داریم که در خط سوم دعا می خواهیم خدا آنها را بپوشاند.

۱\*از توی ماشین داشت اسلحه خالی می کرد؛ با دو سه تا بسیجی

بسیجی دیگر. از عرق روی لباس هایش می شد فهمید چقدر کار کرده.

کارش که تمام شد، همین که از کنارمان داشت می رفت، به رفیقم گفت:

چطوری مشد علی؟

به علی گفتم که کی بود این؟

گفت: مهدی باکری ؛جانشین فرمانده تیپ .

گفتم: پس چرا داره بار ماشین رو خالی می کنه؟

گفت یواش یواش اخلاش می آد دستت.



## شهید حسین خرازی



۱\* همه مان را جمع کرد. سی و هفت هشت نفری بودیم ؛ پاسدار و بسیجی .  
گفت «می خوام برم صحبت کنم ، فردا تو راهپیمایی ، ما رو بذارن اول صف ،  
جلوتر از همه اگه درگیری شد، ما وایستیم جلوی سعودی ها، به مردم حمله  
نکنند».

۲\* چند نوع غذا داشتیم . غذای عقبه ، غذای منطقه ی عملیاتی، غذای خط  
مقدم. هرچی به خط نزدیک تر ، غذا بهتر . دستور حاج حسین بود.

۳\* گفت « فلانی ! نوشابه ها رو که بردی ، به حاج حسین دو تا نوشابه می دی  
. یادت نره ها.» گفتم « دوتا؟ حاجی جون بخواد . نوشابه چیه ؟» گفت « نه.  
الان اومده بود پیش من . پول یکیش رو داد. « گفتم « تو هم گرفتی؟» گفت  
« هه . فکر کرده ای! می ذاره نگیرم ؟ تازه اولش هم قسم خورده م که به همه  
می رسه».

## شهید احمد متوسلیان



\*خاطره ی تمیز کردن دستشویی توسط شهید احمد متوسلیان: پس از  
یکی از عملیات ها دید حاج احمد زود رفت خوابید ،وقتی که بچه های  
لشکر همه رفتند خوابیدند دیدم بلند شد و به راه افتاد ،دنبالش رفتم دیدم  
رفته داخل دستشویی ها و دارد دستشویی ها را می شوید ؛گفتم : حاجی  
چرا دستور نمی دید نیرو ها بشورند گفت: نه خودم می شورم می خوام  
فردا صبح که بچه ها برای نماز بلند می شنند رحیه شون با این تمیزی باز  
باشه گفتم حاجی بده من بشورم گفت: نه تو اگه می خوای بیا خودت هم  
کمک کن.



### فصل ششم

#### برخی از اصول عملی کار جمعی و کار فرهنگی

- |   |  |
|---|--|
| ۹۷..... اصل قول احسن.....۲-۶                  | ۹۷ ..... اصل تحابب ..... ۱-۶                   |
| ۹۸..... اصل تطبیق محتوا با نیاز مخاطب.....۴-۶ | ۹۸..... اصل عفو ..... ۳-۶                      |
| ۹۹ ..... اصل توأسی.....۶-۶                    | ۹۸ ..... اصل تغافل ..... ۵-۶                   |
| ۹۹..... اصل توکل..... ۸-۶                     | ۹۹ ..... اصل تخصص ..... ۷-۶                    |
| ۱۰۰..... اصل تعاون..... ۱۰-۶                  | ۱۰۰ ..... اصل تهذیب ..... ۹-۶                  |
| ۱۰۱..... اصل تعالی..... ۱۲-۶                  | ۱۰۰..... اصل تفقه و رجوع به علما و فقها.. ۱۰-۶ |
| ۱۰۱ ..... اصل تهاجم در جنگ نرم..... ۱۴-۶      | ۱۰۱ ..... اصل توسعه ..... ۱۳-۶                 |
| ۱۰۲ ..... اصل دفاع از ولایت..... ۱۸-۶         | ۱۰۲ ..... اصل ملازمت ..... ۱۷-۶                |
| ۱۰۳ ..... اصل تبلیغ عملی..... ۲۰-۶            | ۱۰۳ ..... اصل تواضع ..... ۱۹-۶                 |
| ۱۰۳..... اصل تدبیر..... ۲۲-۶                  | ۱۰۳ ..... اصل تصبّر ..... ۲۱-۶                 |
| ۱۰۴..... اصل به امر مولا..... ۲۴-۶            | ۱۰۴ ..... اصل استعاده ..... ۲۳-۶               |
| ۱۰۴ ..... اصل رعایت اولویت ..... ۲۶-۶         | ۱۰۴ ..... اصل برای مولا ..... ۲۵-۶             |
| ۱۰۵ ..... اصل انعطاف..... ۲۸-۶                | ۱۰۵ ..... اصل ایثار ..... ۲۷-۶                 |
| ۱۰۶ ..... اصل تعلیم..... ۳۰-۶                 | ۱۰۶ ..... اصل تعهد ..... ۲۹-۶                  |
| ۱۰۶..... اصل حسن ظن ..... ۳۲-۶                | ۱۰۶ ..... اصل توجه به نیازها ..... ۳۱-۶        |
| ۱۰۷ ..... اصل تبری..... ۳۴-۶                  | ۱۰۷ ..... اصل استمرار ..... ۳۳-۶               |

۳۵-۶: اصل پرهیز از مدگرایی ..... ۱۰۷ ۳۶-۶: اصل مستندسازی تجارب ..... ۱۰۷

۳۷-۶: اصل برنامه داشتن برای مخالفین ..... ۱۰۸

### فهرست

#### اصل تحابب ( محبت بین اعضا )

اعضای یک جمع فرهنگی انقلابی باید با یکدیگر الفت و موانست و محبت داشته باشند. البته محبتی غیر استقلالی و فقط بر محور خدا و اهل بیت. این محبت عامل انتقال ناخودآگاه بسیاری از ارزش ها و جهت گیری هاست. علامه طهرانی در این مورد می فرماید: ((به علّت جاذبه و کشش روحی نفس محبّ به محبوب ، آثار و صفات محبوب در محبّ منعکس خواهد شد ، تا به سر حدّی که اگر جاذبه بین دو نفس به اندازه‌ای باشد که در هر حال از یکدیگر غفلت نداشته باشند ، گوئی آن دو ، چنان نفس هایشان در هم آمیخته و به یکدیگر جوش خورده و متصل و یا متحد شده است که هر دو دارای نفس واحدی شده‌اند<sup>۱</sup>)). محبت الهی بین اعضای جمع، به انتقال غیرمستقیم ارزش ها و افزایش همدلی کمک کند.

مثال: محبت و همدلی بین شهدا در جنگ تحمیلی

#### اصل قول احسن

صحبت نیروها با یکدیگر باید طبق آیه کریمه ((قل لعبادی یقول التی هی احسن)) باشد و به بهترین شکل ممکن صورت بگیرد. الفاظ به کار رفته، طرز ادای کلمات و زمان و مکان و بیان باید به نحوی انتخاب شود که حاوی پیام همدلی و احترام باشد. گاهی یک لبخند بیش از یک دنیا استدلال می تواند همدلی را بیشتر کند.

### اصل عفو

(خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَاعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ)

خطای محرز و اشتباهات اعضا باید تا سرحد ممکن گذشت شود. اعضای جمع مثل اعضای یک پیکره واحدند که در صورت بیماری باید مداوا شوند، نه این که بلافاصله بعد از بیماری با عمل جراحی، دور انداخته شوند. طرد و اخراج، آخرین راه حل برای اشتباه اعضاست. اگر همه درمان ها جواب نداد و احتمال سرایت بیماری به سایر اجزای بدن وجود داشت، جراحی و جدا کردن را می توان استفاده کرد.

مثال: پذیرفتن توبه حر از سوی امام حسین علیه السلام

### اصل تطبیق محتوا با نیاز مخاطب (سطح عوام، خواص و اخص الخواص)

نباید هر حقیقتی را در هر جایی گفت، بلکه باید شرایط را سنجید و باتوجه به میزان طاقت مخاطب و سایر شرایط، سطح و محتوای کلام را تنظیم کرد. نیروی تشکیلاتی و فرهنگی در انقلاب اسلامی رسالت پیامبرگونه دارد و باید زبان حالش این حدیث رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است: ((نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ)). «ما جماعت پیامبران، چنین مأموریم که با مردم به اندازه عقل هایشان سخن بگوئیم<sup>۱</sup>)). برنامه ریزی فرهنگی باید سطح بندی داشته باشد، برای سطح عوام، خواص و اخص الخواص باید طرح و برنامه فرهنگی داشت.

### اصل تغافل

امام علی علیه السلام : مِنْ أَشْرَفِ أَعْمَالِ (أَحْوَالِ) الْكَرِيمِ غَفْلَتُهُ عَمَّا يَعْلَمُ<sup>۲</sup>

از بهترین رفتارهای (حالات) شخص بزرگوار، نادیده گرفتن چیزی [از خطاها و بدیهای مردم] است که می داند.

<sup>۱</sup> تحف العقول « ص ۳۷

<sup>۲</sup> میزان الحکمه-جلد : ۸ ص ۴۹۲

در یک جمع الهی لغزش و اشتباه اعضا طبیعی است در این موارد دو مساله وجود دارد اولاً جنبه جمعی اشتباه که باید به صورت کلی تذکر داده شود تا تکرار نشود. ثانياً جنبه شخصی اشتباه که در خیلی از موارد بهتر است تغافل شود تا خود شخص اشتباه خود را جبران کند. معمولاً اثر تربیتی تغافل بیش از تذکر مستقیم است.

### اصل توامی

توصیه به حق و توصیه به صبر از اصول کار جمعی است که قبلاً در بحث کار جمعی مفصلاً بحث شد.

### اصل تخصص

در عین اطلاعات عمومی که همه اعضا نیاز دارند، بهتر است نیروها هرکدام یک تخصص خاص فرهنگی هم داشته باشند مثلاً طراحی گرافیک یا روایتگری یا غرب شناسی و تاسیسات و... در سطوح بالاتر و در افق بلندمدت لازم است که همه نیروهای دغدغه مند، مدارج علمی تخصصی را طی کنند تا در جامعه مثمر ثمر باشند. "طلبه ها باید تا اجتهاد و دانشجویان تا دکترا جلو بروند." با داشتن مدرک و تخصص لازم، زمینه برای فداشدن در بالاترین سطح فراهم می شود. اگر شخص مومنی بتواند این مدارج را طی کند ولی این کار را نکند و در نتیجه مسئولیتی را که می توانسته به عهده بگیرد، نصیب ناهلان شود، این شخص مومن هم در قبال خیانت های اشخاص ناهل مسئول است و در پیشگاه الهی مواخذه خواهد شد. چون با خالی کردن عرصه به نفع ناهلان، زمینه را برای خیانت آنها فراهم کرده است.

### اصل توکل

در همه کارها توکل و استعانت دائم از خدای متعال برای جمع لازم است. اگر این توکل نباشد روحیه محافظه کاری یا نفسانیت جمع را راکد و نابود می کند. جمع متوکل به خدا به منابع ثروت و قدرت وابسته نمی شود و کار فرهنگی اش را در هر فضای ممکن رها نمی کند. ((وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ)) و ((وَأَسْأَلُهُمْ فِي الْأَمْرِ فَاِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ، سوره ی آل عمران آیه ی ۱۵۹))

### اصل تهذیب

امام خمینی: (اگر بخواهید خدمتگزار اسلام باشید... باید دانشگاه و فیضیه و همه آنها که مربوط به دانشگاهند و همه آنها که مربوط به فیضیه هستند در راس برنامه‌های تحصیلیشان برنامه اخلاقی و برنامه‌های تهذیبی باشد... مهم‌تر چیزی که برای کشور ما لازم است تعهد اسلامی و تهذیب اسلامی است.<sup>۱</sup>) (مراجعه بیشتر به جزوه ی جهاد اکبر حضرت امام )

رشد فرهنگی و معنوی خود جمع و اعضا در مرحله اول اهمیت است البته این رشد را باید حین کارهای فرهنگی حاصل کرد. هر کار فرهنگی خوب با نیت الهی در واقع یک قدم به جلو در سیر الی الله است. اگر نیت الهی در کارها نباشد، جمع به ظرف آلوده ای تبدیل می شود که باران زلال معارف را می گیرد و آلوده به تشنگان معارف تحویل می دهد.

### اصل تعاون

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (المائدة: ۵/۲)

همکاری و با هم کار کردن همیشه به فردی کار کردن اولویت دارد. بهتر است همه مسوولیت های جمع به جای یک نفر به دونفر واگذار شود تا کار جمعی را با هم تمرین کنند و از انحصار هم جلوگیری شود و هم کار جمعی بیشتر اجرا گردد.

مقام معظم رهبری : هیچ کاری در دنیا بدون تشکیلات پیش نمی رود .

### اصل تفقه و رجوع به علما و فقها

امام کاظم علیه السلام: ( تفقهوا فی دین الله فان الفقه مفتاح البصیره و تمام العبادة و السبب الی المنازل الرفیعه...)

در دین تفقه پیدا کنید زیرا فهم دین کلید شناخت و تمام بودن عبادت است.<sup>۲</sup>)

<sup>۱</sup> صحیفه امام ج ۱۴: ۱۷۰-۱۶۹

<sup>۲</sup> بحار / ۷۸ / ۳۲۱

امام سجّاد(علیه السلام) فرمود: « هَلَكَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يَرْشِدُهُ ؛ کسی که حکیم ارشاد کننده ای نداشته باشد گمراه می شود<sup>۱</sup>».

نظارت علمای ربانی باعث جلوگیری از انحراف اعتقادی یا عملی جمع می شود. آیه سؤال در قرآن مجید (فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ)(انبیاء/۷) به ناآگاهان دستور می دهد که مشکلات علمی و فکری را با سؤال از آگاهان حل کنند. همچنین همه اعضای جمع هم باید اهل تفقه در دین و مطالعه آثار اسلامی ناب مثل کتب شهید مطهری و... باشند. اگر تفقه در دین نباشد، روزمرگی و سطحی نگری در فعالیت فرهنگی پیش خواهد آمد.

### اصل تعالی

سوره مبارکه الأنفال آیه ۲۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال-۲۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد!

اعضای همه جوامع باید ندای حضرت حق را لبیک گفته و در مسیر رسیدن به حیات طیبه قدم بردارند. جمع دائما نیاز به رشد و حرکت دارد و گرنه طبق روایت مغبون است. چون خدا بی نهایت است حرکت به سمت او هم بی نهایت است و باید تا لحظه آخر در راه او تلاش کرد. جمع الهی هم برای تعالی خود و جامعه حد و مرزی نمی شناسد و هر روز سعی می کند که از روز قبل جلوتر باشد..

### اصل توسعه

علاوه بر رشد کیفی، جمع فرهنگی در جامعه اسلامی رسالت کمیتی هم دارد، یعنی باید تلاش کند که تعداد بیشتری از افراد جامعه را متوجه انوار الهی کند. در واقع جمع باید مظهر اسم تواب الهی باشد برای گناهکاران و مظهر اسم دلیل المتحیرین باشد برای سرگشتگان جامعه اسلامی.

## اصل تهاجم در جنگ نرم

امیر مومنان علی علیه السلام: (به خدا سوگند، هر ملّتی که دشمن در سرزمین او خانه اش [جنگ کند، به طور حتم، ذلیل خواهد شد<sup>۱</sup>].)

طبق رهنمود امیرالمومنین علیه السلام باید در عرصه جنگ سخت، مبارزه را به سرزمین دشمن کشاند و از کشیده شدن جنگ به سرزمین خودی جلوگیری کرد و گرنه ذلت در مقابل دشمن پیش خواهد آمد. چون کسی که در خانه اش با دشمن می جنگد نمی تواند ریشه دشمن را هدف بگیرد، نهایتاً شاخ و برگ دشمن را می زند. ولی باید ریشه و محور او را منهدم کند حتی لا تکون فتنه! در جنگ نرم هم در مقابل دشمن اصل بر تهاجم است. کسی که در خانه خود با دشمن می جنگد، ذلیل می شود. گاهی مجموعه های فرهنگی فقط مشغول جواب دادن شبهات دشمن می شوند و دفاع در مقابل حملات دشمن. البته اینها در جای خود لازم است ولی جمع الهی فقط مدافع نیست، بلکه در عرصه جنگ نرم، دشمن را به چالش می کشد و ریشه های بنیادین تمدن او را هدف می گیرد. گفتمان توحیدی انقلاب اسلامی چون منطبق بر فطرت انسان است می تواند چالشی جدی برای تمدن پویشی غرب ایجاد کرده و با بیدار کردن فطرت ها زمینه اضمحلال غرب را فراهم کند.

مثال عملی: نامه امام خامنه ای به جوانان غربی یا نامه امام خمینی به گورباچف

## اصل ملازمت

جمع شیعی سعی می کند ملازم ولایت باشد، در مقابل ولی فقیه مطیع محض باشد و تعبد در مقابل نائب امام زمان را یک شاخصه اصلی هویت خود می داند. البته لازمه تعبد این است که ساختار فکری و روحی اشخاص و اجتماعات با روح و تفکر ولی فقیه هماهنگ باشد تا سر بزنگاه ها هماهنگ ترین تصمیم های ممکن را بگیرد.

مثال: اطاعت و هماهنگی امام خامنه ای نسبت به امام خمینی در کوران حوادث انقلاب

### اصل دفاع از ولایت

تفکر اسلامی و دینی براین امر مبتنی می باشد که حاکمیت اسلامی در واقع تلاش در جهت حاکمیت الله باشد و حفاظت از این امر رضایت الهی را در پی خواهد داشت. لذا جمع الهی پاسدار حاکمیت اسلام و پشتیبان ولایت فقیه است.

مثال: دفاع شهدا از ولایت فقیه

### اصل تواضع

به حکم قرآنی "اذله علی المومنین" اعضای جمع باید با تواضع با یکدیگر رفتار کنند. همچنین رعایت تواضع با سایر محبین اهل بیت هم به خاطر انتساب ایشان به اهل بیت، لازم است، مگر در موارد استثنا

### اصل تبلیغ عملی

((کونوا دعاة الناس بغير ألسنتکم؛ با غیر زبان هایتان مردم را دعوت کنید<sup>۱</sup>)).

به حکم این روایت بهترین تبلیغ، تبلیغ عملی است. کسی که خود در راه خدا تلاش نمی کند، چگونه می تواند دیگران را به راه خدا دعوت کند؟ ((كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ)) (

### اصل تضر

امام علی(علیه السلام): ((افضل الصبر التضر. با فضیلت ترین صبرها تضر(خود را به صبر مجبور کردن) است. ۲))

در مقابل سختی ها و ناهماهنگی ها بایستی خود و جمع را به صبر مجبور کرد. البته چنین صبر تلخی سعه صدر بسیار لازم دارد. حضرت موسی (ع) هنگامیکه برای رهبری و هدایت و مدیریت جامعه بشری مبعوث می شود ودنیائی از مشکلات و درگیریها را در مقابل خود می بیند دست به دعا بر می دارد و اولین

<sup>۱</sup> کافی، کلینی، ج ۲، ص ۷۸

<sup>۲</sup> میزان الحکمة، جلد ۵، صفحه ۲۷۳



درخواست او از خداوند "شرح صدر" است. او می گوید: رب اشرح لی صدري: خداوندا به من سینه گشاده و شرح صدر بده، چرا که و بدون سعه صدر رهبری و تربیت انسانها امری نشدنی است.

امام علی علیه السلام : فَإِن لَّمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ

### اصل تدبیر

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) : ((هیچ عقلی همانند تدبیر نیست. <sup>(۱)</sup>))

نداشتن برنامه ریزی درست و تدبیر مناسب برای آینده عامل غافلگیری و شکست جمع می شود.

### اصل استعاذه

شیطان در کمین جمع الهی است و به فرموده قرآن (ان الشیطان یزغ بینهم) با وسوسه بین بندگان خدا را به هم می ریزد. در این وسوسه های تفرقه و اختلاف برانگیز، دستور قرآن، استعاذه و پناه بردن به خداست. (وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (فصلت-۳۶) و هر گاه وسوسه‌هایی از شیطان متوجه تو گردد از خدا پناه طلب که او شنونده و آگاه است. با توجه به حملات دائمی شیطان، استعاذه دائم هم برای مقابله با او لازم است.

### اصل به امر مولا

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»

باید همه کارها نه تنها با احکام شرع مغایر نباشد، بلکه در جهت اعتلای کلمه الله و احیای فرهنگ اهل بیت باشد. اصل "به امر مولا" در واقع حسن فعلی یا قسمت ظاهری اعمال را تصحیح می کند. همه اعمال باید در جهت تبعیت از احکام و دستورات اهل بیت باشد. احکام فردی از رساله مرجع تقلید و احکام اجتماعی از بیانات ولی فقیه به دست می آید.

### اصل برای مولا

امیر مومنان علیه السلام ((التَّيَّةُ أَسَاسُ الْعَمَلِ نِيَّةٌ، بنیان و پایه عمل است.۱))

باید باطن و نیت همه کارها هم برای مولا باشد. یعنی فقط به خاطر رضایت او و از سر محبت او و احساس وظیفه نسبت به او. نه برای دنیا و نه حتی برای ثواب یا ترس از عقاب. اصل "برای مولا" حسن فاعلی و نیت کارها را تصحیح می کند. معیار تشخیص نیت صحیح مشکل است و معمولاً خود شخص یا جمع متوجه ناخاصی های نیت نمی شوند. تصحیح نیت و الهی کردن همه انگیزه ها نیاز به معاشرت با علمای ربانی دارد.

### اصل رعایت اولویت

اولاً تقدم اولویت محتوای کار فرهنگی بر شکل و ظاهر آن مهم است. یعنی با صرف پوستر و بنر و... کار انجام نمی شود، بلکه مهم محتوا و مغز کار فرهنگی است که نیاز به فکر و برنامه دارد.

ثانیا اولویت کار برای خواص: هر جمع فرهنگی اولاً باید برای تعالی و رشد نیروهای خودش برنامه داشته باشد و در مرحله بعدی برای بقیه. اگر این برنامه ریزی برای تعالی صورت نگیرد، جمع در مسیر سقوط قرار گرفته و برای جامعه هم مضر است.

ثالثاً اولویت عمل بر گفتار: مهمترین و مؤثرترین نوع مدیریت و تصمیم گیری در امر تربیت این است که مسئول، ابتدا خود به آن تصمیم عمل کند و پیشاپیش جمع، حرکت نماید تا دیگران پشت سر او و به تبعیت از او حرکت کنند.

امام خمینی ((ره)) بر خلاف دیگر رهبران انقلابی جهان اینگونه نبود که ملت خود را فقط دعوت کند که علیه طاغوت قیام کنند، بلکه او ابتدا حرکت و قیام علیه طاغوت را شروع کرد و جلوی صف ملت حرکت کرد و پس از آن مردم انقلابی ایران پشت سر وی حرکت و قیام را آغاز کردند.

### اصل ایثار

((الإِثَارُ أَعْلَى الْمَكَارِمِ إِثَارٌ ، عالی ترین خصلت اخلاقی است.۲))

<sup>۱</sup> غرر الحکم: ۹۳، حدیث ۱۶۲۴

<sup>۲</sup> میزان الحکمه- ج ۱- ص ۲۳

در اختلاف نظرها و مشکلات جمعی، اعضای جمع با ایثار سعی می کنند، از نفسانیت فردی و تشکیلاتی عبور کرده و متوجه تعالی توحیدی جمع می شوند. علاوه بر آن در راستای رسیدن به اهداف جامعه اسلامی، خوی را فدای اسلام و انقلاب می کنند.

مثال عملی: سبقت کردن رزمندگان برای سبقت گرفتن از همدیگر برای ایثار جان و رفتن روی میدان مین

#### اصل انعطاف

در محدوده مجاز شرعی و ولایی، جمع اجازه دارد که جاذبه لازم را برای جذب و تربیت نیروها به کار بگیرد. همچنین همه اعضای جمع در عین همدلی به تفاوت های فردی واقف بوده و یک نسخه واحد فرهنگی را برای همه تجویز نمی کنند. سپاه اسلام در جنگ نرم میمنه و میسره و طلایه و... دارد که هرکدام شرایط و وظایف مخصوص خود را دارد، فلذا تشابه ظاهری نیروها در وظایف و کار و... غیرلازم و بلکه مضر است.

#### اصل تعهد

همه اعضای جمع متعهد هستند که جمع را بر خود اولی دانسته و وظایف محوله را با دقت کامل انجام دهند، تا نقش خویش در تعالی جمع را ایفا کنند.

مثال: تعهد شهید دوران به انجام وظیفه محوله برای حمله به هدف موردنظر در بغداد به قیمت حمله ی انتحاری و جان باختن در راه انجام این تعهد

#### اصل تعلیم

جمع باید برای همه نیروهای جدید و قدیم خود برنامه تربیتی علمی و اعتقادی داشته باشد.

« یُزَكِّيهِمْ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ »

#### اصل توجه به نیازها

رسالت و نقش جمع باید با توجه به نیاز و اولویت جامعه اسلامی انتخاب شود.

مثال: نیازسنجی شهیدمطهری در انتخاب موضوع تحقیق و تالیف و سخنرانی. در زمانی که نوشتن کتاب فارسی در حوزه کسر شان به شمار می رفت. ایشان به جهت احساس تکلیف، مشغول نوشتن کتاب داستان راستان شد. نوشتن کتاب قصه توسط فقیه و فیلسوف بزرگی مثل شهید مطهری در فضای آن زمان بسیار عجیب بود. ولی شهیدمطهری فقط به نیاز نگاه کرد و نه شهرت و شخصیت خودش.

### اصل حسن ظن

یا ایّها الذین آمنوا اجتنبوا كثيراً مِنَ الظّنِّ انَّ بَعْضَ الظّنِّ اثمٌ : ای کسانی که ایمان آوردید از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی گمانها، گناه است.

در سوتفاهم ها یا خطاهای اعضا، اصل بر حمل به صحت و حسن ظن است. سوظن و بدبینی علاوه بر آثار مخرب معنوی، باعث متهم شدن بی گناهان و از بین رفتن امنیت روحی جمع می گردد.

### اصل استمرار

یک کار کوچک مستمر از یک کار بزرگ دفعی بهتر و اثرگذارتر است. جمع باید تعالی خود را طی یک فرایند مستمر تاریخی جستجو کرده و از حرکت‌های شتابزده بپرهیزد. کار فرهنگی باید متمرکز و هدفمند باشد نه پراکنده و سردرگم. بهتر است چند کار معدود انتخاب شود و به سامان برسد تا این که صد کار ناقص بر زمین بماند.

### اصل تبری

ابراز دشمنی عمیق با دشمنان انقلاب و اسلام که حجاب راه خدا هستند جز اصول اساسی جمع فرهنگی انقلاب اسلامی است. مخصوصاً دشمنی با غرب و آمریکا برای جمع فعال فرهنگی در انقلاب اسلامی لازم است.

### اصل پرهیز از مدگرایی

جمع به تکلیف الهی می نگرد نه به عرف مردم و خوشایند خلق. مهم نیست که الان چه چیزی رایج است، بلکه مهم تکلیف الهی است و رفع نیاز جامعه اسلامی.

## اصل مستندسازی تجارب

برای انتقال تجارب و استمرار فعالیت فرهنگی لازم است که روش ها و راهکارها و برنامه ها با جزییات مکتوب شود. تجارب جمع ها و اشخاص دیگر باید مورد استفاده قرار بگیرد تا جمع مجبور به تکرار تجربه ها نشود.

ارتباط بین این قشرها را هم تعریف کنید؛ ارتباط ایجاد کنید

؛ گاهی هست که بسیج دانشجویی مثلاً از بسیج پزشکان یا بسیج مهندسين یا بسیج صنعتگران بی خبرند، اطلاعی از هم ندارند، نه؛ مطلع باشند، ممکن است به درد هم بخورند. هر کدام از بخشهای مختلف همین بسیج قشرها میتوانند به کار دیگری کمک کنند، به پیشرفت او کمک کنند؛ اینها را تعریف کنید، اینها را در مجموعه‌ی خودتان داشته باشید.



۶/۹/۱۳۹۳ دیدار با اعضای بسیج مستضعفین

## – اصل برنامه داشتن برای مخالفین

– حزب جمهوری اسلامی یکی از احزاب بزرگ انقلاب بود بر اثر حوادثی این حزب دچار اختلاف شد و از هم پاشید در جریان از هم پاشیده شدن آیت الله خامنه ای به آقای جاسبی گفتند: آقای جاسبی بالاخره من یک طرف دعوا هم و آقای فلانی طرف دیگر دعوا شما این وسط بمان و کسانی که نه با من اند و نه با آقای فلانی

شما اینها رو نگه دار دور خودت نکنه یک هو سر از آسیاب دشمن در بیاورند.

لذا عرض خواهیم کرد آیا ما برای مخالفین هم برنامه داریم نکند اینها سر از آسیاب دشمن در بیاورند. لذا کارها را خاص و عام باید کرد و حتی ضد عام.

## فصل هفتم

تشریح یک فعالیت فرهنگی طراز انقلاب اسلامی:

زیارت شهدا در کاروان‌های راهیان نور

فهرست

زیارت محل عروج شهدا در قالب کاروان های زیارتی راهیان نور، یکی از توحیدی ترین فعالیت های فرهنگی و ارمغانی الهی برای جبهه انقلاب اسلامی است. به عنوان حسن ختام و به جهت استمداد از ارواح بلند شهدا، آخرین فصل این نوشتار به تدبر در باب زیارت شهدا به عنوان یک مثال کار فرهنگی می پردازد. امید که نسل جوان انقلاب، سیره شهدا را نصب العین خلوت و جلوت خویش قرار داده و راه پرافتخار و الهی ایشان را ادامه دهد. در کاروان راهیان نور حرکت قلوب از جولان ذهن ها سریع تر است و بیداری فطرت از تکاپوی فکرها بیش تر. اینجا جوانانی به زیارت می آیند که شهدا را ندیده اند ولی چشم بصیرت ایشان به نور شهدا روشن شده و با آن نور، عالم را به نوعی دیگر می بینند.

نور شهدا مافوق تصور ماست چرا که "شهدا راه صدساله عرفا را یک شبه طی کردند." شهدا قهرمان جهاد اصغر و جهاد اکبر بودند و چراغ های فروزان راه هدایت. اگر کسی بتوند ارتباط قلبی با شهدا پیدا کند، شهدا او را به نور الهی انقلاب پیوند می زنند و او را در دریای ولایت اهل بیت مستغرق می کنند. شهدا ساقی شجاعت اند و معلم مجاهدت. شهدا پیمانان تشنگان وصل خدا را از شراب حضور پر می کنند و خنکای آب حیات را به کام کشته شدگان صراط دوست می رسانند. ایشان زنده اند تا دست ما اسیران گرداب نفسانیت را بگیرند و به جرگه سالکان انقلاب اسلامی پیوند بزنند. شهدا هنوز هم به عشق اهل بیت، مشغول جمع آوری نیرو برای جبهه انقلاب هستند تا جبهه انقلاب را در نبرد با جبهه استکباری غرب، یاری داده و زمینه ساز آرمان شهر مهدوی باشند.

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» [سوره ی احزاب، آیه ۲۳] از مؤمنان کسانی هستند که بر سر عهدهی که با خدا بستند صادقانه ایستاده اند؛ بعضی عهد خود را اداء کردند و بعضی در انتظارند ولی هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند. شهدا صادقانه به عهد خود با خدا وفا کردند و رفتند و در حفظ نظام اسلامی از بذل جان دریغ نمودند و قلب مبارک حضرت زهرا (سلام الله علیها) را شاد کردند. شهدا ستارگان درخشانی هستند که راه عاشقی و فداکاری را به ما نشان می دهند و از ما در مسیر الهی شدن دستگیری می کنند. شهدا ما را رهنمون می شوند که تارک دنیا نباشیم ولی امور دنیا را به عشق رضایت اهل بیت انجام بدهیم و ذره ای به دنیا ارزش استقلالی ندهیم. شهدا ذوب در ولایت را به ما می آموزند و راه مجاهدت را. شهدا راه و رسم ایثار و مجاهدت را تعلیم می دهند و شیوه سوختن در آتش محبت را فریاد می زنند.

حضرت امیرالمؤمنین «علیه السلام» در مسیر خود به سوی صفین چون به محلی رسیدند که بعداً حضرت سیدالشهداء «علیه السلام» و اصحاب آن حضرت شهید شدند، در آن محل از اسب پیاده و در حالی که چون باران اشک می ریختند، فرمودند: «هَذَا مَنَاحُ رِكَابِهِمْ وَ هَذَا مُلْقَى رِحَالِهِمْ - وَ هَاهُنَا تُهْرَاقُ دِمَاؤُهُمْ - طُوبَى لَكَ مِنْ تُرْبَةٍ عَلَيْكَ تُهْرَاقُ دِمَاءُ الْأَحِبَّةِ». این جا محل فرود آمدنشان است، این جا محل اثاث و خیمه گاه آنان می باشد، این جا خونشان ریخته خواهد شد، خوشا خاکی که خون های محبوب های خدا بر روی آن ریخته خواهد شد.

آری محل شهادت یاران اسلام، دل ها را خدایی می کند و تا ابد حضور روح شهداء در محل شهادتشان راه قرب با خدا خواهد بود. پس باید به زیارت آن مکان ها شتاب کنیم و در آن جا قرب خدا را بیابیم. نقطه اتصال و عروج شهید، خاصیتی ویژه دارد در اتصال قلوب به عالم ملکوت. در دعای امیرالمؤمنین «علیه السلام» آمده است: «نَسْأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشَّهْدَاءِ وَ مَعَايِشَةَ السَّعْدَاءِ<sup>۱</sup>» از خداوند جایگاه شهدا و زندگی انسان های سعادت مند را می خواهیم. هم چنان که از حضرت سجاد «علیه السلام» داریم: «حَمْدًا نَسْعُدُ بِهِ فِي السَّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَ نَصِيرٌ بِهِ فِي نَظْمِ الشَّهْدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ<sup>۲</sup>» حمد خدا را که به وسیله ی آن در بین نیکان از اولیاء خدا کامروا گردیم و به سبب آن در زمره ی شهدایی در آییم که با شمشیر دشمنان خدا کشته شدند. آری امامان طالب پیوند به شهدا هستند و در قالب دعا این را به ما تعلیم می دهند تا جوار شهدا را بخواهیم. با زیارت محل شهادت آن ها إن شاء الله این پیوستگی برقرار می شود. کسی که جان خود را در راه خدا بذل کرد، با خدا معامله نمود. خداوند به او خبر می دهد: «فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ<sup>۳</sup>» بشارت باد شما را به معامله ای که با خدا کردید. آن گاه خدای سبحان جان او را به بهترین نحو می خرد و او را به نورانیتی می رساند که او می تواند زائر خود را از آن نور بهره مند کند. شهید در مقام نورانیت خویش، متجلی جمال الهی است بر رهروان کوی جانان.

قرآن می فرماید «وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» [سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۶۹ و ۱۷۰] هرگز گمان مبرید کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان

<sup>۱</sup> کافی، ج: ۵، ص: ۵۷

<sup>۲</sup> صحیفه ی سجادیه «علیه السلام»، دعای ۲۸

<sup>۳</sup> سوره ی توبه، آیه ی ۱۱۱



زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. آن‌ها به خاطر نعمت‌های فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند؛ و بشارت می‌دهند به آن‌هایی که در همان مسیر هستند ولی هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند که نگران نباشید و هیچ غمی به خود راه ندهید. این برکت زیارت شهدا است در محلی که شهید شده‌اند و در چنین شرایطی شهیدان با نور تکوینی خود در جان زائر خود که به راه او وفادار است ولی هنوز به او نپیوسته، ندا می‌دهند تا بهترین انتخاب را در مسیر فداکاری برای انقلاب و ولایت فقیه داشته‌باشد و زائر خود را دعوت می‌کنند تا با اجابت دعوت ایشان، قفس‌های نفسانیت و سستی و تنبلی را شکسته و راهی وجه‌الحسین شوند. شهدا واسطه‌ای هستند برای تجلی وجه‌الحسین بر کسانی که واقعا وصال حضرت سیدالشهدا علیه السلام را می‌جویند.

در رابطه با جایگاه و ارزش محل شهادت شهدا همین بس که مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» می‌فرمایند: «من این سرزمین را یک سرزمین مقدس می‌دانم. این جا نقطه‌ایی است که ملائکه‌ی الهی که شاهد فداکاری مخلصانه‌ی این شهدای عزیز بودند، به این جا تبرک می‌جویند. این جا متعلق به هرکسی است که دلش برای اسلام و برای قرآن می‌تپد. این جا متعلق به همه‌ی ملت ایران است. دل‌های همه‌ی ملت ایران، متوجه این نقطه، این بیابان و همه‌ی این مناطقی است که شاهد فداکاری‌های جوان‌ها بوده است. شما که این جا را گرامی می‌دارید، خوب می‌کنید؛ آمدن شما و احترام به این نقطه، بسیار به‌جا و بسیار کار صحیحی است. بنده هم خواستم به ارواح طیبه‌ی شهیدان و به نفس‌های معطر جوانان مؤمن، تبرک بجویم و به این عزیزان احترام کنم؛ من هم آمدم در جمع شما شرکت کردم».

### نجوا با شهیدان کوی جانان

باید گوش جان و دیده دل را به این کلمات سپرد تا چشمه جوشان این زیارات ما را دریابد و همراهی کند تا منازل شهدا.

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» سلام بر شما به جهت شکیبایی که در راه خدا از خود نشان دادید و چه زیباست خانه‌ی آخرتتان. «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ وَ أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْصَارَ ابْنِ رَسُولِهِ وَ أَنْصَارَ دِينِهِ» سلام بر شما ای اولیاء خدا، سلام بر شما ای یاوران خداوند و رسول او و امیرالمؤمنین و فرزندان رسول خدا و یاران دین او. «أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ

عَزَّ وَ جَلَّ - وَ كَأَيِّنَ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ - وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَانُوا فَمَا ضَعُفْتُمْ وَ مَا اسْتَكَنْتُمْ حَتَّى لَقِيتُمُ اللَّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ» شهادت می‌دهم که شما حقیقتاً به یاری دین خدا برخاستید همچون کسانی که خداوند در وصفشان می‌فرماید: «چه بسیار پیامبران و همراهان الهی‌شان که در راه خدا مبارزه کردند بدون آن‌که از آن‌چه در آن مسیر به آن‌ها رسید سستی به خود راه دهند تا آن‌که خدا را ملاقات کردند. «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَبْدَانِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ» سلام و صلوات خدا بر شما و روح‌ها و بدن‌ها و جسدهایتان. أَبَشِرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ وَ لَا تَبْدِيلَ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ وَعْدَهُ بَشَارَتِ بَادِ بِرِ شَمَا وَعْدِهِ خَدَائِي كَه وَعْدِهِ اُو تَخْلَفُ پَذِير وَ تَبْدِيلِ پَذِير نِيَسْت. «وَ اللَّهُ مُدْرِكُ بِكُمْ ثَارَ مَا وَعَدَكُمْ» و خداوند در رابطه با خونبهای شما و انتقام خون شما وعده‌ی خود را عملی خواهد کرد. «أَنْتُمْ الشُّهَدَاءُ وَ أَنْتُمْ السُّعْدَاءُ سَعِدْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَ قُزْتُمْ بِالذَّرَجَاتِ مِنْ جَنَّاتٍ لَا يَظْعَنُ أَهْلُهَا وَ لَا يَهْرَمُونَ وَ رَضُوا بِالْمَقَامِ فِي دَارِ السَّلَامِ مَعَ مَنْ نَصَرْتُمْ» شما شهیدان و سعادت‌مندان هستید که نزد خدا به سعادت نائل شدید و رسیدید به درجات عالی بهشت «که اهل آن هرگز از آن کوچ نکرده و پیر و فرسوده نمی‌شوند، و خوشنودند به اقامه نمودن در دار السلام» در حالی که با کسی هستید که نصرتش نمودید. «جَزَاكُمْ اللَّهُ خَيْرًا مِنْ أَعْوَانٍ جَزَاءَ مَنْ صَبَرَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» أَنْجَزَ اللَّهُ مَا وَعَدَكُمْ مِنَ الْكِرَامَةِ فِي جَوَارِهِ وَ دَارِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ» خدا به شما یاران و اعوان‌اش پاداش خیر دهد پاداش کسانی را که با رسول خدا «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» صبر نمودند، خداوند وفا کرد به آنچه وعده به شما نمود و کرامت در جوارش و سکونت در خانه‌اش با انبیاء و مرسلین و امیر المؤمنین «عليه السلام» را نصیب شما نمود. «أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي حَمَلَنِي إِلَيْكُمْ حَتَّى أَرَانِي مَصَارِعَكُمْ أَنْ يُرِينِيَكُمْ عَلَى الْحَوْضِ رَوَاءَ مَرُوبِّينَ وَ يُرِينِي أَعْدَاءَكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ» درخواست می‌کنم از خدائی که من را به سوی شما واداشت و رهسپار نمود و مصارع و مقتل شما را به من نشان داد این‌که نشان دهد به من شما را بر حوض کوثر در حالی که سیراب می‌باشید، و نشان دهد دشمنان شما را در پائین‌ترین درکات جهنم. «وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَائِمًا إِذَا فَنِيْتُ وَ بَلِيْتُ لَهْفِي عَلَيْكُمْ» درود بر شما دائماً هنگامی که فانی و پوسیده شده باشم، حسرت و افسوس می‌خورم بر شما. «هَنِيئًا لَكُمْ مَا أُعْطِيْتُمْ وَ هَنِيئًا لَكُمْ مَا بِهِ حَيِّتُمْ» گوارا باد شما را آنچه داده شده‌اید، و گوارا باد بر شما آنچه به آن تحیت گفته شده‌اید. «أَتَيْتُكُمْ شَوْقًا» نزد شما آمدم با شوق زیاد). «أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينِيَكُمْ عَلَى الْحَوْضِ وَ فِي الْجَنَانِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلَائِكَ رَفِيقًا» از خدا می‌خواهم که شما را در حوض کوثر به من نشان دهد و در بهشت با انبیاء و مرسلین و شهداء، و صالحین باشید، و نیک رفیقانی هستند ایشان.

امام خمینی : این نزاعی که مبارزه ای که الان بین کفر و اسلام است ، این منازعه بین ما و آمریکا نیست ، بین اسلام است و کفر ، اگر چنانچه غلبه کنند خدای نخواستہ اینها بر نهضت ما (که نخواهند کرد ) این غلبه ، غلبه بر اسلام است ، غلبه بر مسلمین است. باید همه مسلمین بدانند که بین وجود و عدم است ، مقدرات اسلام ، مقدرات همه مسلمین است ، همه ی مسلمین در این مسئله همه باید شرکت کنند اگر این نهضت خدایی نخواستہ به سستی گراید یا از بین رود حساب شرف و حساب تمام شرف و خصوصا مسلمین خواهند به تباهی کشید. (صحیفه نور ، جلد ۱۰ ص ۲۲۳ و ۲۲۴ )

---

پیوست ( وبلاگ [khatfarhangi.mihanblog.com](http://khatfarhangi.mihanblog.com) بخش جزوه کار فرهنگی ، چرایی و چگونگی :

**...پیوست الف : خاطراتی از فرماندهی شهدا ، بخش جزوه کار فرهنگی « جزوه ی فرماندهی شهدا.**

۱- تواضع

۲. وقت شناسی

۳. یاد داشتن نیرو های

زیر دست به صورت

عملی

شهید حسن باقری



۱\* مامان و باباش دلشان می خواست پشت سرش نماز بخوانند. هر چی می گفتند، قبول نمی کرد. خجالت می کشید.

۲\* جلسه داشتیم. بعضی ها دیر رسیدند. باقری را تا اون روز نمی شناختم.

دیدم جوانی بعد از خواندن چند آیه شروع کرد به صحبت. فکر کردم اعلام

برنامه است. بعد دیدم قرص و محکم گفت « وقتی به برادرها می گیم ساعت

نه این جا باشن، یعنی نه و یک دقیقه نشه.»

۳\* اوج گرمای اهواز بود. بلند شد، درپچه ی کولر اتاقتش را بست. گفت به یاد

بسیجی هایی که زیر آفتاب گرم می جنگند.

**ثواب کارت را به حضرت زهرا(س) هدیه کن**

یک مرتبه بنده برای انجام یک کار بزرگ و سختی انتخاب شدم که در

فناوری آن هم مشکل داشتیم.

حسن من را دید و گفت می خواهی در این کار موفق باشی؟ گفتم بله. گفت

برو بچه های گروهت را جمع کن، دستانتون رو بهم بدید و هم قسم بشید و

بگوئید خدایا ما برای رضای تو این کار را می کنیم و هرچه ثواب هم دارد

خودمان نمی خواهیم، تمام ثواب آن برسد به حضرت زهرا(سلام الله علیها) و

همین طور هم شد. البته بچه های هم خالصانه به حرف او عمل کردند و این

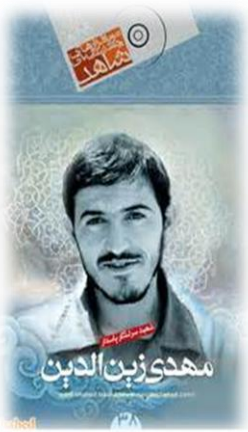
کار در کوتاهترین زمان ممکن که کسی هم فکرش را نمی کرد، انجام شد.

شهید حسن تهرانی

مقدم



نحوه ی فرماندهی :  
تواضع عملی  
شهید مهدی زین  
الدین



۱- چند تا سرباز از قرارگاه ارتش مهمات آورده اند. دو ساعت گذشته و هنوز یک سوم تریلی هم خالی نشده ، عرق از سر و صورتشان می ریزد.

یک بسیجی لاغر و کم سن و سال می آید طرفشان. خسته نباشیدی می گوید و مشغول می شود.

ظهر است که کار تمام می شود. سرباز ها پی فرمانده می گردند تا رسید را امضا کند. همان بنده خدا عرق دستش را با شلوار پاک می کند ، رسید را می گیرد و امضا می کند.

شهید دکتر  
مصطفی چمران



۱\* تلفنی به م گفتند «یک مشت لات و لوت اومده ن، می گن می خوایم بریم ستاد جنگ های نامنظم.» رفتم و دیدم. ردشان کردم.

...

چند روز بعد، اهواز، با موتور سیکلت ایستاده بودند کنار خیابان. یکیشان گفت « آقای دکتر خودشون گفتن بیاین.»

...

می پریدند؛ از روی سنگر، رود، گودال، آرپی جی زن ها را سوار می کردند ترک موتور، می پریدند. نصف بیشترشان همان وقت ها شهید شدند.

شهید مهدی  
باکری



۱- \* باران خیلی تند می بارید . بهم گفت: من می رم بیرون.

گفتم: توی این هوا کجا می خوای بری؟

جواب نداد. اصرار کردم. بالاخره گفت: می خوای بدونی؟ پاشو تو هم بیا. با لندرور شهرداری راه افتادیم توی شهر. نزدیکی فرودگاه یک حلبی آباد بود. رفتیم آنجا. توی کوچه پس کوچه ها یش پر از آب و گل و شل. آب وسط کوچه صاف می رفت توی یکی از خانه ها. در خانه را که زد، پیرمردی آمد دم در. ما را که دید، شروع کرد بد و بیراه گفتن به شهردار. می گفت: " آخه این چه شهرداریه که ما داریم؟ نمی آد یه سری به مون بزنه، ببینه چی می کشیم." آقا مهدی به ش گفت: " خیلی خُب پدر جان. اشکال نداره. شما یه بیل به ما بده، درستش می کنیم؟"

شهید مهدی  
باکری



۱- وقتی گفت: ازت راضی نیستم انگار دنیا را روی سرم خراب کردند. پرسیدم: برای چه؟ گفت: چرا مواظب بیت المال نیستی؟ می دونی این ها رو کی فرستاده؟ می دونی این ها بیت النمال مسلمون هاست؟ شهید دادیم. اسه ی اینهخا. همه ش امانته. گفتم ک حاجی میگی چی شده یا نه؟ دستش را باز کرد و چهار تا حبه ی قند خاکی تو دستش بود. دم در چادر تدارکات پیدا کرده بود. بعدش شروع کرد به بازدید. ترس برم داشته بود.

وضع ماشین را دید کلی شرمنده شدم. آخر سر گفت یکی از دسته هات به خط شن. گفت ک از آمادگی نیرو هات راضی ام. راه افتاد برود. دلم شور افتاد. فکر کردم دلدارین داده. با این حرفش آرام نشدم. وقتی داشت می رفت. کشیدمش کنار گریه ام گرفته بود. گفتم: بگو به خدا ازت راضی ام. خندید و رفت.

پیوست ب: ویژگی یاران امام زمان علیه السلام:

ویژگی های یاران امام زمان (عج): برگرفته ازسایت پرسمان

از آنجایی که در میان یاران حضرت، پیامبران و اولیای الهی (چون عیسی، یوشع، خضر، اصحاب کهف و...) و هم از اصحاب پیامبر اسلام و امیرمؤمنان «ع» (چون سلمان و مالک، ابوذر و...) حضور دارند، می توان گفت آنان عصاره تاریخ خواهند بود. علاوه بر آن که خود حضرت مهدی (عج) ادامه دهنده راه همه پیامبران و اوصیا و دارنده همه سنن و مواریث آنان است؛ به طور طبیعی یارانش نیز دارنده این میراث گران بها خواهند بود.

البته در مجامع روایی بر ۳۱۳ یار خاص آن حضرت تاکیدات ویژه ای شده و اوصاف و خصلت هایی برای آنان شمارش شده است که نشان می دهد واقعاً آنان انسان های برتر، شایسته و برگزیده هستند و توان انجام این مأموریت بزرگ الهی را دارند.

اوصاف یاران در قرآن

در قرآن، آیاتی وجود دارد که ویژگی های برشمرده آنها را، می توان بر یاران خاص حضرت مهدی (عج) تطبیق داد و در بعضی از روایات نیز، بیان شده که این آیات در مورد مهدی (عج) و اصحابش باشد؛ از جمله می فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» [۱]

براساس این آیه خداوند در آینده جمعیتی را برای حمایت دین بر می انگیزد و اوصاف کسانی را که باید این رسالت بزرگ را انجام دهند، چنین شرح می دهد:

۱. آنان عاشق خدا بوده و جز به خشنودی او نمی اندیشند. هم خدا آنها را دوست دارد و هم آنان خدا را دوست دارند. «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»

۲. در برابر مؤمنان خاضع و فروتن هستند. «أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»

۳. در برابر ستمکاران قدرتمند هستند. «أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»

۴. جهاد در راه خدا برنامه همیشگی آنهاست. «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

۵. ثابت قدم بوده و از ملامت کنندگان باکی ندارند. «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»

در پایان می فرماید: «به دست آوردن این امتیازات (علاوه بر کوشش شخصی)، مرهون فضل الهی است که به هر کس شایسته باشد، داده می شود. «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.»

در روایتی از امام صادق «ع» اوصافی برای یاران حضرت مهدی بیان شده که با اوصاف مذکور در آیه هماهنگ است. [۲]

به طور کلی می توان اوصاف، و ویژگی های یاران خاص حضرت را در روایات چنین شمارش کرد.

اوصاف یاران در حدیث

شناخت عمیق نسبت به خدا؛ امام صادق «ع» می فرماید: «در قلوب آنان (یاران مهدی)، نسبت به ذات خدا شکی نیست. [۳]»

و «آنان به وحدانیت خداوند آن چنان که حق وحدانیت اوست، اعتقاد دارند. [۴]»

معرفت امام زمان (عج)؛ امام سجاد «ع» می فرماید: «آنان کسانی اند که به امامت مهدی (عج) اعتقاد دارند. [۵]»

اخلاص؛ امام جواد «ع» فرمود: «هنگامی که برای مهدی، ۳۱۳ تن از اهل اخلاص جمع شد، خداوند امر او را ظاهر خواهد کرد. [۶]»

اطاعت و فرمانبری؛ امام صادق «ع» می فرماید: «اطاعت آنان از امام، بیشتر از فرمانبری کنیز در برابر مولایش است. [۷]»

استقامت؛ آن حضرت هم چنین فرمود: «... گویا قلب های آنان مانند تکه های آهن است... محکم تر از سنگ است. [۸]»

جان نثاری؛ از امام صادق «ع» نقل شده است: «آنان پروانه وار شمع وجود امام را در میان گرفته و او را با جانشان محافظت می کنند (یحفون به). [۹]»



بر خوررداری از تأییدات الهی؛ امام علی «ع» فرمود: «... خداوند مردی (مهدی) را در آخرالزمان می انگیزاند... او را به ملائکه اش تأیید کرده و انصارش را حفظ خواهد نمود.» [۱۰]

شهادت طلبی؛ امام صادق «ع» فرمود: «یاران مهدی، آرزو می کنند که در راه خدا به شهادت برسند.» [۱۱]

صبر و بردباری؛ امام علی «ع» می فرماید: «یاران مهدی، گروهی اند که به خاطر صبر و بردباری در راه خدا، بر او منت نمی گذارند و از این که جان خویش را تقدیم حضرت حق می کنند، به خود نمی بالند و تکبر نمی کنند.» [۱۲]

شیران روز و زاهدان شب؛ امام صادق «ع» فرمود: «گویا من نظر می کنم به قائم و اصحاب او در نجف و کوفه، سجده ها به پیشانی های آنها اثر گذاشته است؛ شیران در روز و راهبان در شب اند.» [۱۳]

همدلی؛ امام علی «ع» فرمود: «ایشان یکدل و هماهنگ هستند.» [۱۴]

خواستار برکت؛ از امام صادق «ع» آمده است: «آنان بر فراز اسب های خود دست بر زین امام می کشند و تبرک می جویند.» [۱۵]

عبادت الهی؛ امام صادق «ع» فرمود: «در دل شب، از خشیت خداوند، ناله هایی دارند مانند ناله مادران پسر مرده» و «شب ها را با عبادت به صبح می رسانند و روزها را با روزه به پایان می برند.» [۱۶]

شجاعت؛ امام علی «ع» می فرماید: «همه شیرانی اند که از بیشه ها خارج شده اند و اگر اراده کنند کوه ها را از جا بر می کنند.» [۱۷]

علم و بصیرت؛ امام علی «ع» می فرماید: «پس گروهی در آن فتنه ها صیقلی می شوند، مانند صیقل دادن آهنگر، شمشیر را. دیده های آنان به نور قرآن جلا داده و تفسیر در گوش هایشان جا گرفته است. در شب جام حکمت را به آنها می نوشانند، بعد از این که در بامداد هم نوشیده باشند.» [۱۸]

حق یآوری؛ امام صادق «ع» می فرماید: «خداوند به وسیله آنها، امام حق را یاری می کند.» [۱۹]

حکمت نورانی؛ از امام صادق «ع» نقل شده است: «گویی دل های آنان مشعل نورانی است (کان قلوبهم القنادیل).» [۲۰]

- [۱]مائده (۵)، آیه ۵۴ . [۲]بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
- [۳] همان، ص ۳۱۷ . [۴]بشارة الاسلام، ص ۲۲۰.
- [۵] کمال الدین، ح ۱، باب ۳۱، ح ۲ . [۶]همان، ح ۲، ص ۳۷۷-۳۷۸.
- [۷] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸ . [۸]همان، ص ۳۰۷، ح ۸۲.
- [۹] همان، ص ۳۰۸ . [۱۰]همان، ص ۲۸۰، ح ۶.
- [۱۱] همان، ص ۳۰۷، ح ۸۲ . [۱۲]یوم الخلاص، ص ۲۲۴.
- [۱۳] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶ . [۱۴]یوم الخلاص، ص ۲۲۴.
- [۱۵] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸ . [۱۶]یوم الخلاص، ص ۲۲۴.
- [۱۷] همان . [۱۸]بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴، ح ۶۴.
- [۱۹] همان، ص ۳۰۸ . [۲۰]همان

**پیوست پ :** معرفی منابع تهیه کتاب های پیشنهادی مطرح شده در این جزوه ، جزواتی بیشتر ، پایگاهی برای تداوم راه با ما ، وبلاگ [khatfarhangi.mihanblog.com](http://khatfarhangi.mihanblog.com) بخش جزوه ی کار فرهنگی ، چرایی و چگونگی

**پیوست ت :** چرا تولید و نشر فرهنگی و زنده بودن یک مجموعه ، [Khamenei.ir](http://Khamenei.ir) ،

دوستان اگر دوست دارید که مجموعه شما حس تازگی و مفید بودن را داشته باشد حتما به سمت تولید داده بروید پس از تولید دو نفر از این فایل خوششان می آید و درس می گیرند و از شما تشکر می کنند و بچه ها احساس می کند زحماتشون فایده دارد ، اصلا تولید و رفتن بچه ها به تبلیغ آنها را با سئوالات جدیدی مواجه می کند که آنها را به کاوش بیش تر و تلاش بیشتر وا می دارد و از طرفی جزو واجبات است که تجربیات خود را به دیگران انتقال دهید که این کار بوسیله ی تولید داده می تواند محقق شود . برای راهنمایی در این زمینه فایل راهمایی برای تولید محتوای فرهنگی در بخش جزوه ی کار فرهنگی وبلاگ بخوانید.

### پیوست ت : برنامه ای برای سن های مختلف از مخاطبین ،

مخاطبین : کار برای کسانی که مخاطب برنامه ها هستند : یک دسته از کارها کارهایی است که ما بر اساس رده های سنی برای دیگران در نظر می گیریم مثل برگزاری دعا، ورزش و کلاس و ...  
خُب حالا مخاطبین را به چند دسته تقسیم می کنیم .

الف :

- برای کودکان برنامه های جدا ، برای نوجوان برنامه های جدا و برای جوانان برنامه های جدا و برای بزرگسالان و پیرمردان هم برنامه های جدا بگذارید.

برخی برنامه برای این قشر:

- کودک: بازی ، تفریح، جایزه و اردو.نمایشگاه محرم دست ساز با گل و خاک توسط خود کودکان ، پخش انیمیشن های ایرانی و خارجی با نقد ، انیمیشن آموزنده

- نوجوان : کلاس قرآن ، احکام، نهج البلاغه + بازی ، تفریح، جایزه و اردو، مسابقات و برنامه های ورزشی، مسئولیت دادن برای انجام کارها، آموزش های علمی ، درسی ، فنی، مستند ، گیم نت ، فیلم ، فوتبال دستی

- جوان : برگزاری برنامه های مطالعاتی ، فکری ، گفتگو ، مستند ، گیم نت، انتقال آنها از گروهی که باید برای آنها کار شود به گروهی که باید آنها حالا دیگر برای دیگران کار کنند و تفهیم و کمک کردن و تشویق کردن آنها برای این انتقال ، در واقع باید به جوانی که به سن بیست رسیده توجه داد دیگر نباید انتظار کار از طرف مسجد برای خود داشته باشی بلکه حالا باید تو کار کنی ، البته در مورد نوجوان و جوان توصیه می شود حتما بخش جامعه سازی یا همان انقلاب ،انقلاب اسلامی و فرهنگ که در مورد ایده هایی که می توان به جوانان و نوجوانان در مورد کار برای انقلاب به آنها داد ، رجوع شود

توجه : ((.حتما بخش جامعه سازی جزوه ی « راه اصلی دین و فرهنگ » را بخوانید. ))

- بزرگسال: استفاده از توان مالی ، استفاده از تجربیات و توان فرهنگی در صورت وجود پیرمرد ها : تایپ کردن مطالب خوب ، دوخت و دوز لباس برای کمک به بچه های فقیر ،

### پیوست ج : ای کاش اشتباه هر نسل نسبت به نسل قبل ( کاش ما در زمان جنگ بودیم.. )

بخشی از بچه های نسل زمان اوایل انقلاب حسرت این را می خورد ه ای کاش ما در زمان امام حسین علیه السلام بودیم و در روز عاشورا بودیم و نمی رفت دفاع مقدس که شهید بشه ، نسل زمان آیت اله خامنه ای حسرت این رو می خوره کاش زمان دفاع مقدس بود و می رفت جنگ و الان نمی دونه جنگ نرم هست و نمی جنگه احتمالا نسل بعد هم حسرت این نسل ما رو می خوره که ای کاش ما زمان آیت الله خامنه ای بودیم که ایشان را یاری می کردیم که چقدر ایشان مظلوم اند و دورانی بود که انقلاب از جنگ خلاص شده بود و به ثبات رسیده بود و فرصت ساخت مملکت بوده و جنگ نبوده که هر چه بسازی خراب کنند و امکانات چقدر زیاد تر از زمان جنگ بود و ...

### پیوست ح : راه حل های مصداقی برای کشف ایده ی جدید فرهنگی

► لیستی از راههای پیدا کردن ایده ها ( کانالی برای ایده پردازی )

► ۱- اگر کار عملی برای اهل بیت نکردی فعلا کار عملی کن تا عرق ریختن برای اهل بیت این چیز هایی که از معارف اهل بیت یاد گرفتی به قلبت وارد شود ، یعنی الان اگر عمل کنی ، طبق صحبت آقای بهجت الان به چیز های که بلدی عمل کردی پس چیز های رو که بلد نیستی یاد میگیری پس این یک راه پیدا کردن ایده. مثل توزیع قرآن بعد از هر نماز بین مردم برای غرور شکنی ، دستشویی شستن ، کلاس تجوید و روانخوانی قرآن و احکام و فوتبال و ورزش و اردو

► ۲- اگر کسی کتاب مفاتیح الحیات رو خونده باشد ، فایل های که در صفحات بالا گفتیم گوش کرده باشد و دیده باشد و خونده باشد ( فایل های اصول عقاید ، اثبات خدا و امام زمان علیه السلام ، اثبات ولایت فقیه ، مطالعه کتب روش تحلیل سیاسی و تحلیل کلان انقلاب اسلامی و تاریخ فلسفه ی غرب ، آموزش کار فرهنگی ، کتاب جریان شناسی پس از انقلاب ، جریان تشیع انگلیسی ، به چیز هایی چون حضور در مجلس عزای امام حسین علیه السلام ، نماز شب و گوش دادن بیانات رهبری رو عمل کرده باشد ، ) کتاب های که معارف نهج البلاغه توضیح دادند رو هم خونده باشی ، کتاب های آقای خسروپناه رو خونده باشی ،

► «حالا» «الف» - شروع کند به عمل و تبلیغ چیز هایی که بلد است

ب - تجربیات و سئوالاتی اتفاق می افتد که متناسب با آن فایل گوش میدی یا تولید میکنی.

۳- صحبت های رهبری رو گوش میدیم و از دل بیانات رهبری ، رهبری دغدغه ها و ایده هایی را می دهد که خود می شود ایده .

۴- یک زمانی را بگذار برای کسب رزق و روزی برای خانواده

۵- مطالعاتی را متناسب با رخدادهای انتخاب کند.

۶- مطالعات سبک زندگی ، قرآن، نهج البلاغه ، عمل ، مفاتیح الجنان ، مفاتیح الحیاء و کتب ضروری ، تسلط بر یک زبان با اولویت عربی برای اثر گذاری بر روی مسلمین

۷- تبلیغ و زکات آنچه که یاد گرفتی

۸- شناسایی و بازیابی محصولات فرهنگی ، معرفی و پخش تولیدات فرهنگ نرم افزار های قرآنی ، بررسی شبهات ، توزیع محصولات لباس و لوازم التحریر اسلامی و ایرانی

۹- شرکت در مراسمات مذهبی و عزاداری و کسب معارف در مسائل واجب برای خودمون

۱۰- مطالعه کتب و رمانها و مجلاتی که در دست جوانان است برای بدونیم اینها چی میخونن و متناسب با نیاز تصمیم بگیریم. ( البته شرط این خود شما پایه ی اعتقادی محکم باشد به توصیه شماره ی ۲ مراجعه کنید.)

۱۱- مطالعه کتاب های قصه ای که در دست کودکان

۱۱- دیدن مستند ها و فیلم و انیمیشن ها خوب برای بچه های مسجد.

۱۲- خلاصه نویسی کتب ، ترجمه و تدوین فایل ها خودمون به زبان دیگر و زبان دیگر به زبان خودمون.

۱۳- تدوین و خلاصه سازی کتب و ایجاد powerpoint خلاصه برای اینکه بعضی از بچه حوصله ی طولانی خواندن را ندارند.

۱۴- فرهنگ سازی با نقاشی و انیمیشن و داستان سازی برای کودکان

۱۵- ایجاد مرکز تولید فرهنگی لباس و کفش با کمک از سن بالا های مسجد و توان آنها شده کمک آنها یک ساعت در روز، یکی از بچه ایده داشت مبنی بر کمک گرفتن از معلمین بازنشسته و آشنا به کامپیوتر و دارای توانایی و افراد سن بالا برای کمک خیر برای تولید وسایلی برای خانواده های فقیر هم از توان آنها استفاده می شد و آنها از خانه نشینی و حس مفید نبودن در می آمدند.

اگر هیچ ایده ای به ذهنتون نرسید به وبلاگ ما بیاید و در بخش نظرات ایمیل خود را اعلام کنید تا من یک ایده به شما بدم.

ایمیل [khatfarhangi@mihanmail.ir](mailto:khatfarhangi@mihanmail.ir)

وبلاگ [khatfarhangi.mihanblog.com](http://khatfarhangi.mihanblog.com)

### فهرست

فهرست تفصیلی

نقشه ی فرهنگی زندگی ..... ۴

مقدمه ..... ۶

فصل اول: انقلاب اسلامی، تجلی توحید در ظلمات غرب..... ۱۰

اشاره..... ۱۲

۱-۲- جرعه ای از نور (بیانات توحیدی امام خمینی و امام خامنه ای)..... ۱۳

۱-۲-۱- توحید عملی در کلام امام خمینی(قدس سره): ..... ۱۴

۱-۲-۲- توحید عملی در کلام امام خامنه ای(مدظله العالی): ..... ۱۶

۱-۳- بارقه نور ( شکل گرفتن شخصیت امام خمینی ) ..... ۱۷

۱-۴- ظهور نور(امام به این نتیجه می‌رسد که سیر بی انتهای سلوکش را باید با پدید آوردن

انقلاب اسلامی ادامه دهد). ..... ۱۹

۱-۵- امتداد آفتاب ( ادامه ی مسیر توحیدی امام در جنگ تحمیلی و رهبری امام خامنه ای )

..... ۲۰

۱-۶- وظیفه ما در قبال انقلاب ..... ۲۱

**فصل دوم:** مبانی فعالیت فرهنگی ..... ۲۳

۲-۲- ضرورت کار فرهنگی برای گسترش انقلاب اسلامی ..... ۲۴

۱-۱-۱- ضرورت جهادی کار فرهنگی ..... ۲۵

۲-۶-۲- ضرورت سلوکی کار فرهنگی ..... ۲۶

۲-۶-۳- ضرورت هدایت رسانی در کار فرهنگی ..... ۲۷

۲-۷- معنای کار فرهنگی ..... ۲۸

۲-۲-۱- هدف: ..... ۲۹

۲-۷-۲- مخاطب: ..... ۳۰

۲-۸- معنای کار فرهنگی ..... ۳۳

۲-۹- جایگاه ذهن و استدلال ..... ۳۴

۲-۱۰- قالب کار فرهنگی ..... ۳۵

۲-۱۱- نسبت فعالیت فرهنگی با غرب و آمریکا ..... ۳۶

**فصل سوم: بایسته های جمعی فعالیت فرهنگی ..... ۳۹**

- |   |                                     |
|---|-------------------------------------|
| ۴۱ ..... ۲-۳- محوریت الهی جمع               | ۴۰ ..... ۱-۳- ارزش جمع              |
| ۴۳ ..... ۱-۳-۳- میزان همدلی                 | ۴۲ ..... ۳-۳- همدلی                 |
| ۴۴ ..... ۳-۳-۳- راهکار اساسی ایجاد همدلی .. | ۴۳ ..... ۲-۳-۳- فواید همدلی         |
| ۴۵ ..... ۴-۳- نظم جمعی                      | ۴۵ ..... ۴-۳-۳- خطر همدلی اشتباه .. |
| ۴۷ ..... ۶-۳- توأسی به صبر                  | ۴۶ ..... ۵-۳- توأسی به حق           |
|   | ۴۸ ..... ۷-۳- تشخیص اولویت ها       |

**سفارشات دهگانه شهید بهشتی به انجمن های اسلامی ... ۴۸**

- |                              |  |
|------------------------------|--|
| ۱- ایمان                     | ۲- برنامه های عملی ای ...                              |
| ۳- ارتباطات را قوی کنید؛     | ۴- جذب عناصر جدید؛                                     |
| ۵- انضباط؛                   | ۶- شناسایی و کشف استعدادها؛                            |
| ۷- معلوماتتان را ببرید بالا. | ۸- شیوه های صحیح برخورد با دشمن و مخالف را یاد بگیرید؛ |
| ۹- انتقاد از خویشان؛         | ۱۰- امید کامل به آینده؛                                |



**فصل چهارم: بایسته های فردی فعالین فرهنگی جبهه انقلاب اسلامی .... ۵۱**



- \* نیت جهانی و همت بلند در کار داشتن..... ۵۲
- \* انس با عذرارای و سینه زنی امام حسین علیه السلام ، صحبت و عشق به امام زمان علیه السلام ، یاد و زیارات امامان و امامزادگان علیهم السلام و توسل به ایشان برای هدایت خود و دیگران ..... ۵۳
- \* انس با قرآن ، نهج البلاغه ، صحیفه ی سجادیه ، رساله های عملیه ..... ۵۴
- \* نماز اول وقت ..... ۵۵ - \* نماز شب ..... ۵۵
- \* احترام به پدر و مادر مسیری که چه برکاتی عظیمی در توفیقات بزرگان داشته است.... ۵۷
- ۱-۴- امیدواری..... ۵۹      ۲-۴- اطلاع از مواضع و بیانات ولی فقیه..... ۶۴
- ۳-۴- نظم ..... ۶۴      چگونگی برنامه ریزی و نظم ..... ۶۵
- ۴-۴- نشاط جسمی..... ۶۸
- (۱) ورزش و تفریح..... ۶۹
- ورزش در تربیت اخلاقی از چند جهت مهم است:
- (۲) خواب با برنامه و به اندازه ..... ۷۱      (۳) تغذیه مناسب ..... ۷۳
- ۴-۵- طی کردن مدارج تحصیلی ..... ۷۴      ۴-۶- تهذیب ..... ۷۵
- ۴-۷- سیر مطالعاتی ..... ۷۷

**فصل پنجم: آفاتی که فعالیت فرهنگی را تهدید می کند ..... ۷۹**

۸۲ ..... ۳-۵- خودفراموشی ..... ۸۲

۸۳ ..... ۵-۵- بی نظمی ..... ۸۳

۸۴ ..... ۷-۵- طغیان نفسانیت ..... ۸۳

۸۵ ..... ۹-۵- داستان جالب موذن بدصدا ..... ۸۴

۸۹ ..... ۱۱-۵- رابطه ی درس و کار فرهنگی از نگاه مقام معظم رهبری ..... ۸۹

۹۰ ..... ۱۲-۵- محاسبات بیش از اندازه ( شهید حسن باقری ) ..... ۹۰

۹۰ ..... ۱۳-۵- عدم توجه به بیت المال ( داستانی از شهید مهدی باقری ) ..... ۹۰

۹۰ ..... ۱۴-۵- وابسته کردن بیش از حد نیروها به خودمون ؛ درختی که بزرگ شده

۹۱ ..... و میوه داده اگر میوه اش رو نچینی یا آبیاریش کنی میوه اش فاسد میشه شرک فرد پرستی ..... ۹۱

۹۳ ..... ۱۵-۵- ایده فرهنگی از شیطان و نحوه ی صحیح تمرکز حواس از نگاه بزرگان ..... ۹۳

۹۴ ..... ۱۶-۵- غرور و دستشویی شستن ظرف شستن راهبردی برای مقابله با آن در دفاع مقدس ..... ۹۴

**فصل ششم: برخی از اصول عملی کار جمعی و کار فرهنگی ..... ۹۶**

۹۷ ..... ۱-۶: اصل تحابب ..... ۹۷

۹۸ ..... ۳-۶: اصل عفو ..... ۹۸

۹۸ ..... ۵-۶: اصل تغافل ..... ۹۸

۹۷ ..... ۲-۶: اصل قول احسن ..... ۹۷

۹۸ ..... ۴-۶: اصل تطبیق محتوا با نیاز مخاطب ..... ۹۸

۹۹ ..... ۶-۶: اصل توأسی ..... ۹۹

- |           |                                 |           |   |
|-----------|---------------------------------|-----------|---|
| ۹۹.....   | ۶-۸: اصل توکل.....              | ۹۹ .....  | ۶-۷: اصل تخصص .....                       |
| ۱۰۰.....  | ۶-۱۰: اصل تعاون.....            | ۱۰۰ ..... | ۶-۹: اصل تهذیب .....                      |
| ۱۰۱.....  | ۶-۱۲: اصل تعالی.....            | ۱۰۰.....  | ۶-۱۱: اصل تفقه و رجوع به علما و فقها..    |
| ۱۰۱ ..... | ۶-۱۴: اصل تهاجم در جنگ نرم..... | ۱۰۱ ..... | ۶-۱۳: اصل توسعه .....                     |
| ۱۰۲ ..... | ۶-۱۸: اصل دفاع از ولایت.....    | ۱۰۲ ..... | ۶-۱۷: اصل ملازمت .....                    |
| ۱۰۳ ..... | ۶-۲۰: اصل تبلیغ عملی.....       | ۱۰۳ ..... | ۶-۱۹: اصل تواضع .....                     |
| ۱۰۳.....  | ۶-۲۲: اصل تدبیر.....            | ۱۰۳ ..... | ۶-۲۱: اصل تصبّر .....                     |
| ۱۰۴.....  | ۶-۲۴: اصل به امر مولا.....      | ۱۰۴ ..... | ۶-۲۳: اصل استعاده .....                   |
| ۱۰۴ ..... | ۶-۲۶: اصل رعایت اولویت .....    | ۱۰۴ ..... | ۶-۲۵: اصل برای مولا .....                 |
| ۱۰۵ ..... | ۶-۲۸: اصل انعطاف.....           | ۱۰۵ ..... | ۶-۲۷: اصل ایثار .....                     |
| ۱۰۶ ..... | ۶-۳۰: اصل تعلیم.....            | ۱۰۶ ..... | ۶-۲۹: اصل تعهد .....                      |
| ۱۰۶.....  | ۶-۳۲: اصل حسن ظن .....          | ۱۰۶ ..... | ۶-۳۱: اصل توجه به نیازها .....            |
| ۱۰۷ ..... | ۶-۳۴: اصل تبری.....             | ۱۰۷ ..... | ۶-۳۳: اصل استمرار .....                   |
| ۱۰۷ ..... | ۶-۳۶: اصل مستندسازی تجارب.....  | ۱۰۷ ..... | ۶-۳۵: اصل پرهیز از مدگرایی .....          |
| ۱۰۸ ..... | .....                           | .....     | ۶-۳۷: اصل برنامه داشتن برای مخالفین ..... |

فصل هفتم : تشریح یک فعالیت فرهنگی طراز انقلاب اسلامی: زیارت شهدا در کاروان‌های راهیان نور

[khatfarhangi.mihanblog.com](http://khatfarhangi.mihanblog.com) بخش جزوه ی کار فرهنگی

پیوست الف : خاطراتی از فرماندهی شهدا ،

پیوست ب : ویژگی یاران امام زمان علیه السلام ،

پیوست پ : معرفی منابع تهیه کتاب های پیشنهادی مطرح شده در این جزوه ، جزواتی بیشتر ، پایگاهی برای تداوم راه با ما ،

پیوست ت : تولید و نشر فرهنگی و زنده بودن یک مجموعه ، [Khamenei.ir](http://Khamenei.ir) ،

پیوست ث : برنامه ای برای سن های مختلف از مخاطبین ،

پیوست ج : ای کاش اشتباه هر نسل نسبت به نسل قبل ( کاش ما در زمان جنگ بودیم.. )

پیوست ح : راه حل های مصداقی برای کشف ایده ی جدید فرهنگی

[فهرست](#)